

﴿ وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ ﴾



زمان مدیریت

مؤلف: دکتر مصطفی محمد طحان

مترجم: عبدالباسط صامت



مدیریت زمان

مؤلف: مصطفی محمد طحان

مترجم: عبدالباسط صامت

شناسه کتاب

نام کتاب: مدیریت زمان

مؤلف: دکتر مصطفی محمد طحان

مترجم: عبد الباسط صامت

ویرایش: دکتر بصیر احمد مبصر

صفحه آرایی و حروف چینی: مترجم

طرح جلد: مترجم

نوبت نشر: اول: سال ۲۰۲۱ میلادی

کلیه حقوق محفوظ است.

ایمیل آدرس مترجم: Miazey786@yahoo.com

واتساپ: +93798226289

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَأَتَاكُم مِّن كُلِّ مَّاءٍ سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾. (ابراهیم/۳۳-۳۴).

و خورشید و ماه را مسخر شما کرده است که دائما به برنامه خود ادامه می دهند و شب را [برای آسایش] و روز را [برای تلاش] مسخر شما ساخته است و از هر چه خواسته اید به شما داده است، و اگر بخواهید نعمت های خدا را بشمارید [از بس که زیادند] نمی توانید آن ها را شمارش کنید

فهرست مطالب

۴	مقدمه مترجم
۶	مقدمه چاپ دوم
۷	مقدمه نویسنده
۷	مدیریت زمان
۱۰	تقریظ
۱۳	توحید مفاهیم
۱۴	سلسله توحید مفاهیم
۱۴	۱- مفاهیم دعوی
۱۵	۲- مفاهیم تربیتی
۱۵	۳- مفاهیم مدیریتی
۱۵	۴- مفاهیم سیاسی
۱۶	فصل نخست
۱۶	مدیریت زمان
۱۷	فراوانی در زمان
۱۷	چگونه اسلام اوقات را تنظیم کرده است؟
۱۹	رازهای زمان
۲۰	فصل دوم
۲۰	ارزش وقت
۲۹	چگونه وقت خود را ارزش می دهیم؟
۳۹	می گذرد و منتظر نمی ماند
۴۱	وقت با ارزش است
۴۱	مایه خوشبختی یا بدبختی
۴۳	فصل سوم
۴۳	برنامه ریزی زمان
۴۴	برنامه ریزی و زمان

۴۵ رمز موفقیت.....
۴۷ هدف آنها
۴۹ خوش بینی.....
۵۱ احساس مسئولیت.....
۵۵ درسی از تاریخ
۶۰ برنامه ریزی استفاده اسباب است
۶۳ مراحل تدوین پلان.....
۶۳ نخست- تعیین اهداف.....
۶۴ اهداف و توانایی های ما
۶۵ نوشتن اهداف.....
۶۵ اهداف واقع بینانه
۶۶ یادداشت های ضروری.....
۶۷ دوم- تعیین فعالیت ها.....
۶۷ سوم- برنامه زمانی
۶۹ لیست روزانه
۶۹ ۱. تحلیل وقت.....
۷۱ ۲- شناخت منحنی فعالیت
۷۲ مراحل تعیین لیست روزانه
۷۴ مرحله اجراء
۷۷ اما چرا تعلل می کنند؟.....
۸۴ پیگیری و کنترل.....
۸۵ فصل چهارم
۸۵ تمرکز
۸۵ هر زمان یک موضوع خاص دارد
۸۷ پیشنهاتازان آینده
۸۹ فصل پنجم.....

۸۹مسئولیت‌های جوان مسلمان
۹۱۱- ایمان، علم و تعلیم
۹۷۲- اوقات کار
۱۰۱انواع فعالیت‌ها
۱۰۲نخست- نامه‌ها
۱۰۵دوم- استفاده از تلفون
۱۰۷سوم- بازدیدکنندگان
۱۰۹اهمیت دیدو بازدید
۱۱۰هنگام بازدید از دیگران
۱۱۲چهارم- جلسات
۱۱۶پنجم- کنفرانس‌ها
۱۲۱ششم- سفرها
۱۲۳۳. اوقات استراحت
۱۲۵۴. اوقات اجتماعی نزد جوان مسلمان
۱۲۷چه کسی این حلقه شوم را بشکند؟
۱۳۲۵- تنظیم اوقات خواب
۱۳۵نعمت‌های خداوند
۱۳۷۶- حالات اضطراری و مشکلات
۱۴۰در پایان
۱۴۱مراجع و مآخذ

مقدمه مترجم

الحمد لله و الصلاة والسلام على رسوله المصطفى وعلى آله وأصحابه
أجمعين؛ اما بعد:

چندی پیش کتاب‌های مدیریت زمان را در کتاب‌خانه‌ها جستجو می‌کردم تا در کنترل و مدیریت زمان به من کمک کند. به کتاب‌های ارزشمند زیادی دست‌یافتیم که بیشترشان توسط غیرمسلمانان نوشته سپس به زبان فارسی برگردانده شده بود. می‌خواستم کتاب‌های علمای مسلمان را بیابم که در این زمینه تحریر شده باشد تا اینکه کتاب «ارزش وقت نزد علمای اسلامی» تألیف علامه عبدالفتاح ابوغده را یافتیم که توسط محمدعلی خالدی (سلطان العلماء) به فارسی ترجمه و شرح شده است.

این کتاب در باب ارزش وقت در اسلام و نزد علمای مسلمان بسیار جامع و مفید است، لکن در آن به تاکتیک‌های مدیریت زمان، برنامه‌ریزی، تنظیم فعالیت‌ها مانند جلسات، ملاقات‌ها، سفرها، استراحت و رویارویی با چالش‌ها پرداخته نشده است.

بعد از آن در کتابخانه‌های عربی به جستجو پرداختم، تا اینکه کتاب «إدارة الوقت» علامه مصطفی محمد طحان را پیدا کردم. محتویات کتاب توجه مرا به خود جلب کرد و با خود گفتم، ای کاش یکی از برادران اقدام به ترجمه فارسی این کتاب می‌کرد تا همه دوستان فارسی‌زبان ما از این کتاب ارزشمند مستفید می‌شدند.

چندین بار تصمیم گرفتم تا این کتاب را به فارسی ترجمه کنم، لکن از یک طرف فرصت نداشتم و از طرف دیگر اهلیت و صلاحیت ترجمه آن را در خود نمی‌دیدم، لهذا دوباره منصرف می‌شدم. بالاخره به فضل و توفیق خداوند،

من تازه کار در عرصه ترجمه، عزم خود را جزم کرده و در جریان تحصیل به ترجمه فارسی آن پرداختم و اینک آماده چاپ هست.

ذکر مواردی که در ترجمه کتاب از سوی مترجم افزوده شده است:

۱. استفاده از تفسیر نور دکتر مصطفی خرم دل - رحمه الله - در ترجمه آیات قرآن کریم؛

۲. تخریح احادیث و بیان صحت و سقم آنها از دیدگاه علامه ناصر الدین آلبانی رحمه الله؛ و در مواردی آوردن متن معتمدتر حدیث؛

۳. اعراب گذاری آیات و احادیث؛

۴. معرفی مختصر افرادی که ذکر آنان در جریان مباحث کتاب صورت گرفته است.

همچنان می خواهم موضوع دیگری را به خواننده عزیز تذکر بدهم و آن اینکه آمارها نشان داده است فقط ۱۰٪ کسانی که هر کتابی را خریداری می کنند، از فصل اول آن عبور می کنند. امیدوارم شما خواننده عزیز جزء همان ده فیصد کسانی باشید که کتاب را تا آخر مطالعه می نمایند.

در فرجام، خودم را وام دار احسان برادر عزیزم شهید مفتی عبدالکریم حقمل می دانم که مشوق و تکیه گاهم بود؛ و همچنان استاد حیدر حمید که پیوسته مرا از رهنمودهای صالح خویش مستفید نموده است؛ و برادر عزیز استاد دکتر بصیر احمد مبصر که زحمت بازمینی ترجمه را متقبل شدند؛ برای شهید علو درجات و برای این دو استاد فرزانه عمر با برکت و زندگی مملو از سعادت و خوشبختی خواهانم، آمین!

والحمد لله رب العلمین.

عبدالباسط صامت

کوالا لامپور - مالیزیا

مقدمه چاپ دوم

پروژه توحید مفاهیم یکی از فعالیت‌های مهمی است که توسط اتحادیه بین‌المللی نهادهای دانشجویی^(۱) (S.O.U) روی دست گرفته شده است. هدف این کار از بین بردن پدیده چنددستگی و پراکندگی فکری در زمینه‌های دعوت، تربیت، مدیریت و سیاست هست.

این پروژه به لطف خداوند با موفقیت بی‌نظیری روبرو شد، تحقیقات آن در حال افزایش و نتایج آن امیدوارکننده است. ترجمه این تحقیقات به زبان‌های دیگر، نشان‌دهنده نیاز به آن‌ها هست.

در حالیکه چاپ نخست این کتاب قبلاً به خوانندگان تقدیم شده است، اکنون آن را در قالب جدیدی برای برادران دانشجوی خود که مشتاق علم و معرفت در پروژه توحید مفاهیم هستند، دوباره چاپ می‌کنیم.

والحمد لله رب العالمین.

مصطفی محمد طحان

دبیر کل

5/10/2006

۱. ایده تاسیس این اتحادیه در سال ۱۹۶۶ میلادی در کنفرانس که توسط دانشجویان مسلمان در دانشگاه ایادن نیجریه برگزار شد، بوجود آمد؛ سپس در سال ۱۹۶۹ میلادی گسترش یافت و جهانی شد. این اتحادیه به خاطر ایجاد روابط مؤثر و قوی در میان اقبشار مختلف جوانان و دانشجویان برای رسیدگی به مطالبات آنان و برای آرایه نمودن تصویر ناب و روشن اسلام و زدودن شبهات وارده علیه اسلام کار می‌کرد؛ و در پی حفاظت دین، زبان، میراث و ارزشهای امت اسلامی بودند. این اتحادیه در اروپا تحت نام «انجمن دانشجویان و جوانان مسلمان» فعالیت دارند؛ و در آسیا، آفریقا، آمریکا و استرالیا به نام‌های متعددی فعالیت می‌کنند. در خلال مباحث کتاب بیشتر با دستاوردهای این اتحادیه آشنا خواهید شد. مترجم.

مقدمه نویسنده

مدیریت زمان

کتاب جدید ما زیرمجموعه کتاب‌های توحید مفاهیم مدیریتی هست. اگر اکنون این کتاب به ثمر نشسته است، شروع آن به ابتدای دهه هشتاد قرن بیستم برمی‌گردد؛ هنگامی که از راه فرودگاه دهلی نو به سوی کشور کویت در سفر بودم و باید چندین ساعت در فرودگاه آن منتظر می‌ماندم. عادتاً در همچون شرایط من در کتابخانه‌ها کتاب‌ها را بررسی می‌کنم. کتابی به دستم افتاد که اهمیت آن را انتظار داشتم، کتاب مدیریت زمان که توسط ام. آر. بایی نوشته شده بود. موضوع کتاب توجهم را به خود جلب کرد. این کتاب وضعیت مرا توصیف می‌کرد؛ زیرا من خیلی مواظب وقت، تنظیم و مدیریت درست آن هستم؛ و خود را نمی‌بخشم اگر در انجام دادن برنامه‌های که از قبل ساخته‌ام کوتاهی کردم، یا اینکه یک نگرانی غیرمنطقی مرا به خودش مشغول نماید و وقتم را هدر بدهد. تمام ایده‌های کتاب را من در زندگی خود استفاده می‌کردم.

اگر کتاب‌های درسی‌ام را مرور کنید، یادداشت‌های را که در حاشیه کتاب‌ها نوشته‌ام می‌یابید، در این صفحه ساعت نه صبح نوشتم و در صفحه دیگر ساعت یازده صبح نوشتم و از این قبیل یادداشت‌ها؛ زیرا مدیریت زمان بر اساس ساعت محاسبه می‌شود.

وقتی کتاب «فی التدریب التربوی» را که شامل مجموعه‌ای از تحقیقات بود نوشتم، در آن به کار دانشجویی بین‌المللی پرداختم و یک فصل کتاب را به مدیریت زمان اختصاص دادم؛ در بیان مطالب آن از رفتار شخصی خود و از کتابی که در فرودگاه دهلی نو یافته بودم استفاده نمودم و برخی از موضوعات را

که از رفتار دانشجویان در مخیمات^(۱) دیده بودم به آن اضافه کردم، اینکه چگونه یک جلسه می‌تواند ساعت‌ها و شاید یک روز کامل تأخیر داشته باشد. در واقع این مخیمات برای مردم نظم و دقت استفاده اوقات را تعلیم می‌دهند. از خودم می‌پرسیدم: چگونه این موضوع را دانشجویان ما درک می‌کنند، اما رهبری‌شان رعایت نمی‌کنند!؟

امروز اگر دریکی از فرودگاه‌های بین‌المللی توقف داشته باشید، ده‌ها کتاب در مورد مدیریت زمان خواهید یافت؛ اما موضوعی را که در کتاب (فی التدریب التربوي) خود نوشتم، حداقل در آن روزها برای اتحادیه‌های دانشجویان اسلامی جدید بود. در ده‌ها کشور برادران از من تقاضا می‌کنند که در همین موضوع برای‌شان سخنرانی کنم. تاجایی که به یاد دارم، مدیریت زمان موضوع اولین سخنرانی من در مخیم اتحادیه دانشجویان مسلمان در کشور ایتالیا بود. این تحقیق را پروفیسور فیصل مولوی مطالعه نمود، بعد از آن با اصرار از من درخواست کرد که مطالب آن را در کتاب جداگانه چاپ کنم، اما این ایده باقی ماند؛ و همراه با آن شیخ ما تقاضا نمود و هر دو منتظر وقت مناسب بودند. امروز که ما کار توحید مفاهیم دعوی، سیاسی، مدیریتی و تربیتی را در میان اتحادیه‌های دانشجویی در جهان آغاز کرده‌ایم، این ایده دوباره پیدا شده است و این تحقیق را از نو بررسی می‌کنیم.

۱. مخیم یکی از برنامه‌های تربیتی حرکت اخوان المسلمین می‌باشد که افراد حرکت را همانند سرباز در زمینه سمع و طاعت از امیر تمرین می‌دهند تا با خوردن غذاهای اندک و استراحت کردن در جاهای نامناسب و نشست و برخاست به احازة امیر و رهبر عادت کنند. این همه در بالابردن ظرفیت دعوتگر نقش اساسی دارد. برای آگاهی بیشتر وسایل تربیت نزد اخوان المسلمین را مطالعه کنید. مترجم.

برخی از برادران همکار در غنی‌سازی روند توحید مفاهیم با ما کمک کردند و در نوشتن مطالب مفصل و دقیق‌تر برنامه‌ریزی همراه ما اشتراک داشتند. چون وقت از پول باارزش‌تر است، باید برای آن برنامه‌ریزی کنیم. در قدم نخست یک برنامه سالانه مشتمل بر مهم‌ترین مواردی که در طول سال باید انجام شود، تنظیم می‌کنیم. سپس برنامه ماهانه را با دقت و جزئیات بیشتر برای توزیع کارهای سال تهیه می‌کنیم و نگذاریم یک هفته سپری شود مگر اینکه پلان هفته آینده را آماده نموده باشیم.

پس این کتاب با حال و گذشته خود سزاوار است تا در قالب جدیدی به دانشجویان ما در سراسر جهان ارائه شود.

والحمد لله رب العالمین.

مصطفی محمد الطحان

اتحادیه نهادهای دانشجویی

تقریظ

به قلم: دکتر محمد یحیی

بیش از ۲۵ سال است که به عنوان دانشجو و استاد در دانشگاه هستم، پیوسته به در و دیوار نگاه می‌کنم؛ پوسترهایی را می‌خوانم که دختران را به حجاب دعوت می‌کنند و بانوان دانشجوی اطرافم را بررسی می‌کنم می‌بینم که همه آن‌ها به پوشش اسلامی پایبند هستند، از خودم می‌پرسم، آیا هیچ ارزش اسلامی دیگری را نیاز نداریم که سزاوار باشد تا پوستره‌های برای آن طراحی شود و جوانان به آن دعوت گردند تا اینکه جوامع ما را از مشکلاتی که گریبان گیر آن‌هایند، رهایی بخشد؟

من یک عمر را در مطالعه و کار در غرب سپری کرده‌ام، از خودم مهم‌ترین مواردی که غربی‌ها را از ما متمایز می‌کنند می‌پرسم، پاسخ مهم‌تر از این دو مورد را پیدا نکرده‌ام:

- ارزش انسان؛
- ارزش وقت.

افراد زیادی ملاقات کرده‌ام، هیچ شخص موفقی را ندیدم که اجازه دهد وقت او تلف شود؛ و در حسن استفاده از وقت هیچ‌کس مرا مانند این دو مرد شگفت‌زده نکرده است: انیس منصور^(۱) و مصطفی طحان^(۲).

به یاد دارم روزی که اسرائیل اولین ماهواره جاسوسی خود را به فضا پرتاب کرد، من در سالن هوتلی با انیس منصور نشسته بودم و به رویارویی تمدنی خود

۱. انیس محمد منصور در سال ۱۹۲۴ میلادی در منصوره داکیان مصر متولد شد و در سال ۲۰۱۱ میلادی در قاهره وفات یافت. ایشان یک روزنامه‌نگار، فیلسوف و نویسنده چیره‌دست مصری بود. وی برندهٔ یازده جایزه نفیس در حوزه‌های مختلف هست. مترجم.

۲. نویسنده کتاب. مترجم.

فکر می‌کردیم، البته در پیوند به بحث تمدن، سخن را به سوی اهمیت وقت کشاندیم. این مرد در مورد عادت تغییرناپذیر خود گفت که ساعت چهار صبح بیدار می‌شود و در آن صبح زود سخت کار می‌کند، پیش از بیدار شدن کسانی که به تلف کردن وقت خود بسنده نمی‌کنند، بلکه مشتاق هستند وقت دیگران را نیز ضایع کنند. سپس به من نگاه کرد و گفت این ترفند او را کمک نموده و توانسته است موفق به نوشتن بیش از صد کتاب معروف شود. به دلیلی که کار وی فردی است، اما اگر در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که بیشترشان ارزش وقت را نمی‌دانند، این روش برای صاحبان کار جمعی مناسب نیست.

در این کتاب، با روش مردی آشنا می‌شویم که -با نوعیت کار جمعی خود- بسیار تلاش می‌کند تا ارزش وقت خود را به حداکثر برساند. او تصمیم دارد زندگی خود را با جوانان مسلمان در تمام قاره‌های جهان سپری کند لهذا بین تاجیکستان، هند، استرالیا، سریلانکا، فیلیپین، ایران، نیجریه، چاد، مالی، گینه، برزیل، ایرلند، هلند، ترکیه، عربستان سعودی، کویت و سایر کشورها در سفر است. با شما با چهره خندان و پیشانی باز ملاقات می‌کند، نام و آدرس شما را می‌نویسد، سپس هنگام بازگشت از سفر طولانی خود، نامه زیبای برای شما می‌نویسد که آکنده از مهر و محبت‌های ارزشمند او هست.

اگر انیس منصور ظرف ۲۰۰ روز جهان را دور زد، دکتر طحان از چهل سال به این طرف در سفر است؛ ملاقات می‌کند، آشنا می‌شود، سخنرانی می‌کند، کتاب می‌نویسد. هیچ‌کس نمی‌تواند به این همه موفقیت‌ها دست یابد، مگر اینکه ارزش وقت و چگونگی استفاده از آن را بداند؛ در کنار آن نیاز به اخلاص دارد تا با برداشتن این گام‌ها به پاداش بزرگ دست یابد.

بسیار خوب است که امروز دکتر طحان کتابی را در زمینه مدیریت زمان به کتابخانه عظیم زبان عربی با دیدگاه اسلامی افزوده است. این کتاب فعالان جوان جنبش‌های اسلامی را جذب می‌کند و جوانان در اینکه دین ما به ارج‌گزاری وقت فرامی‌خواند قانع می‌شوند؛ بنابراین پوسترهایی را طراحی می‌کنند، بیانیه‌هایی می‌نویسند و سخنرانی‌ها و مقالاتی را به استناد از احادیث رسول‌الله و اقوال صحابه، سلف و علماء آماده می‌کنند که هم‌قطاران جوان خود را دعوت کنند به اینکه از کارهای بی‌فایده دست بکشند و وقت‌شان را هدر ندهند. سخن حسن بصری مرا به شگفت آورد که می‌فرماید: ای فرزند آدم، تو فقط مجموعه از روزها هستی، پس باگذشت یک روز، جزئی از تو می‌گذرد.

من قبلاً عادت داشتم کتاب‌هایی را که انتشارات ما چاپ می‌کرد تقدیم کنم تا اینکه امروز استاد طحان با دعوت به نوشتن این کلمات برایم افتخار بخشید، درواقع این کتاب یک نگاره زیبا و جدید او است، پس آن را به شما خواننده گرامی تبریک می‌گویم.

قاهره ۲۰۰۳/۱۰/۹

توحید مفاهیم

فعالیت دانشجویی یک کار پویا است که اوج آگاهی از قضایای امت را تمثیل نموده و خط مقدم هر حرکت مثبت در جهت منافع آن است. لهذا فعالیت دانشجویی باید مراقبت، تصحیح و هدایت شود.

همیشه عملکرد صحیح از مفاهیم درست و افکار پخته ناشی شده و عمل‌کنندگان را به راه صحیح هدایت نموده، هر کژی را راست و هر کوتاهی را جبران می‌کند.

با این حال، امتداد بزرگ فعالیت دانشجویی در طول زمان و مکان و انتشار کادرهای علمی در سراسر جهان و نسل‌های متوالی، علاوه بر آن دشواری ارتباط بین کادرهای فعال کار دانشجویی، همه و همه فرصتی برای ایجاد نظریات و اصطلاحات متفاوت و مفاهیم متنوع فراهم نموده، طوری که این پدیده به خطر جدی برای فعالیت دانشجویی در سراسر جهان تبدیل شده است.

برای اینکه فعالیت مهم دانشجویی محل اجتهادات - که احتمال صحت و خطا را دارد - نشود، یا محل تجارب خام که احیاناً نشان‌دهنده تصویر کامل و گاهی ناقص قضیه است، قرار نگیرد و مفاهیم اساسی در عمل به تفسیرهای متباین که ناشی از اختلافات شده و سپس دامنه‌اش گسترش یابد تن ندهند؛ برای جلوگیری از همه این‌ها، لازم بود که عملیه توحید مفاهیم اساسی در میان فعالان کار دانشجویی انجام شود و بر تعاریفات واضح کلمات، اصطلاحات و سخنان که به کار گرفته می‌شود اتفاق صورت گیرد؛ چون این موارد با توجه به اختلاف فرهنگ‌ها، جوامع و محیط‌ها به صورت متفاوت درک می‌شوند.

سلسله توحید مفاهیم

بر این اساس، اتحادیه نهادهای دانشجویی ابتکار انتشار مجموعه از کتاب‌های را تحت عنوان «سلسله توحید مفاهیم» به عهده گرفته است. مفاهیمی که باید در بین دانشجویان رشته‌های مختلف دانشجویی توحید گردند به چهار بخش تقسیم می‌شوند که هر بخش متضمن تعدادی از موضوعات هست.

۱- مفاهیم دعوی

- بین الحق والباطل^(۱) اثر عبدالکریم زیدان. این کتاب تحقیقی در مورد قوانین طبیعی خداوند در مبارزه میان حق و باطل و چگونگی مدیریت این سنت به نفع فعالیت‌های اسلامی می‌باشد.
- العمل الجماعي (اهمیت و مشروعیت). «کار جمعی (اهمیت و مشروعیت آن)» - مصطفی طحان.
- الشوری ودورها في إصلاح الفرد والمجتمع؛ «شوری و نقش آن در اصلاح فرد و جامعه.»
- بشائر النصر؛ «مژده‌های پیروزی»
- فقه الأولویات في ضوء القرآن والسنة^(۲). اثر دکتر یوسف قرضاوی

۱. این کتاب را جلیل بهرامی‌نیا به زبان فارسی تحت عنوان «سنت الهی در پیکار حق و باطل» ترجمه کرده است. همچنان عبدالمالک همت آن را به زبان پشتو تحت عنوان «د حق او باطل جگره کی الهی سنت» ترجمه نموده است. مترجم.

۲. این کتاب را ابوبکر حسن‌زاده تحت عنوان «شناخت اولویت‌های دینی در پرتو قرآن و سنت» ترجمه کرده و انتشارات احسان آن را در سال ۱۳۸۱ به چاپ رساند و منتشر کرد. مترجم.

۲- مفاهیم تربیتی

- جدد حیاتک؛ «زندگی خود را تجدید کن»- محمد غزالی.

۳- مفاهیم مدیریتی

- مدیریت وقت^(۱).

۴- مفاهیم سیاسی

- القدس والتحدي الحضاري؛ «قدس و چالش تمدنی»
- كيف تواجه الأمة المسلمة التحدي الصهيوني؟ «امت اسلامی چگونه با چالش صهیونیستی مواجه است؟»
- ماذا بعد أحداث سبتمبر؟ «پس از حوادث سپتامبر؟»

۱. همین کتابی که در دست دارید. مترجم.

فصل نخست

مدیریت زمان

تنها یک مرد مشغول کارها را انجام می‌دهد.

یک روز عصر، به سخنان برادر دکتر محمود ابو آل سعود -رحمه‌الله- گوش می‌دادم؛ او از خاطرات خود با شهید امام حسن البنا -رحمه‌الله- برای ما تعریف می‌کرد، هنگامی که امام -رحمه‌الله- به او گفته بود: بروید فلان شخص را ملاقات کنید و به او بگویید شیخ حسن البنا فلان قضیه را از تو می‌خواهد، در مسیر راه به نزد فلانی بروید و به او یادآوری کنید که فلان کار را که بر آن توافق کرده بودیم انجام دهد؛ و فراموش نکنید به خاطر قضیه برادر فلانی که از ما خواسته بود، به مقامات مراجعه کنید.

ابو آل سعود می‌گوید: به محض اینکه به مرکز عمومی برگشتم تا گزارش کار را به امام بدهم، مجموعه‌ای دیگری از درخواست‌ها و مسئولیت‌ها در انتظار من بود. با فلانی تماس بگیرید... فلان کار را بکنید... فلان کار را انجام دهید... اینجا بود که زیر فشار خستگی گفتم: مرشد محترم! چرا بعضی از این کارها را به دیگران نمی‌سپارید؟

آن بزرگوار با سخنی حکیمانه‌ای پاسخ داد که فلسفه موضوع ماست. ایشان فرمود: ای محمود! تنها یک مرد مشغول کارها را انجام می‌دهد.

فراوانی در زمان

غالباً برخی افراد را ملاقات می‌کنید که می‌گویند: وقت نداریم، ای کاش روزها ۸۴ ساعت می‌بودند! کارها زیاد است و ساعت‌های روز برای انجام دادن آن‌ها کافی نیستند. بلی، ممکن است این سخنان گفته شوند، اما درست نیستند! اگر اقتصاددانان غربی نظریه‌های خود را بر اساس کمبود بنا می‌کنند، ما مسلمانان می‌گوییم: برعکس در همه چیز فراوانی است: در امرارمعاش، زمان و همه امور زندگی.

خداوند متعال برای اینکه زندگی ادامه پیدا کند و مختل نشود جهان، انسان و زندگی را آفریده و میان آن‌ها موازنه و تعادل برقرار نموده است، مگر اینکه انسان برای از بین بردن این تعادل دخالت کند. تا زمانی که انسان بر منهج الهی استوار بماند، تمام کارها در سایه حکمت الهی و اصل موازنه زندگی به سعادت همه انسان‌ها می‌انجامد.

انسان برای انجام دادن همه کارهای خود وقت کافی دارد، لکن نیازمند مدیریت و سازمان‌دهی آن است، اگر وقت را مدیریت نکند، خودش مسئول عدم انجام کارها است، نه کمبودی وقت، آن‌طور که ادعا می‌کند.

چگونه اسلام اوقات را تنظیم کرده است؟

کسی که به زندگی مسلمان دقت کند، در زمینه مدیریت وقت متوجه عجایب و شگفتی‌های می‌شود. اینکه او باید در یک ساعت مشخص صبح از خواب بیدار شود و در پنج وقت مشخص روز باید نماز بخواند، بعد از آن در اوقات دیگر به وظیفه خود برود. -زیرا مسلمانی که دین خود را می‌فهمد، هرگز

بیکار نمی‌نشیند- در ساعت مشخصی غذا میل می‌کند. در قسمتی از روز به ادای مسئولیت‌های خود در خدمت جامعه که در آن زندگی می‌کند می‌پردازد.

عن أبي موسى عن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال: عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ صَدَقَةٌ. قَالُوا: فَإِنْ لَمْ يَجِدْ؟ قَالَ: فَيَعْمَلُ بِيَدَيْهِ فَيَنْفَعُ نَفْسَهُ وَيَتَصَدَّقُ. قَالُوا: فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَوْ لَمْ يَفْعَلْ؟ قَالَ: فَيُعِينُ ذَا الْحَاجَةِ الْمَلْهُوفَ. قَالُوا: فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ؟ قَالَ: فَيَأْمُرُ بِالْخَيْرِ أَوْ قَالَ: بِالْمَعْرُوفِ. قَالَ: فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ؟ قَالَ: فَيُمْسِكُ عَنِ الشَّرِّ فَإِنَّهُ لَهُ صَدَقَةٌ^(۱).

«ابوموسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم- روایت می‌کند که ایشان فرمود: صدقه بر هر مسلمان لازم است. صحابه گفتند: ای پیامبر خدا، اگر چیزی برای صدقه دادن نداشت چه کند؟ آن حضرت فرمود: کار کند تا هم به خودش نفع برساند و هم به دیگران صدقه بدهد. دوباره پرسیدند: اگر این کار از او ساخته نبود چه کند؟ فرمود: به نیازمند ستمدیده و دل‌شکسته کمک نماید. پرسیدند: اگر این را هم نتوانست چه؟ ایشان فرمود: به کار پسندیده سفارش کند. آن‌ها پرسیدند: اگر چنین نکرد؟ فرمود: از کار بد اجتناب نماید، زیرا این برای او صدقه است.»

پس، پول صرف ادای مسئولیت اجتماعی می‌گردد. تلاشی صورت می‌گیرد که فردی را کمک کند تا نیاز وی برآورده شود. وقت صرف ترویج کارهای پسندیده می‌شود. سرانجام، کار پسندیده در نهی از منکر و اجتناب از کار بد صرف می‌شود. همه این‌ها وظایفی‌اند که فرد مسلمان باید انجام دهد.

۱. متفق علیه، لفظ آن از بخاری است و در کتاب الأدب، در باب کُلِّ معروفِ صدقه روایت نموده شماره حدیث: ۶۰۲۲.

رازهای زمان

اگر چنین است و زمان در اسلام این همه اهمیت را دارد، پس حرکت‌های اصلاحی، گروه‌های اسلامی، اتحادیه‌های دانشجویی و هر جناح معینی که به تغییر مثبت شرایط و بیرون رفتن از دایره عقب‌ماندگی که در آن زندگی می‌کنیم تلاش می‌کند، باید محاسبات خود را از سر بگیرند، اولویت‌هایشان را تعیین نموده و زمان را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع قدرت خود در نظر بگیرند.

اما زمان چگونه تنظیم می‌شود؟ برای مدیریت مؤثر زمان، باید به سه راز آن پی ببریم:

۱. ارزش زمان.
۲. برنامه‌ریزی زمان.
۳. تمرکز^(۱).

فقط یک مرد مشغول کارها را انجام می‌دهد.

۱. تنظیم وقت، اثر ام. آر. بایی.

فصل دوم

ارزش وقت

وقت زندگی است.

اولین قدم برای استفاده مؤثر از زمان دانستن ارزش آن است. همان طوری که دانستن قدر و قیمت زندگی انگیزه بهره‌گیری از آن هست. تاجری که مشتاق وقت خود است و وعده‌های خود را در دفترچه یادداشت خود می‌نویسد، می‌تواند به شما بگوید که امروز در فلان ساعت فلان وعده را دارم و فردا در فلان ساعت فلان وعده، ماه گذشته در فلان ساعت من فلان کار را انجام دادم، در سال آینده در فلان روز من فلان کار را انجام خواهم داد. این نسبت به یک فرد منظم که از وقت خود مراقبت می‌کند؛ زیرا وقت از نظر او تجارت، درآمد و پول است.

اما موضوع در رابطه به یک مسلمان آگاه متفاوت است؛ زیرا وقت نزد او با واحد دقیقه تعریف شده و پایبندی به آن یک فریضه است. اگر به آن پایبند نباشد، یک مسلمان آگاه محسوب نمی‌شود؛ زیرا حق تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾. (نساء/۱۰۳).

«بی‌گمان نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معلوم و معین است.»
 بناء وقت نزد او نه فقط تجارت، درآمد و پول، بلکه عین زندگی است. و زندگی در سایه ایمان یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های است که خداوند متعال به انسان عطا نموده است. حق تعالی می‌فرماید:

﴿أَوْ مَن كَانَ مِيثًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَثَلُهُ فِي

الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا﴾. (انعام/۱۲۲).

«آیا کسی که [به سبب کفر و گمراهی] مرده‌ای بوده است و ما او را [با اعطا ایمان در پرتو قرآن] زنده کرده‌ایم و نوری [از مناره ایمان] فراراه او داشته‌ایم که در پرتو آن، میان مردمان راه می‌رود، مانند کسی است که به مثل گویی در تاریکی‌ها فرورفته است و از آن تاریکی‌ها نمی‌تواند بیرون بیاید؟»

این عقیده در قلب مرده حیات دمیده و پس از تاریکی به او نور می‌بخشد. حیاتی که در آن، قلب دوباره طعم هر چیزی را می‌چشد، هر چیز را تصور می‌کند، قدر و قیمت اشیاء را با حس دیگری درک می‌کند که قبل از این نمی‌دانست. نوری به قلب عطا می‌کند که در پرتو آن همه چیز به سبک جدیدی ظاهر می‌شود، طوری که قبلاً برای قلبی که اکنون با نور ایمان منور شده، قطعاً چنین نبوده است.

برای حفظ این نوع زندگی که فرد فانی را به ازلت قدیم و ابدیت سرمدی متصل نموده و سپس او را به جهان حادث و زندگی ظاهری پیوند داده، بعد از آن او را با کاروان ایمان و امت واحد در سفر بر محور زمان یکجا می‌نماید، زندگی و نعمتی است که پیامبر گرامی به ما دستور داده است تا هرروز صبح خدا را به خاطر آن‌ها شکر کنیم، بنابراین ما در دعای بیدار شدن از خواب می‌گوییم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ^(۱).

«ثنا و ستایش از آن خدای است که ما را بعد از مردن (خواب) زنده گردانید و به سوی او حشر می‌شویم.»

۱. صحیح بخاری، کتاب الدعوات، باب: ما یقول إذا نام، شماره: ۶۳۱۲

رمز کار مصلحان و مجددان در طول تاریخ اسلام - که امت را از خواب غفلت بیدار کردند - این بود که نبض خود را به نبض زندگی پیوند داده بودند، در نتیجه زندگی با بیداری آن‌ها بیدار شد.

در زندگینامهٔ دعوتگران معاصر همچون امام حسن البنا، مودودی، ابن بادیس و نجم الدین اربکان می‌خوانیم که چگونه آن‌ها شب‌هایشان را صبح می‌کردند، در بین تدریس، تعلیم، دعوت و رهبری امت جمع کرده بودند. امام حسن البنا در وصایای ده‌گانه‌اش می‌فرماید:

- قرآن تلاوت کنید: بخوانید یا گوش دهید و لحظهٔ از وقت خود را هم در کاره‌ای بیهوده سپری نکنید.

- مسئولیت‌ها بیشتر از اوقات هستند، پس به دیگران کمک کنید تا از اوقات‌شان بهره‌مند شوند. اگر وظیفهٔ دارید در انجام دادن آن عجله کنید.

زمان نزد آن بزرگواران عین زندگی و معیار پیشرفت امت‌هاست. التزام به زمان و قدر دانستن آن از عناصر مهم پیشرفت و عقب‌ماندگی ملت‌هاست.

وقتی که ملت تنبلی را می‌بینید که جوانان و سالمندان در خیابان‌ها یا کافه‌ها سرگردان هستند و نمی‌دانند که برای چه آمده‌اند و چه کار باید بکنند؟ و زمانی که احساس گرسنگی کردند، راه خود را در پیش می‌گیرند می‌روند تا شکم‌های خود را سیر کنند، شب و روزشان معلوم نیست و هدف و غایت خود را نمی‌شناسند. روزگار، آنان را به اینجا یا آنجا پرتاب می‌کند و نمی‌توانند به شما بگویند که چرا ما اینجا یا آنجا هستیم؟

اگر چنین ملتی را مشاهده کردید، به یقین بدانید که آن ملت مرده است و زندگی نمی‌کند. یک ملت بدبختی است که شاعر در موردشان فرموده است:

وارحمتا للبانسین فاینهم

موتی ونحسبهم من الأحياء

برای برخی از بیچارگان باید ترحم کرد؛ زیرا

آنان مرده اند و ما آنان را زنده بر می‌شماریم.

هنگام بازدید از برخی کشورهای فقیر، بعضی از ساکنان آن‌ها را از این نوع یافتیم. بعد از تحقیق و بررسی، متوجه شدم که سیاست‌های استعماری که مدت‌ها بر آن‌ها و بر کشورهایشان حاکم بود، این تنبلی، رخوت و وابستگی را در درون آن‌ها کاشته است. در نتیجه آن‌ها را به کالبدهای مبدل ساخته که تنها دلیل زنده بودنشان این است که غذا می‌خورند و تکثر می‌کنند. حتی اگر همان نظام ستمگر استعمارگر آن‌ها را به برخی کارهای جزئی می‌گماشت، آنان مانند ابزاری که هدف و غایت خود را نمی‌شناسد به انجام دادن کارها می‌پرداختند.

استعمار با این روش خبیث و پلید خود توانست زمینه به خواب رفتن آن‌ها را فراهم کند؛ تا بتواند کشورهایشان را اشغال، ثروت‌هایشان را تاراج، سرمایه‌هایشان را غارت، عقل‌هایشان را مختل و شیوه زندگی‌شان را تعیین کند، طوری که مطابق میل استعمار لباس بپوشند و حرکت کنند؛ بنابراین سرنوشتی را که استعمار برای‌شان رقم زد، ستودند تا امور زندگی را برای‌شان آسان نماید!

هنگام بازدید از اردوگاه‌های پناهندگان در برخی کشورها چه دیدم؟ مردمی را دیدم که در خیمه‌هایشان منتظر مرگ هستند، آن‌ها را بر زمین صاف و

همواری دیدم که در کنارشان رود نیل در یک فاصله نزدیک واقع بود، من با خودم گفتم: اگر آن‌ها با تمام ناآگاهی از فنون زراعت و سادگی ابزار خود حرکت کرده بودند و مقداری زمین -کم از کم ده مترمربع- را به وسیله آب نیل آبیاری کرده و آن را یک چیزی کاشته بودند، از گرسنگی نمی مردند.

اگر دولت به جای اینکه به‌قرار دادن آن‌ها در اردوگاه‌ها تحت نام ملت‌های دیگر و یا ملت‌های بیگانه دل‌خوش کردند، آنان را به‌سوی تولید محصولات هدایت می‌کردند، بی‌گمان حاصلات به دست می‌آوردند و می‌خورند. اگر احساس اسلامی در آن‌ها وجود می‌داشت، بیکار نبودند و راضی به انتظار مرگ نمی‌شدند. حتماً دستورالعمل پیامبر را به یاد دارید که برای مردی مانند آن‌ها فرمود:

لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ أَحْبَلَهُ فَيَأْتِي بِحُرْمَةِ الْحَطَبِ عَلَى ظَهْرِهِ، فَيَبِيعُهَا، فَيَكْفَى اللَّهُ بِهَا وَجْهَهُ؛ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ، أَعْطَوْهُ أَوْ مَنَعُوهُ^(۱).

«اگر یکی از شما طنابی را بگیرد و بار هیزم را بر پشت خود حمل کند و در بازار بفروشد و خداوند به‌وسیله این کار آبروی او را حفظ کند، این برایش از دست دراز کردن و خواستن از مردم بهتر است که معلوم نیست به او چیزی بدهند یا ندهند.

اگر آنان سخن خلیفه بزرگ عمر بن خطاب -رضی الله عنه- را می‌دانستند، چنین نمی‌کردند که فرمود: مردی را می‌بینم و از او خوشم می‌آید، اگر برایم گفته شود که او شغلی ندارد، از چشمم می‌افتد^(۱).

۱. صحیح بخاری، کتاب بیوع، باب: کسب الرجل وعمله بیده، شماره: ۲۰۷۵

برخی از کشورهای کوچک و کم نفوس اروپایی، با همت بلند اتباع خود توانستند کمبود منابع و ضعف امکانات خود را جبران کنند. تولیدات و نوآوری نموده، غذای خود را از سرزمین خود به دست آورند؛ در صورتی که زمین برای شان تنگ می شد دریا را پر می کردند تا غذا تولید نموده و به جهان صادر کنند. با تولیدات صنعتی و سلاح های خود در بازارهای جهانی با سایر کشورها رقابت می کنند.

آیا کسی فکر می کند که آنان وقت خود را هدر داده و زندگی خود را بیهوده تلف کرده اند؟ یا آن ها به تجارت و کار خود احترام گذاشته وقت شان را ارزش دادند، پس غالب شدند و پیشرفت کردند؟ پیشرفت یک آرزوی تمدنی است؛ و توسط صاحبان این آرزو به وجود می آید.

استعمار نمی تواند سرزمینی را که مردم آن استعمار را قبول ندارند، اشغال کند. نمونه های آن در تاریخ وجود دارد و دیده شده است. چه بسا کشورهای بزرگ، سرزمین های کوچک را اشغال کردند، وقتی مردم کشور از این کار امتناع ورزیدند، آن ها قادر به نگهداری آن کشور نبودند.

یک ملت نمی تواند عقب ماندگی را به ملت دیگر تحمیل کند، به هر اندازه که او را تحریم نموده و از صادرات خود به آن ملت جلوگیری کند؛ زیرا نیرو و توان مردم هر تحریمی را جبران می کند.

حاکم مستبد، برنامه های مخرب، برنامه های درسی وارداتی، کشتار کودکان، آوارگی مردان و همه آنچه از ظلم، ستم و استبداد که به ذهن خطور

۱. علاء الدین علی المتقی الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، باب فضل الکسب،

می‌کند، نمی‌تواند یک ملتی از ملت‌ها را نابود کند، یا آن را در کاروان عقب‌ماندگی قرار دهد، اگر آن ملت این سرنوشت را برای خودش نپذیرد. آنچه در فلسطین اتفاق می‌افتد بهترین گواه آن است.

کمبود افراد مسلمانان در مکه، امکانات مالی ضعیف، محاصره در شعب ابوطالب، حملات، شکنجه تا سرحد مرگ، راه‌اندازی تبلیغات سوء بر ضد آن‌ها و سرانجام اخراج آن‌ها از خانه‌ها و املاک‌شان، همه این‌ها نتوانستند مانع شود که آنان اصطلاح دولت را در مورد خود به کار نگیرند، دولتی که بهترین نمونه در پیروزی بر دشمنان خود - که دشمنان زندگی بودند - برای همه کشورهای جهان در آن زمان بود. اراده تغییر و تعالی برای‌شان بسیار قوی‌تر از اراده ماندن در تاریکی و عقب‌ماندگی بود.

ایا کسی فکر می‌کند که این چند صد نفر مسلمان با هدر دادن و بیهوده تلف کردن وقت، یا با گذراندن روزها در خواب، توانستند این پیروزی‌های چشم‌گیر را ثبت تاریخ کنند؟ و یا برعکس، آنان ثانیه‌های عمر خود را بر شمرده و هر ثانیه را در جای خودش قرار می‌دادند؟ و سخن خداوند رحمان را تکرار می‌کردند:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾. (آل عمران/۱۹۰).

«مسلماناً در آفرینش [عجیب و غریب و منظم] آسمان‌ها و زمین و آمدورفت [پیاپی و تاریکی و روشنی، کوتاهی و درازی] شب و روز، نشانه و دلایلی

[آشکار برای شناخت آفریدگار و کمال دانش و قدرت او] برای خردمندان است.»

زمان همان تفاوت شب و روز است؛ و خردمندان، مسلمانانی برجسته‌ای هستند که زمان را به نفع خود و نفع جامعه بشری خود کنترل می‌کنند.

آیا مسلمانانی را که مغول‌ها مورد حمله قرار دادند، حال آنکه صاحب یک دولت بزرگ، قدرتمند، ارتش قوی، سرزمین فراخ و نیروهای عظیم بودند؛ از مسلمانان نوع اول بودند، یا موضوع متفاوت است؟

اسم‌ها مشابه‌اند و مسمی‌ها متفاوت. در صدر اسلام مسلمانان دارای اراده تغییر بودند، وقت‌شان را دقیق تنظیم نموده و به قوانین آن پایبند بودند؛ اما امروز مسلمانان با اینکه کتله‌ای بزرگی هستند، اراده خود را از دست داده‌اند، شب و روز نزدشان برابرند. هنگامی که با حمله مغول‌ها مواجه شدند، سخنشان بیشتر از سخن کودکان نبود که: آیا می‌تواند به یکی از شهرهای مسلمانان حمله کند؟

یک فرد هوشیار که ارزش خود و وقت خود را می‌داند، می‌تواند معجزه کند و زمان را دور زند؛ مانند کشور جاپان که در مدت کوتاهی از کنج انزوا به بالاترین کشور صنعتی جهان رسید. اروپا حدود صدسال یا بیشتر طول کشید تا مسیر رنسانس را طی نماید؛ اما جاپان از این مسیر فقط در مدت ده سال عبور کرد.

آیا کسی می‌پندارد که جاپانی‌ها در خواب و استراحت به سر می‌بردند؟ یا آن‌ها شب و روز‌شان را یکی کرده و از هر دقیقه زندگی خود استفاده می‌کردند تا اینکه کشور خود را آباد ساخته و شأن منزلت ملت خود را بالا بردند؟

اگر جاپانی‌ها قادر به انجام این کار بودند، آیا مسلمانان قادر به انجام آن نخواهد بود؟! در حالیکه تمام اسباب پیشرفت از جمله زمین‌های حاصل‌خیز، نسل فزاینده، ثروت عظیم، تجربه تمدن، مراقبت از تجربه و منهج الهی را در اختیار دارند:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ﴾ . (الملک/۱-۲).

«بزرگوار و دارای برکات بسیار، آن ذات کی فرمانروایی [جهان هستی] از آن او است و او بر هر چیزی کاملاً قادر و توانا است. همان ذاتی که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید کدام‌تان بهتر و نیکوتر خواهد بود. او چیره و توانا و آمرزگار و بخشاینده است.»

وقت

وقت معیار پیشرفت ملت‌هاست.

چگونه وقت خود را ارزش می‌دهیم؟

دانش‌آموزی که از درس‌هایش غفلت کرده و وقت خود را تلف می‌کند، نتیجه کار خود را در امتحان خواهد دید؛ و کارمندی که وقت خود را در کارهای بیهوده صرف نموده باشد، در پایان ماه پاداشی برای امرار زندگی خود و خانواده خود دریافت نخواهد کرد. ملتی که وقت خود را تلف کند، در شمار کشورهای عقب‌مانده درجه سوم یا چهارم قرار خواهد گرفت.

همه طبقات ملت خود را بررسی می‌کنیم که چگونه برای وقت ارزش می‌دهند.

- چه اگر دهقانی که در قهوه‌خانه‌ها به سر می‌برد، درحالی که زمین حاصل‌خیز در کنار او قرار داشته، ولی وجدانش او را برای ساختن، آبادی و تولید بیشتر وادار نمی‌کند، تا اینکه کشورهای ما - که محل حاصلات و منبع ثروت‌ها هستند - غذای خود را از کشورهای دیگر وارد می‌کنند.
- یا کارگرانی که زندگی خود را در تظاهرات سیاسی پوچ گذراندند و خواستار آزادی کار و حقوق کارگران بودند؛ اما زمانی که خواسته‌شان را به دست آوردند، کارخانه‌ها تخریب و کارگران آواره شدند.
- به کارخانه‌ها نگاه کنید، این‌ها همان کارخانه‌هایی هستند که در کشورهای دیگر فعال‌اند و ما این‌ها را از آنجا وارد کرده‌ایم، اما همین کارخانه‌ها در آنجا تولیدات دارند و پیشرفت می‌کنند، ولی در اینجا از کار می‌افتند و سپس متوقف می‌شوند و قادر به رقابت با کالاهای دیگران نیستند.

- به سربازی نگاه کنید که ملتش برای او همه چیز را فراهم نموده، به او اسلحه خریداری کرده و امتیازات مختلفی را به وی می‌دهد. با این وجود راضی شد که در کنار زنان بنشیند؛ نه وطنی را آزاد کرد و نه عزتی را نجات داد. بلکه در قلع و قمع کردن ملت و مردمش مورد استفاده قرار گرفت.

﴿فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾. (الزخرف/۵۴).

«فرعون [برای ادامه خودکامگی خود] قوم خویش را فرومایه و ناآگاه بارآورد [و آنان را در سطح پائینی از فرهنگ و رشد فکری نگاه داشت] و ایشان هم از او فرمان برداری و پیروی کردند. آنان قومی فاسق [و خارج از اطاعت فرمان خدا و حکم عقل] بودند.»

- حتی رژیم‌هایی که عادت کرده‌اند مردم خود را تحت سیطره خود قرار داده و بر آنان مسلط باشند، چگونه به اینجا رسیده‌اند؟ این‌گونه که جوانان را از عرصه‌های تولید بیرون کشیدند و آن‌ها را همانند چشم‌های رژیم قرار داده تا از مردم خود جاسوسی کنند و گزارش‌های نادرست بنویسند. پس اینجا درآمد متناسب با میزان سوءاستفاده هست.

این‌ها کجا و هم‌قطاران‌شان در ملت‌های دیگر کجا که به وقت احترام می‌گذارند، ارزش وقت را می‌دانند و آن را به فرصت‌های مدیریت، تنظیم کار، ساخت‌وساز و پیشرفت تبدیل می‌کنند؟

این‌ها کجا و هم‌قطاران و برادران‌شان در امت اسلامی کجا، آنانیکه یک روزی بهترین امت بودند و برای نفع رساندن به مردم بیرون آورده شده بودند؟

بلکه ما کجا و آموزه‌های دین ما کجا؟ خداوند متعال در قرآن کریم به صبحگاهان، چاشتگاه، آفتاب، عصر، شب و روز سوگند یاد کرده است تا اهمیت وقت را در زندگی یک مسلمان و جامعه اسلامی نشان دهد.

مطالعات غربی صدها مقاله علمی نوشته و صدها دوره آموزشی راه‌اندازی کرده‌اند که به مدیریت زمان به‌عنوان یک رکن مهم ثروت، مانند پول و انسان فرامی‌خوانند.

این مطالعات و ایده‌های که غربی‌ها خواهان آن هستند، بسیار مهم‌اند و نقش عمده‌ای در افزایش تولید و موفقیت و پیشرفت شرکت‌ها در حوزه‌های مادی و فنی کشور دارند.

مسلمان به دلایل فوق و دلایل دیگری که مهم‌تر، عمیق‌تر و جامع‌تر هستند، به زمان می‌اندیشند.

﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَأَنَا كُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾. (ابرهیم/۳۳-۳۴).

«و خورشید و ماه را مسخر شما کرده است که دائماً به برنامه [نورافشانی و تربیت موجودات زنده و ایجاد جزر و مد در اقیانوس‌ها و دریاها و خدمات دیگر] خود ادامه می‌دهند. شب را [برای آسایش] و روز را [برای تلاش] مسخر شما ساخته است؛ و از هرچه خواسته‌اید به شما داده است و اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید [از بس که زیادند] نمی‌توانید آن‌ها را شمارش کنید.»

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا﴾.

(الفرقان/۶۲).

«خدای رحمان کسی است که شب و روز را [به طور متناوب] جایگزین یکدیگر می‌سازد، برای [عبرت] انسانی بخواهد به یاد خدا باشد [و فطرت خدانشناسی را در خود بیدار نگاه دارد] یا بخواهد [نعمت‌های بی‌شمار آفریدگارش را] سپاسگزاری کند [و بازنده نگاه‌داشتن روح شکرگزاری، بر الطاف و انعام خدا در حق خود بیفزاید].»

در حدیث وارد شده است:

لَنْ تَزُولَ قَدَمَا عِنْدِي بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ خَمْسِ خِصَالٍ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْتَاهُ، وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ أَصَابَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ وَمَاذَا عَمِلَ فِيمَا عَلِمَ بِهِ^(۱).

«در روز قیامت قدم‌های هیچ بنده‌ای از جای خود حرکت نمی‌کند تا اینکه از چهار چیز پرسیده می‌شود: در مورد عمرش پرسیده می‌شود که در کجا گذرانده است؛ و از جوانی‌اش پرسیده می‌شود که کجا مصرف نموده است؛ از مال او پرسیده می‌شود که از کجا کسب کرده و در چه جاهای خرج نموده است. و از علمش پرسیده می‌شود که چه اندازه به آن عمل کرده است.»

همچنان می‌فرماید:

أَعْتَبْتُمْ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ: حَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ، وَشَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ، وَغِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ، وَصِحْحَتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ، وَفَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ^(۲).

۱. سنن ترمذی، ابواب صفة القيامة والرقائق والورع، باب: في القيامة، شماره: ۲۴۱۷. آلبانی آن را صحیح گفته است.

۲. شعب الایمان، باب: الزهد وقصر الأمل، شماره: ۹۷۶۷. آلبانی آن را صحیح گفته است.

پنج چیز را قبل از پنج غنیمت شمار: زندگی را قبل از مرگ. و جوانی را قبل از پیری؛ و ثروت را قبل از فقر؛ و سلامتی را قبل از بیماری؛ و فراغت را قبل از مشغولیت.

فرصت نعمتی است که غالب مردم از آن غافل اند، می بینید که شکر آن را بجا نمی آورند، قدر و قیمت اش را آن چنانکه باید نمی دانند.

نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ^(۱).

«دو نعمت هستند که بسیاری از مردم در استفاده از آن‌ها فریب خورده‌اند:

تندرستی و فراغت.»

فرصت یک نعمت بزرگی است، پس هنگامی که بنده به این نعمت کفران بورزد، دروازه هوا و هوس را به رویش باز کند و به دنبال شهوات بیفتد، خداوند او را پریشان نموده، صفای قلب را که در دلش احساس می کرد از وی می گیرد. پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- می فرماید:

لَيْسَ يَتَحَسَّرُ أَهْلُ الْجَنَّةِ إِلَّا عَلَى سَاعَةٍ مَرَّتْ بِهِمْ لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ فِيهَا^(۲).

«اهل بهشت بر چیزی از دنیا حسرت نمی خورند مگر برای ساعتی که بر

آن‌ها گذشت و ذکر و یاد الله را در آن ساعت نمودند.»

ذکر در اینجا کلمه‌ای است که توسط آن فرد خداوند را با زبان تعظیم و

تسبیح می گوید و محصولی است که امت را سعادت بخشیده و جایگاهش را بالا می برد.

دقات قلب المرء قائمة له إن الحياة دقائق وثوان

۱. صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب: لا عیش الا عیش الآخرة، شماره: ۶۴۱۲.

۲. شعب الایمان، فصل: فی اِدَامَةِ ذِکْرِ اللَّهِ، شماره: ۵۰۹. آلبانی آن را ضعیف دانسته است.

تپش قلب شخص به او می‌گوید: زندگی عبارت از دقیقه‌ها و ثانیه‌هاست. وقت از نظر اسلام همه چیز زندگی است. در روز قیامت مسلمان تنها به خاطر عبادت و ذکر محاسبه نمی‌شود، بلکه نسبت به تمام عمر خود محاسبه خواهد شد، -عمر عبارت از ساعت‌های معین و مشخصی است- آیا از آن به نفع خود و منافع مردم و کشور خود استفاده کرده است یا آن را در چیزهای بیهوده ضایع نموده است؟

انسان نسبت به جوانی -که رمز قوت و خدمت است- محاسبه خواهد شد، چگونه آن را سپری نموده است. آیا از جوانی در به دست آوردن لذت‌های مادی کار گرفته است، یا از آن در ایجاد یک خانواده و جامعه صالح استفاده کرده است؟

همچنان انسان در مورد مال پاسخگو خواهد بود که چگونه آن را به دست آورده و کجا مصرف نموده است. حتی برای لحظه‌لحظه‌ای زندگی خود محاسبه می‌شود، آیا آن را در محل مناسب خودش قرار داده یا ضایع ساخته است؟ آیا از آن لحظه‌ها برای ساخت‌وساز استفاده کرده است یا آن را در خدمت شیطان قرار داده است؟

بگذارید به سلف این امت گوش فرا دهیم و ببینیم که آن‌ها چگونه به زمان اهمیت می‌دادند:

۱. حسن بصری -رضی‌الله‌عنه- می‌فرماید: "کسی که امروزش مانند دیروزش باشد زیانکار است؛ و کسی که امروزش از دیروزش بدتر باشد، ملعون است."

و همچنان می‌فرماید: "هر کس یک روز از زندگی خود را بدون اینکه حقی را اداء کند، یا فرضی را بجا آورد، یا بزرگی را به میراث گذارد، یا ثنا و تعریفی را حاصل نماید، یا کار خیری را پایه‌گذاری نماید، یا علم و دانشی را نقل نموده، سپری کند، روز خود را ازدست داده و به خودش ظلم کرده است."

۲. عمر بن عبدالعزیز - رضی الله عنه - فرمود: "شب و روز در تو عمل می‌کند، پس در آن‌ها عمل کن!"

۳. ابن مسعود - رضی الله عنه - فرمود: "من هرگز بر چیزی آن قدر ندامت و پشیمانی نکرده‌ام به اندازه روزی که خورشید در آن غروب کرده و عمرم کم شده باشد، ولی اعمال من افزایش نیافته باشد."

امیدوارم کسی این فکر را نکند که سلف امت به جز نماز، روزه و ذکر، دیگری مشغولیتی نداشته‌اند. نه! آنان در همه عرصه‌ها و میدان‌های عمل کار می‌کردند. رسول اکرم - صلی الله علیه و سلم - به آن‌ها توصیه می‌کرد و می‌فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَّقَنَهُ^(۱).

«خداوند دوست می‌دارد کسی را که چون کاری انجام دهد به درستی و کامل انجام می‌دهد.»

تمام کارهای سلف صالح تحت نام قُرْبَة^(۲) بود و هر قربه عبادت محسوب می‌شود؛ این‌گونه بود که پیشینیان ما سرداری کردند و به عمران و آبادی پرداختند، بناهای بلندی را ساختند و برافراشتند.

۱. مسند أبو یعلی، شماره: ۴۳۸۶. آلبانی آن را صحیح دانسته است.

۲. یعنی عملی که توسط آن به خداوند متعال تقرب می‌جویند. مترجم.

عمر بن خطاب -رضی الله عنه- از بیکاری و اتلاف وقت متنفر بود، بنابراین فرمود: "من دوست ندارم که یکی از شما را بی کار ببینم که نه در کار دنیا و نه در کار آخرت مشغول باشد"^(۱).

نزد سلف موضوع فقط تکرار سخنان و توصیه کردن نبود، بلکه یک سلوک و رفتار پویا بود که در آن سلامتی قبل از بیماری و زندگی قبل از مرگ غنیمت شمرده می شد؛ و وقت را ارزش داده و غنیمت می دانستند.

هر کسی که مشارکت مسلمانان را در زمینه علوم انسانی یعنی فیزیک، کیمیا، ریاضیات، الجبر، مثلثات، ستاره شناسی، جغرافیا، تاریخ، طب و داروسازی بخواند، متوجه خواهد شد که چگونه مسلمانان ارزش وقت خود را درک کرده بودند و چگونه آن‌ها در استفاده وقت خود با دیگران در حال رقابت بودند؛ در نتیجه از خود ثروت علمی را برجا گذاشتند که پایه و اساس پیشرفت علمی بشر هست.

قاضی ابراهیم بن جراح شاگرد امام ابو یوسف نقل کرده است می گوید: من به عیادت امام ابو یوسف رفتم و او را بی هوش دیدم و وقتی به هوش آمد، به من گفت: ای ابراهیم، در مورد فلان مسئله چه می گویی؟ گفتم: در چنین حالتی؟! او گفت: چه مانعی دارد، ما مدرست می کنیم، باشد که کسی از این مسئله استفاده کند.

امام ابن جریر طبری -رحمه الله- که امام مفسران و محدثان و مؤرخان است، ایشان سمبل استفاده از زمان و نشانه حرص و اشتیاق بر پُر کردن اوقات خود با تعلیم و تعلم، کتابت و تألیف هست تا جاییکه کتاب‌های ایشان -با

۱. عبدالفتاح ابو غده، ارزش وقت نزد علمای مسلمان، ص ۶۱.

خلاقیت و تبحر- به حد شگفت‌انگیزی رسید، مجموع تألیفات ایشان حدود ۹۵۳ هزار ورق هست، اگر از وقت خود بهره‌جویی نمی‌کرد و نمی‌دانست چگونه وقت خود را با تلاش مفید و مؤثر پُر کند، این همه دستاوردها را نداشت^(۱).

امام ابوالفرج بن جوزی می‌فرماید: "شخص باید ارزش زمان و قدر وقت خود را بداند، یک لحظه را بدون انجام دادن کار نیک از دست ندهد، گفتار و کردار خوب و خوب‌تر را در آن ارایه دهد. غالب مردم را دیدم که وقت را به شیوه تعجب‌آوری سپری می‌کردند، اگر شب‌ها طولانی می‌شد، با سخنان بی‌فایده، یا با خواندن کتاب‌های غزل و کتاب‌های فال‌بینی، روزها را با خواب سپری می‌کردند. بسیار کم دیدم افرادی را که معنای وجود خود را درک کرده باشند و در حال جمع‌آوری توشه و آماده برای سفر باشند. پس، از خداوند دربارهٔ موسم‌ها و لحظات زندگی بترسید، بشتابید و بازمان رقابت کنید پیش از آنکه فرصت‌ها را از دست بدهید"^(۲).

دکتر یوسف قرضاوی -یکی از دعوت‌گران معاصر است- در مورد اتلاف وقت می‌گوید: "هر کس وقت‌کشی می‌کند در حقیقت خودکشی کرده است؛ زیرا وقت‌کشی مانند خودکشی تدریجی جنایتی است که در مقابل چشم‌های مردم انجام می‌شود و هیچ‌کس به خاطر آن مجازات نمی‌گردد"^(۳).

۱. عبدالفتاح ابو غده، ارزش وقت نزد علماء، صص ۱۷-۱۹.

۲. دکتر یوسف قرضاوی، الوقت هو الحیاة، ص ۱۱.

۳. همان.

ابن قیم -رحمه الله- می‌فرماید: اتلاف وقت از مرگ بدتر است، زیرا اتلاف وقت رابطه شما را از خدا و سرای آخرت قطع می‌کند و مرگ شما را از دنیا و اهل آن جدا می‌کند.

پس آیا در میان چنین امتی و در پرتو این چنین تعالیم و رهنمودهای ربانی و فعالیت‌های بزرگ و الگوهای پیشرو، درست است که یک مسلمان در نهایت وابستگی باشد، پلانی تنظیم نکند و کار را به وقت معین آن اجراء نکند، ایمان او به وابستگی مبهم و تقدیرگرایی تنبل تبدیل شده باشد؟ و همه چیز را با اراده و مشیت خداوند تفسیر کند. حال آنکه اراده و مشیت خداوند در اصل او را یک شخص مثبت و متحرک آفریده است.

ملت‌های پیشرفته، برنامه‌های پنج‌ساله یا ده‌ساله تنظیم می‌کنند، حال و آینده را توسط زمان باهم پیوند داده سپس خود و ملت خود را بر اساس آن محاسبه می‌کنند. اگر می‌خواهیم در یک سال سرزمینی را بازسازی کنیم، یک پل آباد کنیم، یک کارخانه بسازیم و مدرسه تأسیس کنیم و زندانی را تخریب نماییم، پس درست نیست که این کار ما دو سال دوام داشته باشد. در سال اول، ما کاملاً با زندگی همراه و هم‌گام بوده و تک‌تک ثانیه‌هایش را ارزش دهیم و پایه‌های آن حرکت کنیم، اما سال دوم در گوشه نشسته باشیم و چرخ زندگی را به حال خود گذاشته و به انتظار بنشینیم.

اگر شما بر پیمان با پروردگار خود ثابت هستید، در برابر او هر روز پنج بار در اوقات مشخص برای ادای نماز می‌ایستید، بناء از آن الهام گرفته‌اید. از موارد الهام گرفته‌شده این است که از اوقات و وعده‌های خود با دیگران مراقبت کنید. آیا درست است که برای هر وعده ملاقات، یک یا دو ساعت تأخیر داشته باشید؟

آیا ارزش مادی این وقت را نزد خود و نزد کسانی که منتظر شما هستند مقایسه کرده‌اید؟ آیا تأثیر معنوی آن را تصور کرده‌اید که به دلیل تأخیر شما باعث ایجاد روحیه کسالت، عدم جدیت و ناامیدی می‌شود؟

آیا فکر می‌کنید که قشر آگاه و پیشتاز، کسانی که گمان می‌کنند تغییر مثبت جامعه را بر عهده خواهند داشت، در کار خود موفق می‌شوند، اگر آنان بیشتر از هر قشر دیگری وقت‌شان را ضایع نمایند؟ و بیشتر از همه کوشش بر عدم پاسخگویی در این مورد داشته باشند؟

می‌گذرد و منتظر نمی‌ماند

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿كَانَهُمْ يَوْمَ يَرُونَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا﴾. (نازعات / ۴۶).

«روزی که آنان برپایی رستاخیز را می‌بینند [چنین احساس می‌کنند که در جهان] گویی جز شامگاهی یا چاشتگاهی از آن درنگ نکرده‌اند و بسر نبرده‌اند.»

یک ضرب‌المثل انگلیسی می‌گوید: جزر و مد منتظر کسی نمی‌ماند. اگر نتوانستید زمان را به واقعیت و به یک برنامه مشخص و زمان‌بندی شده تبدیل کنید، از دست شما فرار می‌کند و سپری می‌شود.

والمراء يفرح بالأيام يقطعها وكل يوم مضى يدني من الأجل

و شخص از اینکه روزها را طی می‌کند خوشحال می‌شود

در حالی که هر روز که می‌گذرد، به اجل خود نزدیک می‌شود

زمان می‌گذرد و برنمی‌گردد^(۱) حق تعالی می‌فرماید:

﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ﴾. (روم/۵۵).

«روزی که قیامت بر پا می‌شود، گناهکاران سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی در [دنیا و جهان برزخ] ماندگار نبوده‌اند! این چنین آنان [در دنیا توسط شیاطین و شیاطین صفتان از درک حقیقت و را درست] بازداشته شده‌اند! [و هم‌اینک گرفتار عذاب ابدی گشته‌اند. بدا به حالشان.]».

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا﴾. (مومنون/۱۰۰).

«تا این‌که کار شایسته‌ای بکنم و فرصت‌های را که ازدست‌داده‌ام جبران نمایم. نه! [هرگز راه بازگشتی وجود ندارد] این سخنی است که او بر زبان می‌راند [و اگر به فرض به زندگی دنیا برگردد، باز به همان برنامه و روش خود ادامه می‌دهد.]».

این مفهوم را حسن بصری -رضی‌الله‌عنه- در کلام فصیح خود بیان کرده است: "روزی نیست که صبح در آن طلوع کند، مگر اینکه صدا می‌کند: ای فرزند آدم! من مخلوق جدیدی هستم و بر عمل تو گواهم، پس از من توشه بگیر؛ زیرا هرگاه من گذشتم تا روز قیامت برنمی‌گردم".

همچنان فرمود: ای فرزند آدم، تو فقط چند روز معدود هستی، هرگاه روزی سپری شود، جزئی از تو سپری شده است، به زودی با از بین رفتن جزء، کل از بین خواهد رفت.

۱. دکتر یوسف قرضاوی، الوقت فی حیاة المسلم، ص ۱۰، با تصرف.

وقت مانند تیر است، هرگاه از کمان خود رها شد، دیگر نمی‌تواند به آن باز گردد.

وقت با ارزش است

مردم را می‌بینیم که از اشیاء قیمتی و ارزشمند -چه اجناس باشد یا ثروت- با دقت محافظت می‌کنند. حتی از قوای انسانی بیشتر مراقبت می‌کنند به خاطری که منابع مهمی‌اند، از خلال برنامه‌های تمریناتی و ارتباطات انسانی این قوا را افزایش می‌دهند؛ اما افراد اندکی وجود دارند که وقت را نیز منبع مهمی بشمارند و برایش چنین اهمیتی را قائل باشند و بدانند که یک‌بار از دست دادن وقت، به معنی از دست دادن ابدی آن است. امکان دارد مال ضایع شود اما فرد می‌تواند آن را دوباره به دست آورد. کالاهای تجارتي از بین می‌روند ولی شرکت‌ها آن را دوباره تولید می‌کنند. به جز وقت که می‌رود و دیگر بر نمی‌گردد، سپری می‌شود و منتظر نمی‌ماند.

حسن بصری -رضی‌الله‌عنه- فرمود: گروه‌های زیادی را دیدم که بر وقت خود از اشتیاق شما نسبت به درهم و دینار مشتاق‌تر بودند.

مایه خوشبختی یا بدبختی

زمانی که مسلمان وقت را در مجرای طبیعی آن قرار دهد، در مسیر خشنودی خداوند و خدمت به برادرانش صرف نماید در دنیا سعادتمند و در آخرت رستگار می‌شود؛ اما هنگامی که وقت خود را ضایع نماید، به تحقیق عمرش ضایع گردیده و تلاش‌هایش زیانمند شده است.

ابن قیم -رحمه الله- می فرماید: در حقیقت وقت همان عمر انسان است، وقت یا ماده زندگی سرمدی در نعمت های ماندگار بهشت است؛ یا ماده زندگی سخت و پُر نگرانی در عذاب دردناک.

همچنان فرمود: وقت بی طرف نمی ماند، یا دوست باوفا است یا دشمن سرسخت.

حسن بصری -رضی الله عنه- فرمود: مرا سخنی که از حجاج شنیدم بیدار نمود: شنیدم که می گفت: هنگامی که یک لحظه از عمر انسان در غیر هدف خلقتش صرف شود، سزاوار است که تا روز قیامت بر آن لحظه ای ازدست رفته حسرت خورد.

وقت

- با ارزش ترین سرمایه انسان؛
- مایه فو شبفتی یا بر بفتی؛
- می گذرد و منتظر نمی ماند؛
- زودگذر و برگشت ناپذیر است.

فصل سوم

برنامه‌ریزی زمان

اگر وقت در اسلام این همه اهمیت و جایگاه را دارد و سلف امت اهمیت وقت و بهره‌برداری از آن را درک نموده بودند، پس امروز ما را چه شده است که مسلمانان را می‌بینیم بیشتر از ملتی‌های دیگر وقت خود را ضایع می‌سازند و از همه بیشتر نسبت به عمرهای خود کوتاهی می‌کنند؟

وقت از همه چیزهای که به محافظت از آن اهتمام می‌کنید، با ارزش‌تر است؛ اما می‌بینم که خیلی به‌سادگی آن را ضایع می‌کنید.

مشکل کجاست؟

و چگونه معالجه‌اش کنیم؟

مشکل را آن چنانکه ابن قیم -رحمه‌الله- تشخیص داده است همان: از دست دادن قلب و از دست دادن وقت است. علاج آن آگاهی قلب و زیرکی در وقت هست. این کار با برنامه‌ریزی برای زندگی و وقت انسان به‌دست می‌آید؛ زیرا وقت کمیاب‌ترین چیزی انسان است؛ تا زمانی که وقت مدیریت نشود، هرگز داشته‌های دیگر انسان مدیریت نخواهد شد^(۱).

به‌صورت کل همان‌طور که شرکت‌ها، همه‌ساله بودجه خود را اداره می‌کنند، سود و زیان و مقدار تولید و نوعیت آن را می‌سنجند، همچنان باید همه افراد کوشا، گروه‌های اسلامی، اتحادیه‌های دانشجویی و احزاب سیاسی برای وقت‌شان برنامه‌ریزی نموده و بودجه مخصوص در نظر بگیرند. اینکه امسال

۱. روی الکساندر، اساسات مدیریت زمان.

چه کارهای را چگونه انجام دهند؛ و برنامه‌شان برای سال آینده چه است؟ عناصر اجرایی آن چیست؟ سپس محاسبه صورت گیرد.

هر کاری که پلان آن به عنصر زمان وابسته نباشد ارزشی ندارد و هر پلان که بر اساس آن محاسبه صورت نگیرد ارزش ندارد؛ و برای هر کوشنده و رنج‌کشیده‌ای مزدش است.

وقت در تناسب با مال از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ بنابراین لازم است که برای آن برنامه‌ریزی نموده و بسیار مراقب آن باشیم. در قدم اول پلان سالانه را بسازیم که شامل مهم‌ترین اموری باشد که انجام دادن آن‌ها در جریان یک سال ضروری است. سپس پلان ماهانه با تفصیلات بیشتر ترتیب داده و کارهای پیش‌بینی شده سال را بالای ماه‌ها تقسیم نماییم، نگذاریم که یک هفته سپری شود مگر اینکه پلان هفته آینده را آماده نموده باشیم.

هر انسان موفق، یا متفکر کوشنده، یا گروه که به خود احترام دارد و یا امتی که بیداری می‌خواهد، باید این‌گونه پلان‌ها و برنامه‌ها را بر خود لازم بگیرد.

برنامه‌ریزی و زمان

در دیداری که با یک متفکر اسلامی داشتیم، ما را به پلان کاری بسیار زیبای مطلع ساخت، با توجه به هر کاری حساب باز کرده بود و هر چیزی را در جای خودش قرار داده، در مورد برنامه‌ها و روش‌های نظری و عملی و تطبیقی آن بحث نموده بود. از نهادها، استقلالیت، تخصصات و کار آن‌ها سخن گفته بود. انجمن‌های سیاسی، تربیتی و فکری را ذکر کرده، از رسانه‌ها سخن گفته بود، از دانشجویان و اتحادیه‌های دانشجویی، خلاصه با مهارت تمام همه چیز را بیان نموده بود. سال‌ها بعد، دوباره به همراه همان متفکر دیدار داشتیم، از همان پلان

ما را مطلع کرد. آن را برای ما توضیح داد و مواردی را بر آن افزود. با توجه به اینکه همه چیز را انجام داده بود، اما یک عنصر از عناصر مهم پلان گذاری - که زمان هست - را فراموش نموده بود؛ بنابراین پلان او بی نتیجه ماند.

انسانی با اندام سالم، سیمای زیبا و هیکل نیکو که حرکت نداشته باشد و فعالیت سودمندی انجام ندهد چه ارزشی دارد؟

درخت که تروتازه و با طراوت باشد، اما ثمر و میوه ندهد چه ارزش دارد؟ چه فایده دارد اگر نبات تابستان را در زمستان کشت کنیم؟ یا اگر از نبات زمستانی در تابستان انتظار ثمر داشته باشیم؟

پس پلان گذاری و تنظیم و ترتیب کارها اگر بازمان ارتباط نداشته باشد، چه ارزشی دارد؟

نه، متفکر محترم! درست است که ارزش در پلان گذاری و برنامه‌ریزی است، اما نه مجرد افکار که با آب‌وتاب بر روی کاغذ بنویسیم؛ بلکه باید افکار تبدیل به قطعات متحرک شوند که مکمل یکدیگر باشند و در ارتباط با زمان از مجموعه آنها چرخش کلی یک کارخانه، یا برنامه نتیجه‌بخش، یا کشوری مترقی، یا انسان که در میدان ترقی و تمدن بالا رود، به دست آید.

رمز موفقیت

برنامه‌ریزی راز اساسی موفقیت است.

هنگامی که می‌خواهید یک دانشگاه ممتازی را تأسیس کنید که علوم انسانی و مضامین علمی و تخصصی را باهم جمع کند. باید بخش ابتدائی آن را در خلال سه سال و دوره متوسطه و لیسه/دبیرستان را در خلال سه سال دیگر ایجاد

کنید، سپس به ایجاد دانشگاه بپردازید؛ چنانکه اولین فارغان آن بعد از پنج سال از دانشگاه فارغ می‌شوند.

بناء پلانی را که برای ایجاد دانشگاه ساخته بودید، مرحله تأسیس آن ۱۱ سال طول می‌کشد. حالا اگر بخش ابتدائی را ایجاد نمودید و بعد از آن توقف کردید؛ یا اگر مرحله که برای آن سه سال اختصاص داده بودید، ده سال طول کشید، پروژه متزلزل و مختل شده و تلاش‌های که به خرج داده‌اید هدر رفته و مالی را که هزینه کرده بودید ضایع شده است.

اگر شما پلانی برای تغییر اوضاع امت از طریق فعالیت دانشجویان ساخته‌اید، باید در قدم اول به شاگردان دوره‌های ابتدائی و مراحل ثانوی (دوره لیسه) توجه نمایید؛ چون در این مرحله زندگی تکوین شخصیت مرد و زن دانشجو صورت می‌گیرد. بعد از آن، به مرحله دانشگاه و اعضای هیئت تدریسی بپردازید؛ برای هر مرحله اهدافی را ترسیم کنید و برای هر هدف وسایل، وقت مطلوب، امکانات مادی ضروری و برنامه‌های تربیتی را در نظر بگیرید.

دستور کار دانشجویی را برای هر مرحله‌ای ترتیب کنید، سپس این تجربه را با جوانب دیگر شریک سازید. زمانی که پلان را در مطابقت با نقشه زمانی و چیزی از انعطاف‌پذیری و ظرفیت، تنظیم کردید؛ بدین معنی است که نهضت امت کار امکان‌پذیری است؛ اما اگر پلان به اجراء درآمد بعد از آن متوقف شد، یا اینکه یکی از عوامل موفقیت مانند مال، افراد، یا زمان هدر رفت و ضایع شد، پس کار به جز اتلاف انرژی چیزی دیگری نخواهد بود.

این قاعده در همه کارهای مهم صادق است.

هر پروژه مهمی را یک مدیریت جدی، یا هیئت جدی، یا در بسیاری موارد انسان جدی می‌تواند عملی کند. چه بسا پروژه‌ها و پلان‌ها را یک شخص به تنهایی پیروز نماید.

در اوایل دهه شصت قرن بیستم، حرکت اسلامی حالات نهایت خطرناک خود را سپری می‌نمود. قتل و کشتار آن در سال ۱۹۵۴ میلادی در مصر آغاز شد. در سال ۱۹۶۵ میلادی دوباره تکرار شد. در پی آن حرکت اسلامی در جوانب دیگر وارد تجربه‌های سخت خود شد. پرسش مهم این بود که: چگونه راهی را برای بیرون رفت از این مشکل پیدا کنند؟

پرسش مطرح شده توسط افراد اندک از اماکن دور دست که دارای ویژگی‌های متفاوتی بودند به خوانش گرفته شد. این پرسش تمام نیاز آن کار بزرگ بود.

هدف آنها

هدف شان الله بود. هر شخصی هدفی دارد، هدف برخی‌ها مال است؛ پس به هر وسیله ممکن جمع‌آوری می‌کنند، (تعس عبد الدرهم^(۱)). هدف برخی دیگری شهوات است که آن را در هر وسیله نجیب و پست جستجو می‌کنند. برخی هم هدف‌شان هوا و هوس آنها است.

﴿أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾. (فرقان/۴۳).

۱. اشاره به حدیث طولانی است که پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- بنده گان درهم و دینار و لباس‌های رنگارنگ را نکوهش نموده. یعنی هلاک و سرنگون باد بنده درهم. مترجم.

«به من بگو بینم، آیا کسی که هوا و هوس خود را معبود خویش می‌کند را دیدی.»

افرادی هستند که هدف شان جاه و مقام است؛ در آن بر دیگران فخرفروشی می‌کنند.

كُلُّ النَّاسِ يَغْدُو، فَبَانِعُ نَفْسَهُ، فَمُعْتَبُهَا أَوْ مُؤَبِّقُهَا^(۱).

«همه مردم چون صبح شود از خانه بیرون رفته و به تلاش و کوشش می‌پردازند، پس خود را به خدا فروخته و آزاد می‌کنند، یا خود را به هوا و هوس و مخالفت با خدا فروخته و هلاک می‌کنند.»

اما کسانی که این حرکت را به نیکویی فهمیده اند، هدف و غایت شان الله هست. نمونه اعلی، پیشوای بزرگ، سید و آقای ما محمد -صلی الله علیه و سلم- هنگامی که قومی به وی پیشنهاد معامله دادند تا از دعوت خود دست بردارد و هرچه از مال، جاه، زنان زیباروی و بزرگی بخواهد برایش می‌دهند، پیامبر -صلی الله علیه و سلم- بدون کوچک‌ترین تردید فرمود: قسم به الله اگر خورشید را در دست راستم و مهتاب را در دست چپم قرار دهند، برای اینکه از این کار دست به کشم، چنین نخواهم کرد تا زمانی که الله آن را پیروز گرداند و یا در این راه کشته شوم.

آنان در مسیر پیامبر -صلی الله علیه و سلم- حرکت می‌کردند، شعارشان این بود که: الرسول قدوتنا؛ یعنی پیامبر پیشوا و الگوی ماست و کار آن‌ها مبتنی بر دستور پروردگارشان بود:

۱. سنن ابن ماجه، باب الوضوء شرط الايمان، شماره: ۲۸۰. آلبانی آن را صحیح دانسته است.

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾.
(انعام/۱۶۲).

«بگو نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار
جهانیان است.»

پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- می فرماید:

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا حِثُّ بِهِ ^(۱).

«هیچیک از شما مؤمن کامل نیست تا این که هوای او پیرو آنچه باشد که من
آورده‌ام.»

خوش بینی

خوش بینی یک حالت انسانی زیرکانه است که شخص در هنگام مواجهه با
گرفتاری و مشکلات، خود و دیگران را نجات می دهد، نشانه های خوبی را در
مردم پیدا نموده و رشد می دهد؛ شر بزرگ را پیدا کرده و برای ریشه کن کردن آن
چاره جویی نموده، به جای آن نهال خیر و خوبی را غرس می کند.

انسان خوش بین که همیشه در رویارویی با چالش ها کوچک نمی شود؛ و
هراندازه که دشمن سرسخت و زیاد باشد، شکست نمی خورد؛ چون خداوند
قادر و قوی را همراه خود احساس می کند؛ به دستور خداوند حرکت می کند؛
هنگامی که کاری را به دست بگیرد، قوت خداوند همراه اوست. هرگاه در
موضوعی قدم بردارد خداوند متعال با اوست، شعار او فرموده خداوند است
چنانچه در حدیث قدسی آمده است:

أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِ بِي إِِنْ ظَنَّ خَيْرًا فَلَهُ وَإِنْ ظَنَّ شَرًّا فَلَهُ^(۱).

«من نزد گمان بندهام هستم؛ اگر گمان نیکی نسبت به من داشته باشد، چنین رفتاری با او خواهد شد و اگر گمان بدی داشته باشد، رفتاری مطابق آن برای وی خواهد رسید.»

انسان خوش بین کسی است که پروردگارش او را گرامی داشته است و امانت دعوت و دین را بر دوش او گذاشته است.

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾. (اسراء/۷۰).

«به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم.»

فاطمه دختر پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- یک روز پدرش را می بیند و گریه می کند، پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- برایش می گوید: دخترم چه چیزی ترا به گریه انداخت؟ فاطمه می گوید: دیدم صورت شما زرد و خسته و لباس های شما کهنه است. پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- فرمود: گریه نکن! همانا الله یاری کننده پدرت است، به زودی این دین به جاهای که خورشید در آنجا طلوع و غروب می کند، خواهد رسید.

پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- می فرماید:

إِذَا قَالَ الرَّجُلُ: هَلَكَ النَّاسُ فَهَوَّ أَهْلَكَهُمْ^(۲).

«کسی که (از روی تحقیر و عیب جویی و خودبرتربینی) بگوید: مردم هلاک شدند، پس او (به سبب ناامید کردن مردم از رحمت الهی و توبه و بازگشت به سوی الله) هلاکشان کرده است.»

۱. ابن حبان، باب: حسن الظن بالله، شماره: ۶۳۸. آلبانی آن را صحیح دانسته است.

۲. صحیح مسلم، کتاب آبر و الصلة والآداب، باب: النهی عن القول هلك الناس، شماره: ۲۶۲۳.

در یک روایت آمده است: فَهَوُ أَهْلَكُهُمْ پس او از همه هلاک‌تر است. گاهی یک کلمه می‌تواند اذیت‌کننده، ویرانگر و محوکننده برکت باشد و گاهی می‌تواند امیدوارکننده و نشان‌دهنده خیر باشد که فرد و جامعه را بسازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم - همانند این عبارت‌ها فرموده است: در مورد عبدالله ابن مسعود فرمود: او یک جوان تعلیم یافته است، در مورد ابوعبیده فرمود: امین این امت. خالد ابن ولید را شمشیری از شمشیرهای الله دانست که خداوند آن را در برابر مشرکان از غلافش بیرون نموده است؛ این کلمات در جایگاه مناسب خود قرار داده شد، در نتیجه رهبران بزرگ بشری را ساختند.

خوش‌بینی، ضد یأس و ناامیدی روانی است. مؤمن هرگز ناامید نیست:

﴿وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾.

(یوسف/۸۷).

«از رحمت خدا ناامید مشوید، چراکه از رحمت خدا جز کافران ناامید نمی‌گردند.»

همچنان می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَفْنَأْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ﴾. (حجر/۵۶).

«چه کسی است که از رحمت پروردگارش مأیوس شود مگر گمراهان [بی

خبر از قدرت و عظمت خدا].»

احساس مسئولیت

احساس مسئولیت می‌کنند، مسئولیت‌اماتی که پروردگار ما در روز خلقت

آسمان‌ها و زمین به ما محول نموده است:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾. (احزاب/۷۲).

«ما بار امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها [و همه جهان خلقت] عرضه داشتیم و [جملگی آن‌ها] از پذیرش امانت خودداری کردند و از آن ترسیدند و حال این‌که انسان [این اعجوبه جهان] زیر بار آن رفت [و دارای موقعیت بسیار ممتازی شد؛ اما برخی از] آنان [پی به ارزش و جودى خود نمی‌برند و قدر این مقام رفیع را نمی‌دانند و] واقعاً ستمگر و نادان‌اند.»

پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- بر این مسئولیت تأکید می‌کند:
كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ^(۱).

«همه شما مسئولید و همه شما نسبت به زیردستان خود بازخواست می‌شوید.»

و می‌فرماید:

وَكُلُّكُمْ عَلَى تَغْرَةٍ مِنْ تَغْوِرِ الْإِسْلَامِ فَلَا يُؤْتَيْنَ الْإِسْلَامَ مِنْ قَبْلِهِ^(۲).

«هر یک شما بر روزنه از روزنه‌های اسلام مقرر هستید، پس نباید هیچ آسیبی از جانب او متوجه اسلام گردد.»

این مسئولیت بود که پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- را بیمار نموده بود:
سَبَّيْتَنِي هُوْدٌ وَأَخَوَاتُهَا^(۱).

۱. صحیح بخاری، کتاب الجمعة، باب: الجمعة في القرى والمدن، شماره: ۸۹۳.

۲. برخی آن را حدیث پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- می‌دانند. اما تعداد از علماء می‌گویند این حدیث نیست، بلکه سخن امام اوزاعی است که شیخ ابواسحاق فزاری آن را در کتاب السیر خود روایت نموده است. مترجم.

(سوره هود و امثالش مرا پیر کرد.)

این مسئولیت بود که آرامش و راحتی را از خلفای راشدین ربوده بود. در گرمای روز حضرت عمر -رضی الله عنه- را می بینید که اطراف شهر مدینه در انتظار پیکی نشسته است تا او را از اوضاع مسلمانان جبهات جهاد اطمینان دهد؛ و از طرف شب او را مشغول رسیدگی به کارهای یک زنی می بینید که زایمان می کند ولی کسی را ندارد. همچنان زنی که شب آه و ناله می کند و شوهرش را می طلبد تا آبرویش را حفظ نماید؛ و گفتگوی زن شیرفروش را با دخترش می شنود؛ اما هنگامی که به نماز می ایستد و این آیه مبارکه را تلاوت می کند:

﴿وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾. (صافات/۲۴).

(و آنان را نگاه دارید که باید بازپرسی شوند.)

گریه می کند و گریه می کند. چگونه گریه نکند در حالیکه او نه تنها در برابر هر شخصی احساس مسئولیت می کند، بلکه حتی در برابر الاغی در سرزمین عراق، وقتی پایش می لغزد، خود را مسئول می داند که چرا عمر راه را برایش هموار نساخته است.

کسی که احساس مسئولیت دارد، فقط در برابر خود و خانواده خود احساس مسئولیت نمی کند، بلکه در برابر تمام احکام دین و مسلمانان سراسر جهان احساس مسئولیت می کند.

سال ۱۹۶۱ میلادی آغاز آشنایی من با حرکت اسلامی بود، هنگامی که آن نخبگان را ملاقات کردم که هدف و غایت‌شان الله و پیشوا و الگوی‌شان رسول خدا -صلی الله علیه و سلم- است. گروهی خوش‌بین که ناامیدی به دل‌های‌شان راه نداشت، مسئولیت‌های دینی‌شان را احساس می‌کردند؛ به ایجاد اولین اجتماع دانشجویان اسلامی (جمعیت دانشجویان مسلمان سال ۱۹۶۱ میلادی) در کشور انگلستان شروع کردند؛ و در سال ۱۹۶۲ میلادی اتحادیه انجمن‌های دانشجویان را در انگلستان ایجاد نمودند؛ و در سال ۱۹۶۳ میلادی انجمن دانشجویان مسلمان را در کشور آمریکا و کانادا تأسیس کردند. در سال ۱۹۶۴ میلادی به ایجاد ارتباط میان اتحادیه‌های دیگر دانشجویان را (در اروپا، تونس، اندونیزیا، پاکستان، نیجریه و دانشگاه اسلامی ام‌درمان در سودان) به‌منظور تأسیس اتحادیه بین‌المللی دانشجویان اسلامی آغاز کردند، تا این اتحادیه پس از قتل و کشتارهای که حرکت اسلامی در کشورهای اسلامی با آن روبرو شد بود، نقش خود را در دعوت به‌سوی دین خدا ایفاء نمایند.

در ماه جون سال ۱۹۶۹ میلادی اتحادیه بین‌المللی نهادهای دانشجویان اسلامی پا به عرصه وجود گذاشت تا نقش عظیم خود را در خدمت به اسلام و مسلمانان ایفاء نماید، در نتیجه این اتحادیه عامل اصلی بیداری اسلامی گردید که در فضای آن به سر می‌بریم.

در کنفرانس افتتاحیه، خودمان را در برابر پرسشی دیگری یافتیم اینکه: اگر شرایط به این سختی بوده و نیروهای مخالف با جبهات متعدد حاکم باشند، آیا به‌عنوان گروهی از جوانان بی دفاع می‌توانیم یک جبهه بین‌المللی دانشجویان اسلامی را اعلام نماییم؟ آیا می‌توانیم در برابر آنها ایستادگی کنیم؟

در اینجا بینشی است که دوست داریم برای نسل‌ها منتقل بسازیم اینک: بلی ما ایستادگی نموده و به خداوند توکل می‌کنیم.

نه پول داشتیم و نه جاه و مقام و نه هیچ نوع نیروی؛ تنها خدا با ما بود:

﴿وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾. (آل عمران/۱۷۳).

«و گفتند خدا ما را بس است و او بهترین حامی و سرپرست است.»

و این خون‌های گرمی را داشتیم که در رگ‌های ما صادقانه جریان دارد؛ و می‌خواستیم در راه خدا مصرف کنیم.

با خود زرق و روزی فرزندانمان را داشتیم که می‌توانستیم برای اجرای کار اندکی از آن برداریم.

اعتماد به نفس داشتیم که اولین عامل موفقیت است، هیچ کاری، یا حرکتی، یا حزبی نمی‌تواند بدون آن به وجود آمده، گسترش یابد، تقویت شود و موفق گردد.

درسی از تاریخ

درسی در تاریخ اسلام داریم: سیدنا ابوبکر صدیق -رضی‌الله‌عنه- را مسلمانان به‌عنوان خلیفه رسول خدا برگزیدند، قبایل عرب شروع به ارتداد از دین اسلام نموده و به‌جز اهل مدینه منوره و مکه مکرمه و طایف، کسی بر دین خود باقی نماند. این کار برخی از مسلمانان را به وحشت انداخت. آنان از روی خیرخواهی از خلیفه رسول خدا خواستند که در خانه خود بنشیند تا مطمئن شود. لکن حضرت ابوبکر صدیق -رضی‌الله‌عنه- مانند شیر بانگ برآورد و فرمود: آیا حکمی از اسلام شکسته شود و من زنده باشم؟! سوگند به الله با کسی

که بین نماز و زکات فرق می‌گذارد می‌جنگم. حضرت عمر -رضی‌الله‌عنه- در موضع خود متردد بود. حضرت ابوبکر صدیق -رضی‌الله‌عنه- برای بار دوم با آواز بلند گفت: تو کجایی عمر؟! آیا در جاهلیت شکوهمند و صاحب جبروت بودی و در اسلام ذلیل و زبون گشتی!

در سال ۱۹۲۴ میلادی توطئه غربی، خلافت مسلمانان را سقوط داد، کشورهای استعمارگر سرزمین‌های آن را بین خود تقسیم نمودند؛ و در کشور مصر موج اباحه‌گری در روان‌ها، نظریات و افکار، تحت نام آزادی عقلی شدت یافت. سپس در رفتارها، اخلاق و کردار تحت عنوان آزادی شخصی ظاهر شد، بنابراین به کمک حوادث و شرایط موج بزرگی از الحاد و اباحه‌گری فراگیر و سرکشی به وجود آمد که در برابر آن هیچ چیزی ایستادگی کرده نمی‌تواند^(۱).

امام حسن البنا در خاطرات خود می‌گوید: سپس در مصر و کشورهای دیگر اسلامی حوادثی متعددی رخ داد که دلم را آتش گرفت، غم و اندوه را در قلب من شعله‌ور ساخت و توجهم را به‌ضرورت یک تلاش و کار پیگیر جلب کرد تا مسیر ساختن پس از بیداری و مسیر تأسیس پس از تدریس پیموده شود. روی خود را به‌سوی دوستان و برادران کردم، کسانی‌که یک پیمان، طلب، صداقت، صمیمیت و احساس مسئولیت ما را گردهم آورده بود. عهد و پیمان ما این بود که همه برای آن هدف کار کنیم تا پلان ما به عزم عمومی در امت اسلامی برای هدف نیکوی اسلامی تبدیل شود.

در اسماعیلیه مصر اولین بذر شکل‌گیری این ایده گذاشته شد و اولین شکل و هیئت متواضع آن ظاهر گردید؛ اینکه در مسیر آن کار می‌کنیم و پرچم آن را به

۱. امام حسن البنا، خاطرات دعوت و داعی، ص ۴۷.

دوش می‌کشیم و با الله پیمان می‌بندیم که به‌عنوان سرباز کامل در راه آن تحت نام «اخوان المسلمین» باشیم. این پیمان در مارچ ۱۹۲۸ میلادی بسته شد. ناگهان آمد و زیبا رفت و آن، روز دعوت جهانی است که دنیا را پُر نموده و مردم را به خود مشغول کرده است.

این گونه است، هر انسانی که با پروردگار خود صادق بوده و به خود و دینش اعتماد داشته باشد، هدف خود را بررسی نماید و احساس مسئولیت کند؛ قوی است که خم نمی‌شود، خوش‌بین است و ناتوان نمی‌شود، در ادعای خود در طول و عرض تاریخ موفق خواهد شد و تاریخ برای او یک علامت روشنی در نهضت امت ثبت خواهد کرد.

﴿اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾. (توبه/۱۰۵).

«[هرچه می‌خواهید] انجام دهید [خواه نیک خواه بد] خداوند اعمال [ظاهر و باطن] شما را می‌بیند [و آن‌ها را به حساب شما می‌گیرد] و پیغمبر و مؤمنان اعمال [ظاهر] شما را می‌بیند.»

این مثل‌ها را برای مردم بیان می‌کنیم

آیا داستان آن بند آب را که شاعر معترب ایلیا ابو ماضی نوشته است، شنیده‌اید؟ داستان سنگ کوچک در درون یک سد بزرگ، یک روز به فود نگاه کرد دید که یک سنگ کوچکی است، هیچ فایده ندارد، نه کلان است و نه دارای اهمیت، هیچ امتیازی ندارد. بناء هایش را ترک کرد و رفت، ناگهان سد در هم ریفت و تمام شهر در آب غرق گشت.

تو ای مسلمان سنگ کوچکی نیستی، بلکه ستون این جهان هستی، صلاحیت رهبری آن را داری، در عوض، شما -اگر خوب عمل کنید- در تصدی امور، محل سوگند الله هستید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾. (نور/۵۵).

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً جایگزین [پیشینیان و وارث فرماندهی و حکومت ایشان] در زمین خواهد کرد [تا آن را پس از ظلم ظالمان، در پرتو عدل و داد خود آبادان گردانند] همان‌گونه که پیشینیان [دادگر و مؤمن ملت‌های گذشته] را جایگزین [طاغیان و یاغیان ستمگر] قبل از خود [در ادوار و اعصار دور دراز تاریخ] کرده است [و حکومت و قدرت را بدانان بخشیده است].»

چه بسا شرایط سخت و دشوار به سمت بهتر تغییر یابند، به هر حال، ما باید شرایطی را به یاد بیاوریم که رسول خدا با آن مواجه بود، خیلی بدتر و سخت‌تر از آن چیزی بود که امروز می‌بینیم؛ اما ایشان همیشه خوش‌بین و امیدوار بود و به یاری خداوند عزوجل اطمینان داشت؛ زیرا ناامیدی از صفات مؤمن نیست:

﴿إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ﴾. (یوسف/۸۷).

«چراکه از رحمت خدا جز کافران ناامید نمی‌گردند.»

شیوع شر و استکبار آن ممکن است باعث دلسردی شود، اما مسلمان باید یقین و باور داشته باشد که خداوند با اوست و او را ضایع نمی‌سازد؛ و قطعاً خداوند بندگان خود را تا زمانیکه به اوامر او پایبند باشند یاری می‌کند.

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾. (نحل/۱۲۸).

«بی‌گمان خدا [مرحمت و معنویت و حفاظت و رعایت همه‌جانبه‌اش] همراه کسانی است که تقوا پیشه کنند و [با دوری از نواهی، خود را از خشم خدا به دور دارند و با تمام نیرو و قدرت] با کسانی است که نیکوکار باشند و [با انجام اوامر الهی خویشتن را به الطاف ایزد نزدیک سازند].»
و می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾. (صافات/۱۷۱-۱۷۳).

«وعدۀ ما راجع به بندگان فرستاده ما قبلاً [در لوح محفوظ] ثبت و ضبط گشته است؛ و آن این‌که ایشان قطعاً یاری می‌گردند؛ و لشکر ما حتماً پیروز می‌شوند.»

ممکن است برخی فکر کنند که فرصت از دست رفته است و قسمتی بیشتر عمر سپری شده است. ولی باید به یاد داشته باشیم که بزرگ‌ترین وظیفه که ممکن است بر عهده انسان گذاشته شود، همانا رساندن پیام خداوند به تمام بشریت هست. رسول خدا این وظیفه دعوت خود را در سن چهل‌سالگی آغاز نمود.

پس در برابر همت والا و درستی هدف، نه کوتاهی عمر حائل می‌شود و نه شرایط دشوار. حق تعالی می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾. (عنکبوت/۶۹).

«کسانیکه برای [رضایت] ما به تلاش ایستند و در راه [پیروزی دین] ما جهاد کنند، آنان را در راه‌های منتهی به خود رهنمود [و مشمول حمایت و هدایت خویش] می‌گردانیم.»

برنامه‌ریزی استفاده اسباب است

آیا پس از اقدام و اعتماد به نفس، برنامه‌ریزی از ضروریات موفقیت کار ماست؟

این پرسش در روزهای نخست حرکت ما برای ایجاد اتحادیه بین المللی دانشجویی، مورد بحث و مناقشه بود؛ اما امروز از جمله مسلمات گردیده است. در گذشته پلان گذاری را بدعت می‌گفتند، اما امروز موضوع ثابت شده است. پلان گذاری به علمی تبدیل شده است که در مراحل مختلف آموزشی تدریس می‌شود. در مسابقه زمان، چگونه با آن رقابت کنیم بدون اینکه پلان گذاری کرده باشیم؟

کسی که سیرت پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و سلم- را به دقت مطالعه می‌نماید، پلان گذاری را به صورت واضح و روشن، در هر مرحله از مراحل زندگی ایشان می‌یابد:

- در دعوت الی الله دو مرحله مکی و مدنی وجود دارد: در مرحله مکی (دعوت پنهانی، بعد از آن آشکار ساختن دعوت، سپس دعوت مردم بیرون شهر مکه)؛ و در مرحله مدنی مراحل متفاوت دیگری را می‌یابیم.
- برنامه‌ریزی در دعوت افراد. در آغاز، پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و سلم- به کسانیکه می‌شناخت و به نیکی معروف بودند، دعوت را

عرضه نمود. آن‌ها همان سابقون اولون بودند، کسانیکه در آخر خلفاء و رهبران شدند. سپس در مرحله بعدی نزدیک‌ترین طایفه خود را دعوت نمود.

- برنامه‌ریزی در مهاجرت به حبشه.
- برنامه‌ریزی در بیعت اول عقبه و بیعت دوم عقبه و تفاوت بین این دو بیعت واضح و روشن است.
- برنامه‌ریزی در هجرت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و سلم- به مدینه.
- سپس برنامه‌ریزی برای ایجاد یک دولت بی نظیر در مدینه منوره.

آیا کسی فکر می‌کند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و سلم- در این شرایط بسیار سخت و دشوار، بدون برنامه‌ریزی دقیق برای هر مرحله و هر کاری در زندگی شخصی، اجتماعی، در ارتباط دولت با دیگران، در اقامه حق و عدالت میان مردم، در جنگ، صلح و پیمان‌هایش، در تربیت مسلمانان و آماده‌سازی‌شان برای آینده، بدون برنامه‌ریزی راهش را باز کرده است؟

برخی خواهند گفت: این وحی آسمانی بوده است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و سلم- را هدایت و رهنمایی می‌نمود.

این درست است که وحی برای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و سلم- رهنما و تعلیم‌دهنده بود و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و سلم- در همه کردارش برای ما الگو و نمونه است. در این زمینه استاد محمد غزالی سخن زیبایی دارد می‌فرماید: "حمایت خداوند از رسولش در هجرت، به اندازه جایزه قومی که به هر وسیله برای پیدا کردن پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم- متوسل می‌شدند، درمانی برای اشتباه او نبود."

ملکت و حکمت

در صمیغه‌های ابراهیم علیه السلام آمده است:
عاقل - تا زمانیکه عقل او زایل نشده باشد - باید چهار گونه اوقات داشته باشد:

- اوقاتی که با پروردگار خود مناجات کند.
- اوقاتی که خود را مناسبه کند.
- اوقاتی که در خلقت خداوند تفکر نماید؛
- اوقاتی که به نیازهای خوردن و نوشیدن خود بپردازد.

مراحل تدوین پلان

نخست - تعیین اهداف

اهداف ما در اتحادیه بین المللی نهادهای دانشجویی بسیار است از جمله:

۱. تعیین سیاست‌های مشخص برای کارهای دانشجویی که از آن فراتر

نروند.

۲. تعمیق فهم اسلامی، فهم دعوی و فهم حرکی در اتحادیه‌های موجود

کنونی و تهیه روش‌های تربیتی که در این امر کمک می‌کنند.

۳. گسترش مراکز اتحادیه از هشت الی حداقل ۵۵ نهاد، به تعداد

کشورهای اسلامی عضو سازمان ملل.

۴. گسترش دعوت اسلامی در جهان، از طریق برگزیدن مجموعه‌ای از

کتاب‌ها در عرصه‌های مختلف علمی و ترجمه آن‌ها به صد زبان که زبان‌های

اصلی مسلمانان در جهان می‌باشند و به آن‌ها تکلم می‌کنند.

۵. اصلاح مواضع فکری و سیاسی انجمن‌های دانشجویی. اگر این

اتحادیه‌ها در سطوح گسترده باهم یک‌سو باشند، ولی در بسیاری از مفاهیم

اختلاف دارند، حتی گاهی اوقات در تناقض واقع می‌شوند، بنابراین ضرورت

به ایجاد یک برنامه برای توحید مفاهیم دعوی، تربیتی، سیاسی و مدیریتی وجود

دارد.

۶. گسترش خدمات مراکز دانشجویی در دوره‌های ثانوی (لیسه) و دانشگاه

و دادن نقش کامل برای دانشجویان دختر در حرکت و تأثیرگذاری.

۷. تنظیم دستورالعمل کار شاگردان دورهٔ ثانوی (لیسه)، شاگردان دانشگاه و اعضای بخش تدریسی و هماهنگی میان این جناح‌ها برای دستیابی به اهداف مشترک.
۸. متعهد ساختن حرکت دانشجویی به اصلاح کردن اوضاع و رهبری امت به سوی بازسازی.

اهداف و توانایی‌های ما

بعد از حوادث دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ میلادی، استاد خورشید احمد^(۱) از پاکستان با من تماس گرفت^(۲)؛ و گفت: امیدوارم دفاترتان را به پاکستان منتقل نمایید؛ کارتان باید ادامه پیدا کند؛ شما به مواردی دست‌یافته‌اید که حکومت‌ها از انجام دادن آن عاجزند.

این را به مناسب اهداف ذکر می‌کنم. برخی کسانی که اهداف‌شان را تعیین می‌کنند، همهٔ محاسبات را انجام می‌دهند، به تمام شرایط نگاه کرده، آن را دشوار می‌بینند، سپس اهداف متوسطی را تعیین می‌کنند.

اما برخی دیگر، محاسبات را انجام می‌دهند و مشکلات را می‌دانند با آن هم همت بلندشان جز به اهداف بلند راضی نمی‌شود؛ و ما هم این چنین کردیم.

۱. دکتر خورشید احمد متولد سال ۱۹۳۲ میلادی در دهلی هندوستان است. وی دانشمند، اقتصاددان و فعال اسلامی پاکستانی بوده که در سال ۱۹۹۰ میلادی برندهٔ جایزه ملک فیصل شد. مترجم.

۲. مؤلف.

نوشتن اهداف

در نشست اول کمیته اجرایی که از مجمع عمومی تشکیل شد، این اهداف را تعیین نموده و آن‌ها را نوشتیم؛ زیرا تفاوت است بین هدفی که از آن صحبت می‌کنید و هدفی را که می‌نویسید.

وقتی هدف را می‌نویسید فکر می‌کنید و می‌بینید، از خود و دیگران می‌شنوید. هنگامی که همه حواس‌ها را در یک ایده به کار می‌اندازید، بدون شک در آن به پختگی و وضاحت می‌رسید.

این فقط مربوط اهداف نمی‌شود، در هر مفکوره و ایده، صاحب آن گمان می‌کند یک ایده مطربانه است که تارهای آن را به هم بزند و از آن لذت ببرد، گاهی ممکن است از آن صحبت نماید؛ اما زمانی که آن را می‌نویسد و با دقت بررسی می‌کند، آن را بی‌ارزش می‌یابد. از این رو، پیامبر الگو صلی الله علیه و سلم - به ما دستور داده است که علم را با نوشتن قید کنیم.

در سال ۱۹۵۳ میلادی دانشگاه بل آمریکا مقاله را در مورد برنامه‌ریزی منتشر نمود که نشان می‌دهد اینکه تنها ۳٪ مردم اهداف‌شان را تعیین می‌کنند؛ و از این میان تنها ۱٪ افراد اهداف خود را می‌نویسند. کسانی که اهداف‌شان را نوشته‌اند، به ۷۹٪ از اهداف خود دست‌یافته‌اند.

اهداف واقع‌بینانه

در هنگام تعیین اهداف دنیرو در جلوتان ظاهر می‌شوند:

۱. نیروی تخیل: نیروی که با فشار دادن یک دکمه اهدافی دور را نزدیک، نابسامانی را اصلاح، از بین بردن ظلم و بی‌عدالتی و برقراری دولت حق و عدالت را می‌خواهد؛ اما آیا به این شکل امکان دارد؟!

۲. نیرو واقع بین که موارد ذیل را در نظر می گیرد:

- چیزهای که در اختیار دارید (تعداد افراد کارکن، میزان توانایی شان در به دست آوردن اهداف)؛
 - موانعی که با آن روبروی خواهید شد (موانع مادی، سیاسی، عدم شناخت مردم از شما)
- بنابراین اهداف که باید انتخاب نمایید عبارت از:
- اهداف واقع بینانه که قابل دسترسی اند و به هر وسیله به دست می آیند و از همه موانع عبور می کنند.
 - اهداف روشن و بدون ابهام.
 - وابسته به جدول زمانی.
 - قابل اندازه گیری.
 - اهداف بلندی که سطح شما، جامعه و امت را بالا می برند.

یادداشت‌های ضروری

- هنگام تعیین اهداف، باید با کسانی که مرتبط به اهدافتان هستند، مشارکت داشته باشید. اگر اهدافی را برای خانواده تعیین می کنید، باید افراد خانواده را در تعیین اهداف شریک کنید؛ و اگر برای شرکت خود اهدافی تعیین می کنید، باید مسئولین شرکت در آن سهیم باشند. اگر برای کار دانشجویی اهدافی تعیین می کنید، باید همه کسانی که را که مسئول این کار هستند در تعیین اهداف مشارکت دهید.

- سپس هدف خود را با تصمیم حمایت کنید؛ و برای دستیابی به آن مصمم بوده همیشه مشتاق آن باشید، نتایجی را که بعد از رسیدن به هدف به دست خواهید آورد به یاد بیاورید، چقدر از دستیابی به آن خوشحال هستید، میزان خوبی که به دست خواهید آورد به خاطر بیاورید، همه این‌ها شما را بیشتر به وجد می‌آورد.

دوم - تعیین فعالیت‌ها

بعد از تعریف و بیان اهداف، فعالیت‌های ضروری برای به دست آوردن هر هدف را مشخص سازید، همه این فعالیت‌ها بر اساس اولویت ترتیب می‌شود (مهم‌تر، مهم و کم‌اهمیت) اشکال ندارد اگر فعالیت‌های کم‌اهمیت را در فرصت‌های ضایع شونده قرار دهید.

سوم - برنامه زمانی

برای فعالیت‌ها یک برنامه زمانی قرار دهید (سالانه، ماهانه و هفتگی) ارتباط فعالیت با زمان از حیث شروع و پایان، یک امر بی‌نهایت مهم است. از یک طرف برای تنظیم پلان و از طرف دیگر به خاطر کنترل کردن وقت؛ زیرا اوقات باز تمام وقت را ضایع می‌کند. باید وقت کافی برای برنامه‌ریزی بدهید؛ چون بسیاری از امور به آن بستگی خواهد داشت.

مراحل پلان‌گذاری

- تعریف و ترتیب اهداف؛
- تعیین فعالیت‌ها؛
- ترتیب برنامه زمانی.

لیست روزانه

لیست روزانه آخرین مرحله پلان گذاری و آغاز مرحله اجرایی پلان است. زمانی که پلان گذاری صحیح صورت گرفته باشد و لیست روزانه درست باشد، در این صورت مرحله اجراء خوب خواهد بود و نتایج رضایت بخشی خواهد داشت.

قبل از ترتیب لیست روزانه، باید دو کار را انجام دهید:

۱. تحلیل وقت

هدف از تحلیل وقت این است که بدانید وقت خود را چگونه سپری کنید؟ تحقیقات نشان داده است که مهم‌ترین مشکلی ما این است که بیشتر کارهای ما یا کارهای عادی هستند و یا اینکه کار را به صورت عادی انجام می‌دهیم.

تحقیقات دریافته اند که فقط ۲۰٪ از کارهای ما، اهداف ما را تأمین می‌کنند؛ و ۸۰٪ کارهای ما، کارهای عادی هستند و اهداف ما را به صورت اصلی تأمین نمی‌کنند. برای اطمینان خوب است که یک کاغذ برداریم و کارهای را که روزانه انجام می‌دهیم بنویسیم. سپس آنچه را که نوشته‌ایم مرور کنیم. درخواهیم یافت که بیشتر کارهای ما هیچ ارتباطی به اهداف ما ندارد؛ این از یک طرف.

از طرف دیگر، متوجه خواهیم شد که بخش بزرگی از کارهای ما عادت‌وار انجام می‌شود؛ و به روش‌ها و وسایلی جدید متصل نمی‌شویم؛ شاید در استفاده روش‌ها جدید زحمت و زمان کمتری مصرف شود؛ کافی است آن‌ها را لغو کنیم و انجامشان ندهیم^(۱).

۱. کوکسل، قیادت در بحران.

اگر چنین کردیم، وقت زیادی خواهیم داشت و از آن برای انجام دادن بسیاری از کارها بهره‌مند خواهیم شد.

آیا می‌دانید؟

افزودن روزانه ۳۰ دقیقه به اوقات کاری تان به معنی افزایش یک ماه کاری به زندگی شما می‌باشد؟

زندگی خود را دو برابر کنید!

۲- شناخت منحنی فعالیت

ما در مورد زن و مردی صحبت نمی‌کنیم که وقت خود را در بین چینل‌های تلویزیون، بازارها، کنسرت‌ها و رستوران‌ها تقسیم نموده است؛ زیرا این نوع افراد وقت خود را تجزیه و تحلیل نمی‌کنند و به منحنی فعالیت خود اهمیتی نمی‌دهند. لکن ما در مورد یک فرد جدی صحبت می‌کنیم که با زمان رقابت می‌کند، وقت خود را برای انجام وظایف خود غنیمت می‌شمارد.

هر فرد یک منحنی فعالیت خاصی دارد. مراحل که در آن فعالیت به اوج خود رسیده و مراحل که فعالیت کمتر از حد اوسط است. هرگاه انسان منحنی فعالیت خود را شناخت، بر او لازم است که فعالیت‌های مهم و اولویت‌ها را در سطح بالای منحنی قرار دهد تا به بهترین صورت انجام شود.

مهم‌ترین کارهای زندگی خود را در اوقات اصلی قرار دهید.

مراحل تعیین لیست روزانه

از مهم‌ترین گام‌های موفقیت شما برنامه‌ریزی روزانه است؛ این کار اغلب به شکل تهیه لیستی حاوی کارهای روزانه صورت می‌گیرد که باید طبق جدول زمانی انجام شود، با در نظر داشتن یادداشت‌های ذیل:

۱. با بسم‌الله شروع کنید؛ زیرا هر کاری که بانام الله شروع نشود بی‌برکت و بی‌فرجام هست. همیشه هدف والای خود را به یاد داشته باشید و از خداوند بخواهید که شما را ضایع نسازد.
۲. لیست کارهای هفتگی خود را پیشروی‌تان قرار دهید.
۳. روزانه یک وقت مشخصی در آخر روز، یا آغاز روز آینده برای تهیه لیست روزانه در نظر بگیرید.
۴. یک لیست بسازید نه لیست‌های متعدد، سپس آن را در یک جای در دسترس خود قرار دهید.
۵. کارهای مهم (اولویت‌ها) را در اوقات اصلی که اوج فعالیت شما است، قرار دهید.
۶. فعالیت‌های مشابه را باهم جمع کنید؛ تماس‌ها، فاکس‌ها، ایمیل‌ها، ملاقات‌ها، خرید اقلام و رفتن به نماز را باهم ذکر کنید.
۷. در قدم اول به کارهای که اهداف شما را تأمین می‌کنند، توجه کنید.
۸. برای هر وظیفه وقت مشخصی را در نظر بگیرید، به یاد داشته باشید که وظایف باز (وظایفی که برای انجام دادن آن وقت مشخص نشده باشد) هرگز پایان نمی‌یابند.
۹. وظایف روزمره خود را مرور کنید و به لیستتان نگاه کرده سپس:

- وظایف غیرضروری را حذف کنید.
 - تمام کارهای را که می‌توانید به دیگران واگذار کنید، به افراد مربوطه واگذار نمایید. واگذار کردن برخی کارها شما را کمک می‌کند که کارهای مهم‌تر را انجام دهید؛ و به شما وقت بیشتری برای فکر کردن می‌دهد، شما را از کارهای روتینی و عادی نجات می‌دهد، به شما امکان می‌دهد که بیشتر از مهارت‌های دیگران استفاده کنید.
 - برای انجام دادن کار، بهترین راه را برگزینید.
۱۰. هر دقیقه وقت خود را برنامه‌ریزی نکنید، برنامه‌تان باید انعطاف‌پذیر باشد.
 ۱۱. برای استراحت و آرامش وقت بگذارید.
 ۱۲. به لیست خود پایبند باشید تا حد توان از آن تجاوز نکنید.
 ۱۳. بیش از حد تنظیم نکنید.

یادداشت قاعده ۲۰/ ۸۰

۸۰٪ کارهای ما، تنها ۲۰٪ اهداف ما را تحقق می‌بخشد.

۲۰٪ کارهای ما ۸۰٪ اهداف ما را تحقق می‌بخشد.

مرحلهٔ اجرا.

زمانی که تمام موارد ذکرشده را انجام دادید، یک پلان سالانه، ماهانه و هفتگی خواهید داشت و یک لیست کارهای روزانه. با این حال در اثنای اجرا، برای جلوگیری از موانع و دستیابی به بهترین نتیجه، نیاز به مشورت‌های دارید.

حسن بصری - رضی‌الله‌عنه - می‌فرماید: ای فرزند آدم! روز شما مهمان شماست، پس با او خوب باش و از او پذیرایی کن، اگر با او خوب بودی و از او پذیرایی کردی، با تعریف و ستایش شما می‌رود؛ و اگر با او بد بودی و پذیرایی نکردی، با ذم و بدگوی شما می‌رود؛ و شب شما هم مثل روز مهمان است.

و همچنان می‌فرماید: هیچ روزی بر فرزندان آدم نمی‌گذرد مگر اینکه برایش می‌گوید: ای فرزند آدم! من مخلوقی جدیدی هستم و بر کارهای تو گواهم، هرگاه از نزد تو رفتم دوباره برنمی‌گردم، هرچه می‌خواهی تقدیم کن، پیش روی خود خواهی یافت و هر چه می‌خواهی بگذار، بدان که هرگز به شما باز نخواهد گشت.

حالا به مشورت‌های مرحلهٔ اجرا متوجه باشید:

۱. به لیست روزانهٔ خود نگاه کنید و به آن پایبند باشید.
 ۲. فعال باشید: شروع کنید، بدانید که مهم‌ترین گام، مرحلهٔ آغاز کار است. موشک در اولین دقایق ۸۰٪ سوخت خود را مصرف می‌کند.
- قرآن کریم ما را به مبادرت و شتاب تشویق می‌کند:

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ

لِلْمُتَّقِينَ﴾. (آل عمران/۱۳۳).

«و [با انجام اعمال شایسته و بایسته] به‌سوی آموزش پروردگارتان و بهشتی بشتابید و بر همدیگر پیشی بگیرید که پهنای آن [برای مثال، همچون پهنای] آسمان‌ها و زمین است؛ [و چنین چیزی باارزشی] برای پرهیزگاران تهیه دیده‌شده است.»

پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- ما را در سخت‌ترین شرایطی که ممکن است انسان به آن مواجه شود، دستور به پیش‌دستی و شتاب می‌دهد:

إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسَهَا^(۱).

«اگر قیامت فرارسد و در دست یکی از شما نهالی باشد، چنانچه بتواند برنخیزد تا آن را بکارد، پس باید آن را بکارد.»

آیا اشتیاق بر پیش‌دستی و شتاب‌کردن بیش از این در جای دیگری سراغ دارید؟ اینکه نهالی را غرس کنید و منتظر نتیجه‌اش نمانید.

۳. همیشه با کار دشوار یا کاری که دوست ندارید شروع کنید؛ آن‌ها را در اوقات اصلی که اوج فعالیت شما هست قرار دهید. بدانید که یک اصل وجود دارد، می‌گوید: هیچ چیزی مانند شروع کردن، سبب ادامه کار نمی‌شود؛ یعنی هیچ چیزی مانند شروع کردن باعث نمی‌شود که کارتان را به پایان برسانید.

۴. با کارهای بزرگ به خوبی کنار بیایید. آنها را به اجزای کوچک یا چندین کار تقسیم کنید، آغاز کنید و این‌شاء الله به پایان خواهید رساند.

۵. کار را تمام کنید، طوریکه:

۱. مسند احمد، شماره: ۱۲۹۷۱. آلبانی آن را تصحیح نموده است.

- فقط بر روی یک کار تمرکز کنید، تلاش خود را پراکنده نسازید، به بیشتر از یک وظیفه سروکار نداشته باشید، سخن خداوند را به یاد بیاورید:

﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ﴾ . (احزاب/۴).

«خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است.»

- متردد نباشید: کاری که پیشروی شما است انجام دهید تا زمانی که آن را تمام نکرده‌اید به کار دیگری مپردازید.

اگر نظری دارید، قاطع باشید؛ زیرا تردید عقیده را فاسد می‌سازد؛ و تعلل، ضد جدیت است؛ و آن عبارت از به تأخیر انداختن کار به عوض انجام دادن آن است.

ابن قیم -رحمه‌الله- می‌گوید: از تعلل بپرهیزید؛ زیرا تعلل بزرگ‌ترین سرباز شیطان است.

گفته شده که یکی از سلف به ما توصیه نموده است: شما را به تقوا توصیه می‌کنم، پس مراقب باشید که به زودی مهلکه خواهد آمد، همانا تعلل و تأخیر کردن، پیشینیان شما را هلاک کرد.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و سلم - در دعاهای خود می‌فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ^(۱).

«پروردگارا! از ناتوانی و کسالت و تنبلی به تو پناه می‌برم.»

۱. صحیح بخاری، کتاب الدعوات، باب: التعوذ من فتنة المحيا والممات، شماره: ۶۳۶۷.

اما چرا تعلل می‌کنند؟

دلایل تعلل عبارت از:

- تنبلی؛
- فرار از کارهای بزرگ؛
- ترس از شکست؛
- انتظار اوقات خالی. این یک خیال است؛ زیرا تحقیقات نشان داده است که ۹۰٪ خلایق در حین کار به وجود می‌آید؛
- غفلت، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَانُوا لِنِعْمِ رَبِّ لَهُمْ أَصْلٌ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾. (اعراف/۱۷۹).

«ما بسیاری از جنیان و آدمیان را آفریده و [در جهان] پراکنده کرده‌ایم که سرانجام آنان دوزخ و اقامت در آن است. [این بدان خاطر است که] آنان دل‌های دارند که بدان‌ها [آیات رهنمون به کمالات را] نمی‌فهمند و چشم‌هایی دارند که بدان‌ها [نشانه‌های خداشناسی و یکتاپرستی را] نمی‌بینند و گوشه‌ای دارند که بدان‌ها [مواعظ و اندرزهای زندگی ساز را] نمی‌شنوند. اینان [چون از این اعضاء چنان‌که باید سود نمی‌جویند و منافع و مضار خود را از هم تشخیص نمی‌دهند] همسان چهارپایانند و بلکه سرگشته‌ترند [چراکه چهارپایان از سنن فطرت پا

فراتر نمی‌گذارند، ولی اینان راه افراط و تفریط را می‌پویند]. اینان واقعاً
خبر [از صلاح دنیا و آخرت خود] هستند.»

۵. کار خود را درست انجام دهید: کارآمدترین و کامل‌ترین روش‌ها را
انتخاب کنید. درست انجام دادن کارها یک وجیبه دینی است که خداوند آن را
دوست می‌دارد. و درست انجام دادن کار تلاش و فرصت زیادی در اختیار شما
قرار داده و شما را از بازگشت دوباره به کاری که انجام داده‌اید بی‌نیاز می‌کند.
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَّقِنَهُ^(۱).

«خداوند دوست می‌دارد کسی را که چون کاری انجام دهد به‌درستی و
کامل انجام می‌دهد.»

۶. تا حد توان کار را سروقت تمام کنید؛

۷. نه گفتن را بیاموزید، نه گفتن شاید رئیس شما را در محل کار عصبانی
نماید، اما باید آن را طوری بگویید که کسی عصبانی نشود؛ به‌عنوان مثال: نزد
رئیس خود بروید و مسئولیت‌ها و اولویت‌ها را برایش توضیح دهید، او را در کار
مشارکت دهید تا مطمئن شود که شما مشغول هستید.

۸. کار خود را قطع نکنید، حافظ عینی در کتابش «عمدة القاری» حکایت
می‌کند که امام محمد بن سلام^(۲) در مجلس درس حدیث نشسته بود،
درحالی‌که استادشان حدیث بیان می‌کرد قلم امام محمد شکست، امام محمد
گفت صدا بزنند: «یک قلم به یک دینار طلا خریدارم!» همان بود که از هر طرف
قلم‌ها به او عرضه شدند.

۱. مسند أبو یعلی، شماره: ۴۳۸۶. آلبانی آن را صحیح دانسته است.

۲. محمد بن سلام بیکندی متوفی ۲۲۷ هـ ق استاد امام بخاری می‌باشد. مترجم.

امام محمد بن سلام ترجیح داد که یک دینار طلا را در بدل یک قلم - در حالیکه قیمت قلم چیزی قابل ذکری نبود- قربانی کند، اما کار تدریس او به همراه استادش قطع نشود.

خطیب بغدادی از جاحظ روایت می‌کند: هرگاه کتابی به دستش می‌افتاد از اول تا آخر آن را می‌خواند؛ اما اکنون، آمارها نشان داده است که فقط ۱۰٪ کسانی که کتاب خریداری می‌کنند، از فصل اول آن عبور می‌کنند. آیا تفاوت در بین امت جدی و امت بازی گوش را مشاهده کردید؟!

۹. با ضایع کنندگان وقت به زیرکی برخورد کنید؛ برخی ضایع کنندگان وقت متعلق به شخص خود شماست مثل عدم برنامه‌ریزی، عدم تفویض و سپردن کار به دیگران، بی‌نظمی، تعلل، عدم توانائی نه گفتن، بی‌میلی، کسالت و خستگی، ایدئالیسم بیش از حد، حب بحث و مناقشه.

و برخی ضایع کننده‌ها عارضی اند مثل بازدیدکنندگان، گفتگوهای تلفونی، تلویزیون، جلسات زیاد، انتظارها، موارد اضطراری، کثرت اوراق، کارهای عادی روزمره، گزارش‌ها. این به شما بستگی دارد که با ضایع کنندگان وقت چگونه سازش می‌کنید.

همچنان مراقب افکار مزاحم خود باشید. غالباً در حین کار، افکاری به ما عارض می‌شود که در لحظه ظهورشان گمان می‌کنید مهم هستند، شاید کار خود را به خاطر آن قطع کنید، یا دست‌کم به آن مشغول شوید مثل تماس با فلان شخص، جستجوی چیزی گم شده، آغاز کار دیگر؛ بنابراین شما باید:

- به این افکار مزاحم پاسخ ندهید؛ زیرا آن‌ها کشنده هستند.
- کار خود را قطع نکنید مگر به خاطر یک ضرورت واقعی.

• افکار مزاحم را بر یک کاغذ بنویسید تا بعداً انجام دهید؛ زمانی که کارتان را تمام کردید، به آن لیست نگاه کنید، خواهید دانست که آن‌ها هیچ ارزشی نداشته است.

۱۰. کارهای تان را با درایت ۵ دقیقه انجام دهید: انجام دادن بسیاری از کارها، بیشتر از ۵ دقیقه زمان نیاز ندارد، مثل نظرسنجی، نوشتن یک گزارش ساده و غیره. این کارها را بلافاصله انجام دهید و تمام کنید.

۱۱. از اوقات تلف شونده استفاده کنید، مثل انتظار اتوبوس، اوقات بین کارها و غیره. اوقات تلف شونده بیشتر از آن است که تصور می‌کنید، هرگاه از آن استفاده کردید، درآمدی زیادی به دست خواهید آورد، شما می‌توانید فایل‌ها را تهیه کنید، با آنچه می‌توانید در اوقات تلف شونده انجام دهید مثل: خواندن پیام‌ها، تلاوت قرآن کریم، مطالعه کتاب، گوش دادن به یک نوار، انجام برخی از تماس‌های تلفونی، پرسیدن از دوستان و خویشاوندان را در آن درج کنید.

خطیب بغدادی از فتح بن خاقان^(۱) روایت می‌کند که او کتابی را در آستین خود حمل می‌کرد، هنگامی که از نزد متوکل (خلیفه) بر می‌خواست و یا به طرف نماز می‌رفت، کتاب خود را بیرون می‌آورد و در حالیکه قدم می‌زد تا رسیدن به محل مورد نظر خود، آن را مطالعه می‌کرد. سپس هنگام بازگشت به مجلس مانند قبل عمل می‌کرد! هنگامی که متوکل به خاطری حاجتی بلند می‌شد، ابن

۱. فتح ابن خاقان متوفی ۲۴۷ هـ ق ادیب، شاعر و از شاهزادگان بود. متوکل خلیفه عباسی او را برادر و وزیر خود کرد. ابن خاقان برای خود کتاب‌خانه ساخت که در آن زمان یکی از بزرگ‌ترین کتاب‌خانه‌های دنیا به حساب می‌آمد. مترجم.

خاقان کتاب خود را از آستینش بیرون می‌آورد تا زمان بازگشت متوکل کتاب مطالعه می‌کرد.

۱۲. به کار بعدی خود پردازید: وقت بین کارهای خود را ضایع نسازید. قاضی شریح از کنار گروهی که بازی می‌کردند عبور کرد، برایشان گفت: شما را چه شده است که بازی می‌کنید؟ گفتند: بیکار هستیم. گفت: آیا انسان بی‌کار می‌شود؟ خداوند متعال برای پیغمبرش فرمود:

﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ﴾. (شرح: ۷).

«هرگاه [از کار مهمی] پرداختی، به دنبال آن [به کار مهم دیگری پرداز و در آن بکوش و] رنج ببر [و فرجام کاری را آغاز کار دیگری کن].»
وقت بین دو کار را ضایع نکنید!
۱۳. به وعده‌های خود وفا کنید:

- وعده‌هایتان را به خوبی ترتیب کنید؛
- اطمینان حاصل کنید که از زمان، مکان و نحوه رسیدن به آنجا اطلاع دارید؛
- بدون قرار قبلی به دیدن کسی نروید، به دیگران کمک کنید که از اوقات خود درست استفاده کنند.
- آداب ملاقات را رعایت کنید.

۱۴. متوجه خستگی باشید، زمانی را در حد نیاز برای استراحت و آرامش در نظر بگیرید. شیخ یوسف قرضاوی می‌گوید: زندگی ما باید با جدیت باشد و

در خلال آن استراحت گنجانیده شده باشد؛ نه اینکه زندگی استراحت بوده و جدیت در خلال آن گنجانده شود".

حضرت علی ابن ابی طالب -رضی الله عنه- می فرماید: دل‌هایتان را استراحت دهید؛ زیرا اگر دل‌ها خسته شدند، کور می‌شوند.

مشکل ما این است که استراحت بیشتر از حد لازم طول می‌کشد؛ نیاز ما این است که استراحت در وقت و محدوده مناسب خود قرار داده شود و اینکه استراحت در معصیت و گناه صورت نگیرد، بلکه اگر شخصی بتواند استراحت و تفریح خود را از چیزهای مفید حاصل کند، بهتر است.

حضرت عبدالله ابن عباس هنگامی که از سخن گفتن و تدریس خسته می‌شد می‌گفت: دیوان شاعران را بیاورید.

ابن شعبه محدث مشهور، زمانی که از بیان کردن حدیث بی‌حوصله می‌شد، اشعار را می‌خواند.

بهترین کار این است که وقت استراحت در درون برنامه‌ریزی شما تعیین شده باشد، به این واسطه از احساس خستگی به‌صورت کلی اجتناب می‌شود و استراحت محدود به زمان می‌گردد.

بهتر است برخی اسباب خستگی را شناسایی کرده و برای آن چاره‌جویی کنید. مرتب‌سازی مجدد محل کار یا محل درس و مطالعه شما باعث ایجاد تنوع می‌شود و خستگی را برطرف می‌کند.

۱۵. ورزش: باید به ورزش خود توجه کنید تا جسم شما قادر به انجام وظایف خود باشد. همیشه سخن پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- را به خاطر داشته باشید:

الْمُؤْمِنِ الْقَوِيَّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ^(۱).

«مؤمن قوی و نیرومند نزد خداوند متعال از مؤمن ضعیف و ناتوان بهتر و محبوب‌تر است.»

در گذشته گفته می‌شد: عقل سلیم در بدن سالم است. محمد بن ابوحاتم از امام بخاری تعریف می‌کند می‌گوید: در طول مدتی که با امام بخاری بودم جز دو مرتبه تیرش از هدف خطا نشد و در دویدن کسی بر او سبقت نمی‌گرفت.

اگر امام بخاری علی‌رغم مشاغل علمی، در هدف‌گیری و دویدن تا این حد تمرین داشته است، پس چه بهتر که ما به این بزرگان اقتداء کنیم. ۱۶. در تنظیم وقت خود پافشاری کنید تا به اهداف خود برسید. به سلاح صبر و استقامت مسلح شوید و باید همیشه در ذهن داشته باشید:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾
(عنکبوت/۹۶).

«کسانی که برای [رضایت] ما به تلاش ایستند و در راه [پیروزی دین] ما جهاد کنند، آنان را در راه‌های منتهی به خود رهنمود [و مشمول حمایت و هدایت خویش] می‌گردانیم و قطعاً خدا با نیکوکاران است [و کسانی که خدا در صف ایشان باشد پیروز و بهروزند].»

۱. صحیح مسلم، کتاب القدر، باب: استعن بالله ولا تعجز، شماره: ۶۸۶۸.

پیگیری و کنترل

نظارت و کنترل عبارت از مقایسه‌ای آنچه قبلاً برنامه‌ریزی شده، با آنچه اجراء شده، به هدف تشخیص انحرافات و استفاده از نکات مثبت و جلوگیری از نکات منفی می‌باشد.

پیگیری مؤثر به موارد ذیل مشخص می‌شود:

۱. فوری: پیگیری باید از ابتداء به همراه اجرای پلان صورت گیرد تا کوتاهی‌ها قبل از فوت فرصت‌ها جبران شود؛
۲. تداوم و استمرار: کنترل بدون وقفه ادامه داشته باشد و نتایج را در دوره‌های مشخص جمع‌آوری نماید؛
۳. کنترل اقتصادی: وقت و زحمت را بیشتر از نتیجه و ثمر آن مصرف نمی‌کند؛
۴. نظارت اصلاحی: نه به هدف ثبت اشتباهات و سرزنش خود.
۵. کنترل انعطاف‌پذیر: مجرد اقدامات جامد و جدا از واقعیت نیست؛ بلکه متناسب با برنامه‌ریزی و شرایط اجرائی آن هست.

گام‌های مدیریت وقت

- برنامه ریزی وقت؛
- لیست کارهای روزانه؛
- پیگیری و نظارت.

فصل چهارم

تمرکز

هدف از تمرکز در اینجا فرورفتن کامل در کار هست تا سرحدی که به درجه کمال و درستی برسد. متخصصان مدیریت می‌گویند: هیچ بیماری روانی در زندگی وجود ندارد که کار سخت و تمرکز قوی آن را درمان نکند. از جمله بیماری‌های خطرناک که افراد و رهبران به آن مبتلا هستند، عبارت از عدم تمرکز در کارهای شان هست.

شاگردی که برای امتحان آمادگی می‌گیرد، در روزهای آخر سال -حال آنکه در امتحان فرد مورد احترام یا توهین قرار می‌گیرد- اما می‌بینید که او به همه چیز مشغول است، کتاب را باز می‌کند، سپس یاد این می‌افتد که برای فامیلش در قریه نامه بنویسد، شوق و علاقه‌اش را برمی‌انگیزد، بعد از آن به یاد تماشای فلان پارچه تمثیلی در تلویزیون می‌افتد، گاهی به استادیوم برای تماشای مسابقات فوتبال می‌رود؛ به این ترتیب درس‌هایش را از دست داده و در امتحان ناکام می‌شود. دلیل آن عدم تمرکز در یک وظیفه، یعنی درس خواندن هست. این نمونه یک شاگرد سهل‌انگار بود.

هر انسانی در پی حل مشکلات دیگران است؛ در حالی که در هنگام حل مشکلات خود، در آن تمرکز نمی‌کند، سپس دچار زیان شده و متضرر می‌گردد.

هر زمان یک موضوع خاص دارد

بعضی‌ها برای شما می‌گویند: تمرکز من روی مطالعه است، من در طول امتحانات کتاب‌های زیادی را مطالعه نمودم. برای چنین افراد می‌گوییم: در هر زمانی یک کاری وجود دارد و بر آن باید تمرکز کنید. شاگرد پیش از امتحان بر

خواندن درس‌ها و برنامه‌ی درسی تمرکز می‌کند تا کامیاب شود. کشاورز در فصل جمع‌آوری حاصلات، باید پیش از فصل بارندگی حاصلات را جمع‌آوری نماید؛ و همچنان اهل سیاست، مدیریت و اقتصاد در هر زمانی یک مسئله خاصی دارد؛ یعنی همان وظیفه‌ی که باید بر آن تمرکز نماید.

بعضی رهبران همه کارها را به عهده می‌گیرند، از یک کار به کار دیگر می‌پرند و از آن به کار دیگری مشغول می‌شوند و در آن همچنان تمرکز نمی‌کنند. پس کارها انجام نمی‌شود و فرصت نیز از دست می‌رود. اگر آنان تمام تلاش خود را تنها بر کارهای که در توان دارند متمرکز می‌کردند؛ و به دیگران نیز در حد توان شان کار می‌دادند؛ تمام کارها مطابق میل و خواست‌شان انجام می‌شدند. به خاطر تلاش جمعی که صورت می‌گیرد، بهترین نتایج را به دست می‌آوردند.

بیشتر رهبران مرکزی به این بیماری دچار هستند؛ کسانی که می‌خواهند تمام چیز را به دستان خود انجام دهند، از صفاکاری شروع تا تمام تصمیمات حیاتی که نیازمند فراغت ذهنی و تجربه‌ی کافی در کار رهبری و مدیریت هست. انگیزه‌ی آن‌ها خودخواهی نیست بلکه گاهی اوقات دلیل آن تمایل به مهارت در کار می‌باشد، به این گمان که جز به دست او امور اصلاح نخواهد شد؛ در حالیکه این تا حد زیادی توهم و خیال است. بنابراین به مرور زمان همه کارکنان بیکار یا بی‌خلاقیت می‌گردند و در به عهده گرفتن کارها به افراد ناتوان و خسته تبدیل می‌شوند؛ بنابراین تمرکز از دست می‌رود و نتیجه ضعیف می‌شود.

پیشتاناز آینده

تحقیقات نشان داده که افراد نابعه پیشتاناز آینده به سه چیز مشخص می‌شود

و آن:

- تمرکز بر یک هدف در یک زمان، بدون حواس‌پرتی:
﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ﴾ (احزاب/۴).
«خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است.»
- انعطاف‌پذیری و عدم سخت‌گیری: هرگاه یک مفکوره و ایده‌ای را می‌گیرند، در صورت که ایده بهتری بیابند، ممکن است ایده اول را ترک کنند، یا در صورت عدم مثمریت ایده اول برای یافتن ایده بهتر تحقیق نمایند.
الكَلِمَةُ الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ.
«حکمت گم‌شده مؤمن است.»
- برای حل همه مشکلات روش منظمی دارند؛ حتی برای مشکلات عارضی نیز راه‌حل دارند.
آنچه که به تمرکز کردن کمک می‌کند:
۱. تعیین اولویت‌ها و تصمیم به برتری دادن آن‌ها،
۲. تعیین وقت برای هر فعالیت؛
۳. توزیع کارها و سپردن آنها به دیگران؛
۴. مشغول شدن کامل به قضیه زیرکار: در حین کار و بعد از کار تنها به آن فکر می‌کند، تمام وجودش را در بر می‌گیرد و تا کار را انجام ندهد آن را ترک نمی‌کند.

۵. فعالیت‌های مهم نیاز به اوقاتی دارد که انسان دارای ذهن آرام و جسم فعال باشد، مانند ساعات اول صبح. «در سپیده‌دم‌های صبح امت من، برکت گذاشته شده است»^(۱).

۶. مسائل مهمی که نیاز به تمرکز زیاد دارد، ذهن را خسته می‌کند و برای استراحت نیازمند زمان است؛ دل‌ها زمانی که خسته شوند کور می‌شوند.

برای تمرکز بیشتر

- اولویت‌های خود را مشخص کنید؛
- برای هر فعالیتی زمان مفروضی را در نظر بگیرید؛
- تا می‌توانید مشغول شوید؛
- از اوقات اصلی که اوج فعالیت شما است بهره‌مند شوید.

۱. اشاره به حدیث پیامبر اکرم -صلی‌الله‌علیه‌وسلم- می‌باشد.

فصل پنجم

مسئولیت‌های جوان مسلمان

جوان یا دانشجوی مسلمان، ستون حرکت و اساس تحول و تغییر است. تغییر از خود شروع می‌شود سپس دایره آن در اجتماع گسترش می‌یابد. خداوند متعال یک قاعدهٔ اساسی را مقرر نموده و در آن می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾. (رعد: ۱۱).

«خداوند حال و وضع هیچ گروهی را تغییر نمی‌دهد [و ایشان را از بدبختی به خوشبختی، از نادانی به دانایی، از ذلت به عزت، از نوکری به سروری و بالعکس نمی‌کشاند] مگر اینکه آنان احوال خود را تغییر دهند.»

از این‌رو، بر جوان و دانشجوی مسلمان لازم است تا بسیار متوجه مسئولیت‌های خود باشد؛ زیرا همهٔ تقاضاهای امت را باید او برآورده بسازد. با تأسف گروه‌های را مشاهده می‌کنید که از تغییر مثبت صحبت می‌کنند و دیگران را به فضایل آن دعوت می‌نمایند، اما در میدان عمل آنان را نمونه‌های بد و مدل‌های زشت می‌بینید. خداوند و مردم این‌گونه نمونه‌ها و الگوها را دوست ندارند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾. (صف: ۲-۳).

«ای مؤمنان! چرا سخنی [به دیگران] می‌گویید که خودتان برابر آن عمل نمی‌کنید؟ اگر سخنی بگویید و خودتان برابر آن عمل نکنید، موجب کینه و خشم عظیم خدا می‌گردید.»

در گیرودار تغییر، اسلام به فرد مسلمان توصیه می‌کند تا به همه جوانب که به او کمک می‌کند شخصیت خود را به صورت کامل و متعادل شکل دهد، توجه کند؛ و راه رسیدن به این موارد قرار ذیل است:

- تربیت ایمانی و اعتقادی: این تربیت بنیاد دین و اساس ساختن امت اسلامی و فرد مسلمان است؛

- تربیت مدیریتی: تمرین مدیریت در شکل‌گیری رفتار خوب؛

- تربیت انسانی: که انسان‌های صالحی را تربیت می‌کند تا به تمام مردم اهمیت دهد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾. (حجرات/۱۳).

«ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی [به نام آدم و حواء] آفریده‌ایم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید [و هرکسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد]»

- تربیت جامع: شامل جنبه روحی و مادی انسان می‌شود.

- تربیت متعادل و متوازن: در بین تمام توانایی‌های انسان تعادل برقرار می‌کند.

- تربیت واقع‌بین: با واقعیت و خواسته‌های او سروکار دارد.

- تربیت مستمر.

- تربیت اخلاقی.

• تربیت اجتماعی: شامل خانواده، جامعه و امت می‌شود.

پس زمانی که فرد مسلمان بر منهج پروردگار خود پایدار بماند، حقوق و وظایف خود را بشناسد، اولویت‌های خود را تعیین کند و برای اوقات خود برنامه‌ریزی داشته باشد، می‌تواند تمام کارهای مورد نیاز خود را انجام دهد که سبب تغییر در خود و تغییر در جامعه شود. بهتر است به بررسی برخی این وظایف پردازیم.

۱- ایمان، علم و تعلیم

اسلام به ساختن شخصیت انسانی اهتمام نموده و در ساختن همه جوانب مادی، معنوی، روحی و عقلی توجه دارد؛ زیرا هر جنبه بر جنبه دیگر تأثیر می‌گذارد و سعادت انسان بر اساس اعتدال، تکامل و تعاون این جوانب استوار است.

علم و دانش یگانه وسیله تمیز در بین خیر و شر انسان هست. تنها راه ساختن امت‌ها و بیداری جامعه علم و دانش است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾. (زمر/۹).

«آیا کسانی که [وظیفه خود را در قبال خداوند] می‌دانند، با کسانی که [چنین

چیزی را] نمی‌دانند، برابر و یکسان اند؟!»

علم مورد نیاز همان علم دین و دنیا هست. مناره تمدن اسلامی در جهان بلند نشد، مگر زمانی که مسلمانان در تحصیل علم و دانش با همدیگر مسابقه می‌کردند.

پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- می فرماید:

مَا مِنْ خَارِجٍ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ، إِلَّا وَصَعَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ
أَجْنِحَتَهَا رِضًا بِمَا يَصْنَعُ^(۱).

«هیچ فردی نیست که از خانه خود برای کسب علم و دانش بیرون شود، مگر اینکه فرشتگان به نشانه رضایت از کارش، بال های خود را برای او می گسترانند.

یک مسلمان باید به بلندترین درجات علمی و تحصیلی دست یابد؛ زیرا او شخصیت خود را بر اساس علم و ایمان بنا می کند و جامعه خود را با نگاه در ملکوت آسمان ها و زمین پایه گذاری می کند:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي
الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يُذَكِّرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾.
(آل عمران: ۱۹۰-۱۹۱).

«مسلماً در آفرینش [عجیب و غریب و منظم] آسمان ها و زمین و آمدورفت [پیاپی و تاریکی و روشنی، کوتاهی و درازی] شب و روز، نشانه و دلایلی [آشکار برای شناخت آفریدگار و کمال دانش و قدرت او] برای خردمندان است. کسانی که خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوهایشان افتاده [و در همه

۱. ابن ماجه، باب فضل العلماء والحث على طلب العلم، شماره: ۲۲۶. آلبانی آن را تصحیح نموده است.

اوضاع و احوال خود] یاد می‌کنند و درباره آفرینش [شگفت‌انگیز و دلهره‌انگیز و اسرارآمیز] آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و نقشه دلربا و ساختار حیرت‌زای آن، شور و غوغائی در آنان برمی‌انگیزد و به زبان حال و قال می‌گویند]: پروردگارا! این [دستگاه شگفت‌کائات] را بیهوده و عبث نیافریده‌ای؛ تو منزّه و پاکي [از دست یازیدن به کار باطل!]، پس ما را [با توفیق بر انجام کارهای شایسته و بایسته] از عذاب آتش [دوزخ] محفوظ دار.»

علاوه بر آن، یک مسلمان باید برای کارهای ذیل اوقات مخصوص داشته باشد:

- فرصتی که در آن به ذکر الله بپردازد.
لَا يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ^(۱).
«زبان تو پیوسته به ذکر الله تر باشد.»
- اوقاتی که به درس‌های علمی خود حاضر شود
مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ^(۲).
«هر کس که خداوند در حق او اراده خیر نماید، به وی فهم دین، نصیب خواهد کرد.»
- اوقاتی که در آن قرآن را می‌آموزد و به دیگران می‌آموزاند.
خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ^(۱).

۱. ابن ماجه، کتاب الأدب، باب فضل الذكر الله، شماره: ۳۷۹۳. آلبانی آن را تصحیح نموده است.

۲. صحیح بخاری، کتاب العلم، باب العلم قبل القول والعمل.

«بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران، یاد بدهد»

- اوقاتی را برای انجام دادن درست عبادت و ادای عبادت‌های نفلی داشته باشد.

وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّىٰ أُحِبَّهُ^(۲).

- «بنده‌ام پیوسته با انجام نوافل به من نزدیک می‌شود تا اینکه من او را دوست بدارم.»

- اوقاتی را برای این‌که در زمینه تخصص خود به دنبال تحصیلات بوده و در عرصه تخصص خود مسلط شود.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتِقَنَهُ^(۳).

- «خداوند دوست می‌دارد کسی را که چون کاری انجام دهد به‌درستی و کامل انجام می‌دهد.»

اگر خواندن کلید علوم است، ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق: ۱).

«بخوان به نام پروردگارت. آن‌که [همه جهان را] آفریده است.»

و اگر تنوع فرهنگ‌ها کلید نبوغ است و جامعه صالح بر صلاح مسلمان افزوده و از او مراقبت می‌کند، پس جوامع امروزی با وسایل فریبنده و فسادی که در اختیار دارند و برنامه‌های آموزشی که دور از اسلام و در بسا موارد با اسلام در ستیز اند، رسانه‌ها با اشکال مختلف و رنگ‌های متنوع و سمومی که پخش می‌کنند، همه آنها خواندن را آخرین مشغله دانشجویان پسر و دختر قرار داده

۱. صحیح بخاری، کتاب فضایل القرآن شماره: ۵۰۲۷.

۲. صحیح بخاری، کتاب الرقاق، باب التواضع، شماره: ۶۵۰۲.

۳. مسند أبو یعلیٰ، شماره: ۴۳۸۶. آلبانی آن را صحیح دانسته است.

است؛ اگر آنان کتابی را هم مطالعه کند، کتاب‌های معما، کتاب‌های فال، داستان‌های عاشقانه یا مجلات جنسی منحرف‌کننده خواهد بود.

اگر گروهی پیدا شود که علیه این اوضاع ناهنجار قیام کنند؛ یکی از دلایل تسلیم نمودن افراد آن گروه به محاکم عرفی این است که نزد آنان کتاب‌های اسلامی یافت شده است.

با توجه به همه موارد فوق بر دانشجوی مسلمان و کار دانشجویی اسلامی و حرکت‌های اسلامی لازم است که به موارد ذیل توجه نمایند:

- مطالعه و زمینه‌سازی برای آن؛
 - ایراد سخنرانی‌ها و سمینارها برای توسعه فهم و تنوع علوم و فرهنگ‌ها؛
 - مخیمات: که جوانان را در ممارست رفتارهای اسلامی کمک می‌کنند؛
 - جلسات ایمانی: که در آن‌ها کمبودی‌های مدارس و برنامه‌های درسی جبران می‌شوند؛
 - تخصص علمی: به نحو که جوان مسلمان در جامعه خود متخصص پیشگام بوده و با علم، اخلاق و تخصص خود از دیگران متمایز باشد.
 - هم‌نشین صالح: که هرگاه غفلت کردند به او یادآور می‌شود و او را به انجام دادن کارهای خیر کمک می‌کند. حضرت عبدالله ابن مسعود می‌فرماید: فرد را به هم‌نشین او به‌شناسید، چون شخص را کسی همراهی می‌کند که مثل او باشد.
- در ضرب‌المثل‌های معاصر آمده است: به من بگوئید چه کسی را همراهی می‌کنید، تا به شما بگویم چه کسی هستید.

همهٔ اسباب فوق، مسلمان را کمک می‌کند که مسیر خود را روشن نموده و در هنگام قصور و کوتاهی، خود را محاسبه کند. کسی را پیدا کند که از او بپرسد: چه کار کردی؟ و وقت خود را کجا گذراندی؟

بهترین دوست، کتاب مفید است.

۲- اوقات کار

دعوتگر مسلمان یک فرد فعال است، کار کردن نزد او عبادت و کار را منظم و درست انجام دادن تقرب به خداوند است. در جامعه اسلامی انسان بیکار کرامت و احترام ندارد. خلیفه مسلمانان عمر بن خطاب -رضی الله عنه- می فرماید: من مردی را می بینم و از او خوشم می آید، اگر به من گفته شود که او بیکار است، از چشم من می افتد.

پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- می فرماید:

عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ صَدَقَةٌ. قَالُوا: فَإِنْ لَمْ يَجِدْ؟ قَالَ: فَيَعْمَلُ بِيَدَيْهِ فَيَنْفَعُ نَفْسَهُ وَيَتَصَدَّقُ. قَالُوا: فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَوْ لَمْ يَفْعَلْ؟ قَالَ: فَيُعِينُ ذَا الْحَاجَةِ الْمَلْهُوفَ. قَالُوا: فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ؟ قَالَ: فَيَأْمُرُ بِالْخَيْرِ أَوْ قَالَ: بِالْمَعْرُوفِ. قَالَ: فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ؟ قَالَ: فَيَمْسِكُ عَنِ الشَّرِّ فَإِنَّهُ لَهُ صَدَقَةٌ^(۱).

«صدقه بر هر مسلمان لازم است. صحابه گفتند: ای پیامبر خدا، اگر چیزی برای صدقه دادن نداشت چه کند؟ آن حضرت فرمود: کار کند تا هم به خودش نفع برساند و هم به دیگران صدقه بدهد. دوباره پرسیدند: اگر این کار از او ساخته نبود چه کند؟ فرمود: به نیازمند ستمدیده و دل شکسته کمک نماید. پرسیدند: اگر این را هم نتوانست چه؟ ایشان فرمود: به کار پسندیده سفارش کند. آن‌ها پرسیدند: اگر چنین نکرد؟ فرمود: از کار بد اجتناب نماید، زیرا این برای او صدقه است.»

۱. متفق علیه، لفظ آن از بخاری است و در کتاب الأدب، در باب کُلِّ معروفِ صدقه روایت نموده شماره حدیث: ۶۰۲۲.

مسلمان یک فرد منظم است، حق هر مستحقی را می‌پردازد، اوقات خود را تنظیم می‌کند، برای هر کاری وقتی مناسبی قرار می‌دهد. قبل از سخن گفتن در این موضوع دوست داریم که برخی از مبادی عمومی متعلق به کار را یادآوری کنیم^(۱).

یک: در حالی به محل کار خود بروید که در کمال صحت و تندرستی هستید و احساس برانزنگی کامل دارید. اگر سردرد شدید، تب، یا خستگی مفرط دارید، نمی‌توانید جذب یا تمرکز داشته باشید و کار کنید. شما از تنظیم وقت خود به شکل مؤثر عاجز خواهید بود، بدون دلیل هیجان‌زده و برآشفته خواهید شد و بر کوچک‌ترین اشتباه عصبانی می‌شوید؛ بهترین کار برای شما این است که استراحت مناسبی بکنید، هرگاه از بیماری خود بهبود یافتید، به کار خود برگردید.

دو: کارهای را که شروع کرده‌اید تمام کنید: پریدن از یک کار به کار دیگر بدون انجام دادن آن به معنای اتلاف وقت است. به سر رساندن کار باعث فعالیت بیشتر می‌شود و انگیزه ادامه کار را بوجود می‌آورد.

سه: لزوماً هر کاری در پایان به خستگی ذهن و روان می‌انجامد و شما را به مرحله فشار و استرس می‌رساند و میل به استراحت پیدا می‌کنید، بهترین چیز در این حالت آن است که از یک نوع کار که انجام می‌دهید به نوع دیگر آن بروید؛ یا از یک موضوع به موضوع دیگر بپردازید. یکی از متخصصان مشهور مدیریت، این راه‌حل را به‌عنوان درمان خستگی با کار، در بدل درمان خستگی با استراحت مطرح می‌کند.

۱. برگرفته از کتاب: تنظیم وقت، م. آر. بایی.

چهار: غلبه بر بحران بخش از تنظیم مؤثر وقت هست، همیشه آماده رویاروی با مشکلات و بحران‌ها باشید. در نتیجه هرچه زمان پیش می‌رود، یک موضع مثبت خواهید داشت که به شما قدرت رسیدن به حل سریع همه مشکلات می‌دهد.

پنج: اگر شما همراه یک گروه‌کاری کار می‌کنید، یا مسئول یک تیم می‌باشید، باید حداقل نیم ساعت پیش از آمدن گروه کاری به محل کار حاضر شوید، در این زمان با ارزش می‌توانید کارهای را که به‌نوعی تمرکز نیاز دارد انجام دهید؛ و می‌توانید کارها را به برادران همکار خود آماده کنید به‌نحوی که یکی از آن‌ها حاضر شده و کار خود را آماده ببیند.

شش: ارزش وقت خود را بشناسید. زمانی که شما مسئولیت ده نفر را به عهده دارید و روزانه هشت ساعت کار می‌کنید، این بدان معنا است که وقت دفتر شما بیشتر از ۸۰ ساعت در روز است و شما مسئولیت دارید بهترین نوع کار را از آن زمان بدست بیاورید؛ بنابراین اگر شما آنان را بی‌کار در انتظار صدور دستورالعمل خود قرار دهید، مرتکب اشتباه بزرگی شده‌اید؛ و این برای اوقات کاری یک خسارت بزرگی است؛ زیرا شما آنان را به گمان مصلحت به افراد بیکار و تنبل تبدیل خواهید کرد.

بهترین سیستم برای استفاده مؤثر از این اوقات دعوت کردن کارمندان به برگزاری جلسه در اول صبح هست. در طول این اجلاس کوچک شما کارها را به دیگران توزیع و اختصاص می‌دهید، بین فعالیت‌های مختلف آن‌ها هماهنگی ایجاد می‌کنید و گزارش سریع از کارهای را که به آن‌ها سپرده بودید به دست می‌آوردید، باید نتایج را بگیرید و در جزئیات دخالت نداشته باشید.

بهتر است یک کارمند را احضار کنید و او را به خاطر عدم انجام کاری که چند روز پیش به او سپرده بودید محاسبه کنید.

هفت: به یاد داشته باشید که فرد مناسب را در محل مناسب قرار داده و کار امروز را به فردا نگذارید، دستیاران خود را خوب آماده کنید تا با روحیه تیم متحد کار کنند.

هشت: باید یک مشاور کارآزموده داشته باشید؛ زیرا او می‌تواند در بعضی حالات بدون مراجعه به شما تصمیمات مناسبی را اتخاذ نماید. چنین مشاوره به صرفه جویی زیاد در زمان کمک می‌کند. چیزی که شما در جریان کار خود به آن نیاز دارید.

نه: باید از تجهیزات مختلف تکنولوژی معاصر استفاده کنید، مانند موبایل، ابزارهای تصویری، دستگاه‌های چاپ، کامپیوتر، دستگاه‌های گرافیکی، ابزارهای محاسبه‌ی، تجهیزات آدرس‌ها، دستگاه پست، دستگاه فاکس و سایر دستگاه‌های تسهیل‌کننده که به صرفه جویی و تنظیم وقت کمک می‌کند.

ده: ضرورت به ترتیب فایل‌ها و موضوعات: بسیاری از بزرگان را می‌بینید که مقاله یا روزنامه‌ی مشخصی را جستجو می‌کنند، اما آن را نمی‌یابند چون آن‌ها عادت ندارند که اوراق مهم‌شان را در جاهای منظم برای اهداف مشخص محافظت کنند، ضرب‌المثل خوبی است که می‌گوید: همه چیز سر جایش است، چون هر چیزی را جای خودش است.

این یک قاعده عالی است و باعث می‌شود در اوقات یک انسان مشغول بسیار صرفه‌جویی صورت گیرد. می‌توانیم بگوییم اغلب ضایع‌کنندگان وقت در محیط اطراف شما هست، مثل میز نامرتب شما و کاغذهای پراکنده و غیره.

در روز کاری

- با نشاط و پر انرژی باشید؛
- کار را که شروع کردید تمام کنید؛
- از داروی کار و استراحت برای درمان فستگی استفاده کنید؛
- مهارت سازش با بفران‌ها را بیاموزید؛
- در حاضر شدن اولین نفر باشید؛
- ارزش اوقات خود و دیگران را بدانید؛
- کار خود را به تأخیر نیندازید؛
- مشاور خود را آموزش دهید؛
- از وسایل و امکانات جدید استفاده کنید؛
- کارها، فایل‌ها، آثار و موضوعات خود را مرتب کنید.

انواع فعالیت‌ها

نخست - نامه‌ها^(۱)

﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا﴾. (نساء/۸۶).

«هرگاه شما را درودی دادند [اعم از سلام کردن و دعا نمودن و احترام گذاردن] به گونه زیباتر و بهتر از آن یا [دست‌کم] همانند آن، آن را پاسخ‌گویید.»

این از جمله آداب رفتاری است که اسلام برای ما تعلیم می‌دهد. نامه مثل سلام کردن است، از ما می‌طلبد که به‌خوبی از آن استقبال کنیم و به آنچه در نامه آمده توجه کنیم، در اسرع وقت ممکن به آن پاسخ دهیم. درست نیست که از برخی برادران بشنوید، به دلیل عدم سازگاری مزاج یا خلق‌وخوی او به نامه‌نویسی، پاسخ‌نامه‌ها را نمی‌تواند بدهد.

حاکم کردن خلق‌وخوی و هوا و هوس در این قضیه به کار شما آسیب می‌رساند. تصور کنید که شما برخی مسائل را از یک برادر خود ضمن یک نامه می‌خواهید، مطمئن هستید که او می‌تواند به شما کمک کند؛ بناءً برایش نامه فوری می‌فرستید و در انتظار جواب او می‌نشینید. انتظار شما طولانی می‌شود، ولی دوست شما چون حال و حوصله نوشتن را ندارد به شما پاسخ نمی‌فرستد. بعد از گذشت روزها و انتظار طولانی، آیا می‌توانید احساسات خود را برایم بیان کنید؟ اگر برای شما بگوید: جواب را نوشته توانستم، چون من نامه نوشتن را دوست ندارم. آیا بهانه او را قبول خواهید کرد؟

۱. امروزه می‌توانید نامه را به صورت ساده و آسان از طریق پیام‌رسان‌های مانند واتساپ، تلگرام، وی‌چت، بیپ و غیره به دوستان و برادران خود بفرستید. مترجم.

در اغلب اوقات برخی از نامه‌ها را دریافت می‌کنید، نویسندگان نامه‌ها از شما می‌خواهند در هر شرایطی و به هر شکلی ممکن به آن‌ها پاسخ دهید؛ هنگامی که برایشان پاسخ می‌فرستید -حتی با عذرخواهی- دل‌هایشان روشن می‌شوند و اعتمادشان نسبت به شما و کار شما افزایش می‌یابد. ممکن است در نامه‌های بعدی، فقط به این دلیل که پاسخ آن‌ها را داده‌اید از شما تشکر کنند.

اگر ضرب‌المثل رایجی است که می‌گوید: نامه فرستادن نصف دیدار است. من معتقدم که در این روزها نامه فرستادن بیشتر از قبل ضروری است؛ زیرا باهم آمیخته شدن کارها و مصالح، مسافت‌های دور و مصروفیت‌های زیاد باعث می‌شود که شما به بیشتر از فرستادن یک نامه برای دوست یا برادر تان موفق نشوید.

اما توسط نامه تبادل نظر می‌کنید. با استفاده از آن بر یک پلان یا برنامه کنفرانس به توافق می‌رسید؛ و با نامه جاهای جدید و قلب‌های جدیدی را به دست می‌آورید.

من پس از هر کنفرانسی که شرکت می‌کنم، برای تعدادی از افراد نامه می‌نویسم و از مهمان‌نوازی، پذیرایی و ملاقات‌شان تشکر می‌کنم؛ و از وقت زیبای که باهم سپری کرده بودیم سپاس‌گزاری می‌نمایم. برای آن‌ها می‌گویم که این کنفرانس فرصت مفیدی برای تبادل نظر بود؛ و از برخی ایشان پاسخ‌های دریافت می‌کنم که آغاز ارتباطات جدید و مفید هست.

به این ترتیب فرصت ملاقات‌های زودگذر تبدیل به فرصت یک ملاقات پایدار و مفید می‌شود. در مجموع زندگی یک نوع آشنایی و تعارف مفید هست.

شما باید با هر کسی که مکاتبه می‌کنید، یک فایل یا ورقه برای نگهداری نامه‌ها داشته باشید که حاوی خلاصه نامه‌های شما باشد، تا مطالب نامه‌های شما با همان شخص تکرار نشود و با گذشت زمان علاقه خود را نسبت به نامه‌های شما از دست ندهد.

اما در مورد نوشتن نامه باید گفت که بهتر است هر روز یک وقت مناسبی برای آن‌ها اختصاص داده و در آن وقت به همه نامه‌ها پاسخ دهید؛ در نتیجه هیچ پاسخ و نامه به تأخیر نمی‌افتد مگر اینکه موضوع به تأخیر نیاز داشته باشد.

برخی مردم عادت کرده‌اند که نامه‌ها و پیام‌ها مانند تلگراف کوتاه باشند، این اشتباه است؛ زیرا نامه یک عنصر مهم ارتباطی بوده و نوشتن آن یک هنر است. نامه به میزان زیبایی و دقت متن، حسن انتخاب موضوع و قالب زیبای آن، سودمند هست، ما فایده را از همچون نامه‌ها به دست می‌آوریم.

سیاستمدار مسلمان پروفیسور نجم الدین اربکان برایم گفت که او از یک منطقه دورافتاده در کشور ترکیه بازدید کرده بود، در هنگام دیداری یک تن از دوستان خود، متوجه شده بود که دوستش یک نامه از نامه‌های وی را نگهداری نموده به رسم ارج‌گذاری، آن را در یک قاب زیبا قرار داده است.

آیا دعوت‌گران به این موضوعات توجه می‌کنند؟

دور - استفاده از تلفون

تلفون از نعمت‌های بزرگی است که خداوند توسط آن بر بندگان خود منت گذاشته است. اگر نامه کلمات خاموش و اوراق بی‌جان را به شما منتقل می‌کند، تلفون آهنگ صدا و گرمی ملاقات را به شما انتقال می‌دهد.

برخی ها عصر کنونی ما را در مقایسه به ماشین و طیاره، عصر سرعت می‌نامند. اکنون با این تلفون چگونه خواهید بود که دکمه‌های آن را می‌چرخانید^(۱) تا مخاطب شما را از جاهای دور حاضر کند، با او سخن بگویید و او با شما سخن بگوید، با او مناقشه و گفتگو کنید سپس او با شما موافقت کند.

برخی از یادداشت‌های که استفاده از تلفون را برای شما آسان می‌سازد:

- می‌توانید به تلفون تان یک حافظه وصل کنید. در آن مهم‌ترین شماره‌های تلفون را قرار دهید، کافی است یکی از دکمه‌های تلفون را فشار دهید تا تلفون پس از لحظه‌ای صاحب شماره مورد نظر را پیدا کند. این باعث صرفه‌جویی در تلاش و زحمت شما می‌شود و به تنظیم وقت کمک می‌کند.
- می‌توانید تلفون خود را طوری تنظیم کنید که مکالمات ورودی را ضبط نماید و در فرصت مناسب به آن‌ها گوش دهید. چنانچه می‌تواند از طریق ضبط پیام جواب شخص تماس‌گیرنده را بدهید که در وقت دیگری یا در فلان ساعت تماس بگیرد. یا اینکه تماس را به شماره

۱. اشاره به تلفون‌های قدیمی است. مترجم.

تلیفون دیگری منتقل بسازد. یا پیامی با معنای خاصی که شما می‌خواهید برایش بفرستد.

- می‌توانید تعداد زیادی از تماس‌های خود را به دستیاران ارجاع دهید که با آن‌ها تماس بگیرد. حتی اگر شخصی که می‌خواهد با شما صحبت کند از طریق تلیفون مشترک تماس بگیرد.

- اگر تماس مهمی دارید، باید اوراق و مدارک لازم را جمع‌آوری کنید تا در زمان صرفه‌جویی کرده و بتوانید مکالمه موردنیاز را تکمیل کنید.

اگر در کنار تلیفون یک دفترچه و قلم برای ثبت نقاط مهم مکالمات داشته باشید بهتر است، تماس‌های خود را در اوقات مناسب قرار دهید. چنانچه می‌توانید به کسانی که با شما تماس می‌گیرند بگویید، وقت مناسب تماس با من، فلان ساعت هست.

به این ترتیب می‌توانید از این نعمت بزرگ الهی بهره‌مند شوید، آن که دور را نزدیک، سختی را آسان و شما را با مسائل تان رودررو می‌کند.

نعمت را اگر در غیر هدف آن استفاده نمودید، به نعمت تبدیل می‌شود. همانطوریکه تلیفون یک نعمت است، ممکن است به یک وسیله برای مکالمات بیهوده تبدیل شود. تلف کردن وقت در مکالمات بی‌فایده و توهین به هیئت‌ها و افراد، چیزهای است که به بی‌توجهی به کار و اتلاف وقت منجر می‌شود.

چت کردن بدون هدف، صحبت کردن زیاد به قصد وقت‌گذرانی و آنچه از غیبت و سخن‌چینی به دنبال دارد، اموری است که اسلام ما را از آن منع کرده است:

﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ﴾. (نساء/۱۱۴).

«در بسیاری از نجواها و پیچ‌هایشان خیر و خوبی نیست، مگر در نجواها و پیچ‌های آن کسی که به صدقه و احسانی یا به کار نیکو و پسندیده‌ای یا اصلاح بین مردم دستور دهد.»

نزد عبدالله بن مسعود -رضی‌الله‌عنه- از گروهی یاد شد که بدون هدف صحبت می‌کنند، ایشان فرمود: آنان افرادی هستند که عمل کردن بر آن‌ها دشوار و سخن گفتن برایشان آسان است.

انسان از این آفت در امان نیست مگر:

- با مشغول شدن در کار و چیزهای مفید؛
- دوری از بحث و جدال، حتی اگر بر حق باشد.

سوم - بازدیدکنندگان

دیدوبازدیدها از مهم‌ترین مشکلاتی است که صاحبان‌کار و مشاغل با آن

مواجه‌اند، سختی آن از:

- کمبود وقت و تمایل به پایان دادن زمان بازدید است.
- عدم آگاهی بازدیدکننده از تفاوت بین محل کار، خانه، باغ یا کلوب هست؛ و بی‌خبری از اینکه سخن گفتن در دفتر باید شامل موارد ضروری متعلق به کار باشد؛ تفریح و گردش در وقت و مکان دیگری باید صورت گیرد.

- سرانجام دیدوبازدید باید نتیجه مثبتی داشته باشد، به ایجاد محبت بیانجامد، مصلحتی را تأمین کند، رشته دوستی و برادری را تقویت کند. اگر دیدوبازدیدها این نتایج را نداشته باشد پس ضررش بیشتر از نفع آن خواهد بود.

به خاطر معالجه این‌همه مشکلات و دستیابی به اهداف مورد نظر از دیدوبازدیدها، به موارد ذیل توصیه می‌کنیم:

یک: اگر دفتری برای کارهای خود دارید، سکرتریت باید از بازدیدکنندگان مراقبت کند، برای شما لیست نام‌ها و نیازهایشان را ارایه کند و از میان آنان کسانی را که قرار ملاقات دارند مقدم کند، برخی بازدیدکنندگان نیاز به وقت بیشتری دارند، برخی ممکن است به‌سرعت نیاز خود را برآورده نمایند، مثل نوشتن ورق توصیه، یا تماس تلفونی باکسی. بهتر است اشخاص که نیازهای فوری و کوتاه دارند، مقدم شوند.

دو: عدم ورد دو نفر هم‌زمان، مگر در صورتی که کار مشترکی داشته باشند و به‌محض اینکه کارشان تمام شد، از دستیار یا سکرتر خود بخواهید که شخص دیگری را اجازه دهد؛ بنابراین کسی که کارش تمام شده است، به‌صورت خودکار می‌داند که زمان ملاقات او پایان یافته است.

سه: اگر دو نفر هم‌زمان نزد شما هستند و هر کدام کار مخصوصی دارد، پس برای بیرون رفتن یک نفرشان از آنان اجازه بخواهید؛ بعد از حل شدن مشکل شخص اول، شخص دوم را فراخوانید. اگر بیرون شدن یک شخص در ابتداء او را ناراحت کند، بعد از انجام شدن کار خوشحال خواهد شد و متوجه می‌شود که این تنها راه حل بود.

چهار: کوشش کنید ملاقات‌های شما در اوقات معین محدود شود. مثلاً همه کسانی که می‌خواهند با شما دیدار داشته باشند، برای ملاقات بعد از ظهر را ترجیح دهید. به این صورت در وقت بسیار صرفه‌جویی می‌کنید.

اهمیت دیدوبازدید

همه اقدامات فوق را می‌توانید برای تنظیم دیدوبازدیدها اتخاذ نمایید و در وقت خود صرفه‌جویی کنید؛ اما گذشته از آن، انسان باید از بازدیدکنندگان خود پذیرایی کند و به روی‌شان لبخند بزند:

تَبَسُّمَكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ صَدَقَةٌ^(۱).

«لبخند شما در مقابل برادرتان صدقه است.»

با آن‌ها احساس محبت و برادری کند.

﴿قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أذى﴾ (بقره/۲۶۳).

«گفتار نیک و گذشت، بهتر از بذل و بخششی است که اذیت و آزار به دنبال داشته باشد.»

در شنیدن مشکل آنها با ملاحظت و مهربانی برخورد نماید، حتی اگر این موضوع مربوط به شما نباشد.

• یک‌بار شخص سالمندی نزدم آمد و چون به طبقه چهارم بالا شده بود نَفْسِ نَفْسِ می‌زد. برایم گفت: آیا در همین‌جا درخواست‌های کاری ارایه شده است؟ من به او پاسخ ندادم، بلکه از او خواستم بنشیند و

۱. سنن ترمذی، ابواب البر والصله، باب ما جاء فی صنائع المعروف، شماره: ۱۹۵۶. آلبانی آن را تصحیح نموده است.

برایش یک گلاس چای خواستم، وقتی که راحت شد. دستش را گرفتم و او را به محل ارایه درخواست‌ها بردم.

• گاهی یک مرد یا یک زنی نزد شما می‌آید و مشکلی دارد که او را نگران ساخته است؛ می‌داند که شما قادر به حل آن نیستید، اما دوست دارد که شما به همراه‌شان بایستید و به آنان رهنمایی کنید. چون قضیه بر شانه‌های‌شان سنگین شده است، باید شما حسن نیت به آنان نشان دهید و ناامیدشان نسازید.

مَنْ مَسَىٰ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ خَيْرًا لَهُ مِنْ اعْتِكَافِ عَشْرِ سِنِينَ^(۱).

«تلاش یکی از شما در برآورده ساختن نیاز برادرش، بهتر است از این است که ده سال اعتکاف نماید.»

باید اعتماد، بذل محبت و کمک به دیگران در میان مردم دوباره احیاء شود تا مردم اطمینان و باور پیدا کند که دنیا هنوز خوب است.

هنگام بازدید از دیگران

همان طوریکه دوست دارید با قرار ملاقات و دیدار کوتاه کسی به دیدن شما بیاید و آمدن نزد شما به صورت منظم انجام شود، سعی کنید در هنگام ملاقات از دیگران شما نیز آن موارد را عملی کنید. با تلفون تماس بگیرید و از وقت مناسب ملاقات خود را با خبر کنید؛ فراموش نکنید که همه اسناد و خلاصه تماس‌های سابقه - به فرض اینکه فرد موضوع را فراموش نموده است - با خود داشته باشید تا بررسی موضوع برایش آسان شود. از انتظار قبل از ورود خودداری

۱. الأوسط للطبرانی، شماره: ۷۳۲۶. آلبانی آن را تضعیف نموده است.

نکنید. مثل کسانی نباشید که می‌خواهند بدون اجازه یا وعده قبلی وارد شوند و خودشان را فوق قانون می‌شمارند.

تلاش نمایید در مدت انتظار با سکرتر ارتباط برقرار کنید. از یک طرف روحیه او را بالا ببرید و از طرف دیگر انتظار خود را تسهیل کنید.

این موارد در چارچوب دفتر کاری لازم است؛ اما دیدوبازدیدهای اجتماعی با فرزندان، خویشاوندان، همسایگان و یا افراد دیگر از جمله عادت‌های انسانی به شمار می‌رود و تا زمانی که به صورت هدفمند انجام شود در تقویت روابط خانوادگی و اجتماعی نقش بزرگی دارد.

پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- می‌فرماید:

إِذَا عَادَ الْمُسْلِمُ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، أَوْ زَاوَهُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: طِبَّتْ وَطَابَ مَمْسَاكَ، وَتَبَوَّأَتْ مَنْزِلًا فِي الْجَنَّةِ^(۱).

«هرگاه یک مسلمان از دیدن برادر مسلمانش برگردد و یا برادرش را به خاطر الله ملاقات کرده باشد، الله متعال می‌فرماید: خوش باشید و خوش قدم باشید، در خانه در بهشت جایگزین شدید.»

برای اینکه دیدوبازدیدها در یک فضای مفید و سالمی انجام شود، باید:

- قبل از دیدار اجازه بگیرید؛ زیرا الله متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا﴾

(نور: ۲۷).

۱. ابن حبان، کتاب الجنائز، شماره: ۲۹۶۱. آلبانی آن را حسن دانسته است.

«ای مؤمنان! وارد خانه‌های نشوید که متعلق به شما نیست، مگر بعد

از اجازه خواستن [با زنگ زدن یا در کوبیدن و کارهای جز این‌ها].»

- ملاقات را تا حد امکان کوتاه کنید؛ چون برای ما جایز نیست که زندگی خود را با وقت‌کشی از بین ببریم. «اگر وظیفه‌دارید در انجام دادن آن عجله کنید»^(۱).

چهارم - جلسات

این مسئله از مهم‌ترین مسائلی است که نیاز به تنظیم و تجدیدنظر دارد؛ زیرا بسیاری از کارها و فعالیت‌های ما به آن بستگی دارد. حتی گاهی سرنوشت حرکت‌ها و گروه‌ها به آن تعلق می‌گیرد، احیاناً سرنوشت ملت‌ها و امت‌ها؛ بنابراین از ملاقات همراه رؤسای ادارات در جلسه برای بحث در مورد توسعه کار و نقاط مثبت و منفی آن شروع تا اجلاس سران کشورها؛ همه‌ی این جلسات در کشورهای جهان سوم به صورت متفاوتی انجام می‌شوند که بازتاب‌دهنده عقب‌ماندگی سرزمین و نقاط ضعف حرکت ما هست. اولین نقطه ضعف این کمیته‌ها در تشکیل آن‌ها است.

در حقیقت موضوعی که در سطوح بالاتر مورد مناقشه قرار می‌گیرد، به یک کمیته فنی متخصص برای پیگیری و نظارت از اجرای آن محول می‌گردد؛ و این‌گونه کمیته‌ها متمم و مکمل کار ارگان‌های بالاتر می‌شود؛ اما آنچه اکنون در کشورهای جهان سوم جریان دارد طوری است که افرادی مشخصی در هر سه کمیته یعنی کمیته عالی، کمیته متوسط و کمیته ابتدائی عضویت دارند. در

۱. اشاره به سخن امام حسن البنا که در صفحات گذشته ذکر آن گذشت. مترجم.

جلسات خود از یک محل به محل دیگری می‌روند، نتیجه حتمی این کمیته‌ها کم‌رنگ شدن، حقیر و بی‌اهمیت گردیدن آنان می‌باشند و این‌گونه پایان می‌یابند. من کمیته‌های بسیاری دیده‌ام که خیلی باارزش و اهمیت بوده‌اند، در جلسات آن‌ها برخی از اعضاء شرکت نموده و برخی دیگری شرکت نمی‌کردند؛ بناء نصاب تکمیل نمی‌شد و اگر تکمیل هم می‌شد، آن هم یک روز یا دو روز قبل از موعد جلسه بود؛ طوری که اعضای آن به مسائل دیگری مشغول بودند، جلسه بدون برنامه برگزار می‌گردید، هیچ‌کدام از اعضاء یک ساعت قبل در مورد جلسه فکر نکرده بودند و تمام اوراق و مدارک جلسات قبلی به دلیلی از دلایل موجود نبودند.

در نبود متخصصان و عدم دقت در حضور جلسه، نداشتن برنامه‌ای کاری و نبود اسناد کمیته، بحث و گفتگو به خاطرات تبدیل می‌شود؛ در نتیجه جلسه همان‌طوری که شروع شده بود به پایان می‌رسد؛ کسانی‌که در جلسه حضور یافته بودند، با دل‌های اندوهگین، از همان راهی که آمده بودند، برمی‌گردند.

نه مسئولین محترم! خطاب به کوچک‌ترین دولت آن‌سوی دنیا تا مسئولین بزرگ‌ترین کشور روی زمین، این جلسات از مهم‌ترین کارها است، در کشورهای جهان اول، بزرگان تا زمانی که متخصصان در کمیته‌های مختلف، برداشت‌های خود را از امور اقتصادی، سیاسی، فکری، رسانه‌ای و حرکی آماده نه ساخته باشند، در جلسات شرکت نمی‌کنند. بعد از ابراز نظر اعضای کمیته‌ها، جلسه برگزار می‌گردد و یکی از دو احتمال را ترجیح می‌دهد.

مسئله ما تنها به دلیل جهل و ناآگاهی از ارزش این وضعیت نیست، بلکه از عدم اعتماد به نفس نیز هست؛ مقامات بلند رتبه نمی‌خواهند با افراد پایین رتبه

ملاقات کنند، در نتیجه حلقات به همدیگر بدبین می‌شوند و ایده‌ها و رؤیایها از بین می‌روند.

کمیته‌های تخصصی عبارت از مؤسساتی هستند که تمام وقت کار می‌کنند و بهترین افراد را با خود دارند، مهم‌ترین اطلاعات را جمع‌آوری می‌کنند، کامل‌ترین مطالعات را انجام می‌دهند، برای کارها برنامه‌ریزی می‌کنند و پس از اینکه بر سر پلان آن به توافق رسیدند، آن را به اجراء می‌گذارند؛ بنابراین برای چالش‌ها در کمین‌اند، بلکه در روشنی چالش‌ها پلان مورد آزمایش قرار می‌گیرد.

در جهان معاصر میدان‌های نفوذ و تأثیرگذاری تغییر کرده‌اند. در گذشته هزار نفر مسلح با هزار تیر، بر پنج صد نفر که پنج صد تیر داشتند، پیروز می‌شدند؛ اما امروز یک مرکز کوچکی که ده نفر عضو دارد و اعضای آن مطالعات سیاسی-منطقی می‌کنند، می‌تواند میلیون‌ها نفر را در اینجا و آنجا هدایت کند. یهودیان از همین طریق در تمام ملت‌های جهان نفوذ می‌کنند، یعنی از راه عمل کردن نه با سخنان توخالی.

استاد نجم الدین اربکان برایم گفت: در جلسات شورای امنیت ملی ترکیه، جلسه با تصویب آجندا آغاز می‌شود، در هر یک از موارد آجندا، منشی جلسه یک راه‌حل را ارایه می‌کند، سپس راه‌حل دومی، سپس سومی و... به همین ترتیب در هر بخش آجندا کار می‌شود؛ زیرا آجندا را از قبل با دقت بررسی کرده‌اند و برای هر موضوع، تمام احتمالات ممکن را جمع‌آوری نموده‌اند.

- دیدگاه‌های اقتصادی خود را چگونه می‌سازیم؟
- تصمیمات سیاسی خود را چگونه صادر می‌کنیم؟

- آیا اخباری را که به دست آورده‌ایم، بررسی کرده‌ایم که این‌ها حوادث طبیعی هستند یا حادثی‌اند که توسط دیگران برای نفوذ و تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و تصمیمات ما راه‌اندازی شده‌اند؟
 - سیاست‌های رسانه‌ای ما چگونه است؟
 - خبرنگاران ما در مناطقی که مسلمانان در آن شدیدترین مبارزه را با حیل‌گری جهانی می‌کنند، کجا هستند؟
 - آیا نظریات و موضع‌گیری‌های ما در برابر دیگران متحدند؟
 - آیا همه‌ای ما حرکت‌های آزادی‌خواه در فیلیپین، کشمیر، چیچین و فلسطین و رجال آن‌ها را یکسان می‌بینیم؟
 - آیا در مورد اقلیت‌های اسلامی در جهان، کمک آن‌ها و ماهیت نقشی که در وطن خود دارند، دید مشترک داریم؟
- هزاران پرسش را می‌توانیم مطرح بسازیم و پاسخ به‌طور مداوم علامت تعجبی منفی خواهد بود که با یک لحن جان‌گداز، غم‌انگیز و نوحه‌گرا به پرسش‌های قبلی خواهد پیوست.
- این به دلیل کمبود نیرو و توانایی نیست، بلکه احیاناً به سبب زیاد بودن نیرو است.

دلیل نشاط و پویایی هر مؤسسه، حرکت، گروه، دولت و حزب در وجود کمیته‌ها و انستیتوت‌های تخصصی نهفته هست که تمام‌وقت برای پیگیری حوادث، تجزیه و تحلیل آن‌ها کار می‌کنند؛ سپس آنها ترکیب و به تصمیم‌گیرندگان ارائه می‌کنند؛ بنابراین تصمیم آن‌ها به‌جای تصمیمات

آرمان‌گرایانه‌ای دور از واقعیت که گمان و هوس بر آن غالب هست، تبدیل به یک تصمیم مدرن واقع‌گرایانه می‌شود.

پنجم - کنفرانس‌ها

کنفرانس عبارت از یک ایده‌آرایه شده هست که افراد دارای علایق مشابه را در یک مکان، در یک تاریخ و برنامه مشخص باهم جمع می‌کند. متفکران در آن برنامه به‌نوبت در مورد نگرانی‌های خود سخنرانی می‌کنند. در حین اجرای کنفرانس، بحث و مناقشات مهمی صورت می‌گیرد که بر روشنی ایده مطرح‌شده می‌افزاید. در همچو کنفرانس‌های که تنها سخنان را آرایه می‌کنند، یا بحث و مناقشه صورت می‌گیرد فایده نیست؛ بلکه فایده در فضای کنفرانس، رفتار اشتراک‌کنندگان و مسئولین آن هست؛ طوری که برادر اشتراک‌کننده با روحیه جدید، تصورات روشن، حالت روانی مؤثر و عالی باز گردد و روحیه فعالیت و نشاط در او ایجاد شود چنان‌که گویا دوباره متولد شده است.

بیداری اسلامی که امروز موضوع هر لحظه‌ای ما هست، توسط جوانان ایجاد می‌شود. هرگاه به مسجد داخل شدید و تنها سالمندان را در آن مشاهده کردید که مسجد را آباد می‌کنند، با برداشت منفی از مسجد بیرون خواهید شد؛ زیرا افراد سالمند غیر از مسجد میدانی برای عمل ندارند؛ اما اگر مسجد را پر از جوانان مشاهده کردید، خداوند را حمد و سپاس می‌گویید و مطمئن می‌شوید که آن کشور در وضعیت خوبی قرار دارد؛ چون جوانان به وسوسه‌ها پشت پا زده و برای تقویت شخصیت اسلامی خود وارد مسجد می‌شوند.

بیداری جوانان در بستر کنفرانس‌های اتحادیه بین المللی نهادهای دانشجویی^(۱) متولد شد. آن که در این کنفرانس‌ها شرکت نموده و آن را تأسیس، هماهنگ و حمایت کرد، اعتبار بزرگی در تقویت این بیداری دارد که حرکت‌های اسلامی آن را آشیانه‌های طبیعی برای خود گرفتند.

برای اینکه کنفرانس‌ها ثمرات مطلوب داشته باشند و به اهداف خود برسند، باید مجموعه‌ای از شروط در آن جمع شوند:

یک: برای آن برنامه‌ریزی شود: فوری، جعلی و ساختگی نباشد، بلکه اهداف آن معین و برنامه‌های آن نوشته شده باشد.

دو: متکامل باشد: با کنفرانس‌های مجاور، یا کنفرانس‌های بعدی تکرار نشود؛ بنابراین یک کنفرانس برای جوانان تازه‌کار برگزار می‌شود و یک کنفرانس برای اندیشه و تفکر و کنفرانس دیگر برای پلان‌گذاری، یکی دیگر برای سیاست و به همین ترتیب کنفرانس‌ها جداگانه و بدون تکرار برگزار می‌شوند.

سه: اینکه سخنرانان به دقت انتخاب شوند: برگزارکنندگان کنفرانس‌ها عادت دارند که سخنرانان را از کشورهایشان فقط به خاطر علم، شهرت، یا جایگاه علمی یا اسلامی آنان یا اینکه چون خطیب خوش‌بیانی است دعوت می‌کنند. بدون شک این کار مفیدی است که نسل جدید به اساتید خود می‌رسد و با آنان آشنا می‌شود و همچنان سخنرانان با فعالیت‌های فرزندان خود آشنایی حاصل نموده هر دو طرف مستفید می‌شوند؛ لکن عدم دقت در انتخاب سخنرانان گاهی کنفرانس را در تنگنای شدیدی قرار می‌دهد مثلاً:

• این سخنران در کشور خود یک مشکلی دارد - در این عصر مشکلات بسیار است - پس آن را در کنفرانس ارایه می‌کند؛ اشتراک کننده را به نکات منفی مشغول می‌سازد که هرگز آنها را دوست ندارد و قبلاً به آن آگاهی نداشته است، در نتیجه مردم به چند دسته متفرق می‌شوند که بر اتحاد و قوت‌شان تأثیر منفی می‌گذارد.

• این سخنران در کشوری که دارای شرایط و روش‌های متفاوتی است، زندگی می‌کند؛ و اندیشه و جهت‌دهی او محدود هست. می‌بیند که مسائل فکری را مطرح می‌کند که محکمه زمان برای آن جریان فکری به علت افراطیت و انحراف، حکم اعدام را صادر نموده است و آن جریان خیلی سالها پیش از بین رفته است. سخنران آن را از درون کتاب‌ها بیرون آورده، یا از حلقات عقب‌مانده کشور خود گرفته است، این افکار را در کنفرانسی که بهترین جوانان جهان اسلام را جمع نموده عرضه می‌کند؛ جوانانیکه بهترین علوم را در معتبرترین دانشگاه‌های جهان آموخته‌اند. نهایتاً در کنفرانس علامت‌های سؤالیه پیدا می‌شود که تاریخ امت اسلامی را لکه‌دار می‌کند و اعتماد نسبت میراث مسلمانان را خدشه‌دار می‌سازد.

از این رو باید در انتخاب سخنران بسیار دقت شود و همراه سخنران بر سر موضوع توافق صورت گیرد، سپس او را حاضر نموده و به کمیته تدویر کنفرانس روان کند. پس از تأییدی کمیته، سخنران یا مدرس به کنفرانس آورده شود. در غیر آن از او دوری جسته و عذرخواهی کند.

عدم دقت و مشورت در انتخاب سخنران منجر به پراکندگی و اختلاف می‌شود، طوری که عملاً در برخی مناطق دیده‌شده است. همچنان منجر به ایجاد افکار بیهوده می‌شود که از کنفرانس شروع شده و سپس منتشر می‌گردد. افکاری که یک گروه را به گروه‌ها و یک تنظیم را به جناح‌های مختلف تقسیم می‌کند.

چهار: کنفرانس باید موضوعات عمومی را مورد بحث قرار دهد، موضوعاتی که مورد علاقه اقشار مختلف مردم بوده و مشکلات گوناگون امت اسلامی را درمان کند. از تمام کسانی که می‌توانند حضور یابند، دعوت به عمل آید. این مسائل با روحیه علمی، واقعی دور از تعصب و حزب‌گرایی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. کنفرانس‌ها فرصتی است تا کلمات پاکیزه آواز خود را بلند کنند، و همه کسانی که خیر و خوبی این امت را می‌خواهند با آنها هم‌صدا شوند. اگر به موضوعاتی نگاه کنیم که کنفرانس‌های جوانان مسلمان در خلال بیست سال مورد بحث و بررسی قرار داده اند - در حالیکه همه آنها در دایره حرکت اسلامی برگزار گردیده است - خواهیم دید که تمام آنها مانند موضوعاتی است که اسلام‌گرایان در مراکز و جلسات خود بحث می‌کنند.

من مقالات تحقیقی ارایه‌شده توسط برخی از کنفرانس‌های غیر اسلامی را مطالعه کردم، آنها را تحقیقات مهمی یافتیم که مطالعات عمیق و مفیدی را دربر دارد و در کتاب‌های که امروزه مرجع محققان است، منتشر شده است.

حالا من می‌پرسم: کجاست تحقیقات کنفرانس‌های ما که در زمینه‌های علم و فناوری ارایه نموده باشند؟ و کجاست راه‌حل‌های که برای مهم‌ترین مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در نظر گرفته شده باشند؟

کنفرانس‌ها فرصتی‌های اند تا اسلام‌گرایان باهمدیگر آشتی کنند و همچنان با غیرمسلمانان؛ و فرصت‌های برای توافق بر یک کلمه مشترک هستند، یعنی جاری ساختن تغییر در رگ‌های این امت به سوی مسیر بهتر و سالم‌تر.

پنج: نظریه انتقاد از خود را با رعایت آداب گفتمان داشته باشید، همه گرایش‌های فکری این نظریه را درک نموده‌اند و از خلال آن پیشرفت کرده‌اند؛ اما اسلام‌گرایان این نظریه را تطبیق نمی‌کنند. با اینکه یک مفکوره کاملاً اسلامی هست، لیکن برخی اسلام‌گرایان آن را ارتداد دانسته که مستوجب توبه است.

روزی که گروه‌ها خودپسند شدند و اشتباهات خود را تصور نمی‌کردند و جز انحرافات دیگران چیزی دیگری نمی‌دیدند و به کسی اجازه نمی‌دادند که از آن‌ها انتقاد کند و جرئت انتقاد خودشان را هم نداشتند، در همان روز حق دارید که از سرنوشت آن حرکت بترسید.

وظیفه کنفرانس‌ها، بخصوص کنفرانس‌های جوانان و دانشجویان این است که نظریه انتقاد از خود را بپذیرند و آن را رشد و توسعه دهند. بعد از مدتی ارزش این رویکرد و اثر آن را خواهند دید.

شش: در بسیاری از کنفرانس‌ها تصمیمات و نتایج در اتاق‌های پشت آماده می‌شود و اکثر مخاطبان کنفرانس از آن تعجب می‌کنند. اگر برخی از اشتراک‌کنندگان چنین نتایجی را بپذیرند، دیگران احساس ناامیدی می‌کنند؛ زیرا وجود و عدم وجود خود را یکسان می‌بینند. از اینکه ارتباطشان با کنفرانس سطحی بوده، خود را شهروندان درجه دوم فکر خواهند کرد. چه بسا نتایج واقعی کنفرانس کاملاً برعکس باشد. تغییر این روش و فرصت دادن به تمام اشتراک

کنندگان که سخنان خود را بدون سفارش و توصیه از جانب دیگران بیان کنند، باعث می‌شود که نه‌تنها نظریات، بلکه دل‌هایشان را نیز با خود ببرید.

هفت: انسان تعجب می‌کند از اینکه در هر اتحادیه، نمایندگی و یا کار عمومی، باید اسلام‌گرایان به‌صورت کامل آن را کنترل کنند؛ در غیر آن سهم نمی‌گیرند (همه‌چیز یا هیچ‌چیز). بدون شک که این مخالف سیاست، مدنیت و مصلحت است.

شیوهٔ درست این است که برنامه‌ریزی کنیم و همه کرسی‌ها را به دیگران واگذار نکنیم، بلکه برای آن شکل تنوع بدهیم، طوریکه یک هیئت اداری منتخب نمایانگر همه گرایش‌ها باشد (بر اساس مشارکت نه تسلط). داشتن یک فرصت گفتگو از نزدیک، از خصومت دور بهتر است.

این ماهیت کنفرانس‌ها است. کنفرانس‌ها فرصت‌های مهمی در حیات دعوت و دعوت‌گر هستند. باید توجه بیشتری به آن‌ها مبذول بداریم و با کمال حرمت و اعتماد انجام دهیم.

نباید فراموش کنیم که اسرائیل قبل از اشغال فلسطین یک کنفرانس بود و بسیاری از حرکت‌های انقلابی با یک کنفرانس آغاز می‌شود و سپس جایگاه خود را تثبیت می‌کند.

ششم - سفرها

سفر برای کسی که با کار جوانان و دانشجویان در تماس است و کمیته‌ها و کنفرانس‌ها و مخیمات را دنبال نموده و شامل آن‌ها می‌شود و یا در آن‌ها سخنرانی می‌کند، یا در این برنامه‌ها تنظیم می‌شود، یک ضرورت است.

سفر در اصل چنانچه پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- توصیف نموده است، یک قطعه از عذاب است؛ و مسافر در اکثر اوقات احساس خستگی و کوفتگی می‌کند، اینجا و آنجا در معرض آسیب است. لهذا ما برادران خود را که به سفرها ادامه می‌دهند، نصیحت می‌کنیم که با در نظر داشت موارد ذیل برای‌شان صندلی سفر رزرو کنند:

یک: اینکه برای سفرهای خود قبل از قبل برنامه‌ریزی نمایند، ویزای لازم را اخذ نموده و خطوط هوایی مناسبی را رزرو کند. با مقصدی که به آن سفر می‌کند در تماس شده تا برای استقبال او در فرودگاه و ترتیب محل اقامت و حمل و نقل‌شان در حد امکان ترتیبات لازم را بگیرند. تمام این موارد به برادر مسافر کمک می‌کند و در وقت او صرفه‌جویی می‌شود.

دو: اینکه سفر او دارای هدف واضح و روشن باشد، سفر به منظور آشنایی، یا ارایه سخنرانی، یا استماع، یا بحث و مناقشه، یا برای مدیریت کنفرانس و یا مخیم هست. با وجودیکه او برای هر یک از حالات فوق آمادگی لازم آن را می‌گیرد. با خود اوراق، اسناد و وسایل ضروری را نیز برمی‌دارد.

سه: سفرها یک مضمون غنی در مدرسه زندگی هست؛ از این‌رو مسافر باید برخی از یادداشت‌ها، تاریخ‌ها و صحنه‌ها را در دفتر خاطرات خود ثبت نماید. اگر این خاطرات در خلال بیست سال جمع‌آوری شوند، کتاب بزرگی از کتاب‌های مدرسه زندگی خواهد بود.

چهار: مسافر از تمام وقت خود، در تماس با افراد، شناختن آن‌ها و گرفتن آدرس‌ها و خوشحال بودن همراه‌شان استفاده نماید؛ و جز در حالات خاص و

ضروری قبول نکند که مدیریت کنفرانس وی را نسبت سایر اشتراک کنندگان در خورد و خواب متمایز نماید.

پنج: در بسیاری اوقات مسافر ساعت‌های طولانی را برای پرواز در فرودگاه منتظر می‌ماند، برای اینکه وقت او ضایع نشود، باید برای آن برنامه‌ریزی نماید و از این فرصت در مطالعه و نوشتن استفاده کند. من افرادی را می‌شناسم که توانسته‌اند از این اوقات در نوشتن مقالات و کتاب‌های خود استفاده کنند.

شش: سعی کند همیشه آدرس‌ها و شماره‌های تلفون یا چیزهای مشابه آن افراد کشورهای مقصد را با خود داشته باشد. تماس با برادران از فرودگاه مزیت دیگری سفرتان هست.

بدون شک سفرها علی‌رغم سختی‌هایش - تجدید کامل انرژی، انگیزه جدید برای عزم راسخ و فایده‌بزرگی است که با سفر کردن بدست می‌آید. اگر برای سفر درست برنامه‌ریزی کردید و از فرصت آن به‌درستی استفاده بردید، به فواید بی‌شماری دست‌یافته‌اید.

در گذشته می‌گفتند: سفر کن، تازه شو.

۳. اوقات استراحت

استراحت، تفریح و ورزش چیزهای است که بیشتر اوقات مورد غفلت قرار گرفته و به فراموشی سپرده می‌شود؛ و برای‌شان ارزشی قائل نمی‌شویم، زمان مناسب و کافی برای آن‌ها اختصاص نمی‌دهیم؛ حتی زمانی که از استراحت و تفریح در برنامه‌های خود یادآور می‌شویم، به بهانه اینکه وقت نداریم آن را ترک می‌کنیم. می‌گوییم کارهای مهم‌تر وقت استراحت را از ما گرفته است و مثل این تعبیرات. در این موضوع نیاز به مکث داریم.

برخی دعوتگران اسلامی معتقدند که چنین کارهای شایسته آنها و جدیت‌شان نمی‌باشد و اوقات‌شان با ارزش‌تر و گرامی‌تر از آن است که بخشی از آن را به ورزش اختصاص دهند. اگر این کار در حق افراد مبتدی و تازه‌کار جایز باشد، در حق دعوتگران سابقه‌دار و کارکشته روا نیست.

این گونه تصورات نادرست هیچ ارتباطی به حقیقت ندارد؛ بلکه بخشی از بیماری‌های رفتاری و عملی ما است.

دانشمندان مدیریت می‌گویند: همانطور که احساس گرسنگی بدن شما را مجبور به غذا خوردن و قضای حاجت شما را وادار به تخلیه روده‌های تان می‌کند، ورزش کردن نیز مثل غذا خوردن از نیازهای بدن است و نمی‌توان از آن بی‌نیاز شد.

استراحت و تفریح بخشی جدایی‌ناپذیر از هر برنامه‌ریزی و تنظیم وقت هست. دلیل اصلی موفقیت بسیاری از مردان فعال این است که از بدن‌های خود محافظت نموده و با ورزش‌های منظم از خود به صورت کامل مراقبت می‌کنند.

اگر امروز دانشمندان مدیریت این موضوعات را می‌گویند، دین ما قبل از همه نظام‌ها به این مهم توجه نموده و آن را بخش مهمی از تعالیم خود قرار داده است. به ما دستور داده است که فرزندان خود را تیراندازی، شنا و اسب‌سواری آموزش دهیم. نه یک مرتبه و بس، بلکه طبق یک برنامه مستمر فرزندان و پدران به صورت مساویانه باید با آن سروکار داشته باشند. در روایتی آمده است: کسی که تیراندازی را بیاموزد، سپس فراموش کند مرتکب معصیت شده است.

سیدنا علی -رضی الله عنه- می‌فرماید: دل‌های تان را ساعت به ساعت استراحت دهید، زیرا دل‌ها اگر خسته شدند کور می‌شوند.

اگر عبادت در ادیان دیگر نوعی از اذکار و تلاوت است، در دین ما عبادت همراه با حرکات انجام می‌شود؛ حرکت نماز، حرکت حج، قیام رمضان و جهاد - که تا روز قیامت ادامه دارد - همه این‌ها زندگی مسلمان را در یک حرکت فکری و جسمی دوام‌دار قرار می‌دهد.

• دل‌ها را هر ساعت استراحت دهید.

۴. اوقات اجتماعی نزد جوان مسلمان

یک پدیده ناهنجاری وجود دارد که سزاوار مطالعه، تجزیه و تحلیل است و آن اینکه بسیاری از دعوتگران اسلامی در خانه‌ها و در تربیت فرزندان خود موفق نیستند؛ نمی‌خواهم اسم افراد را ذکر کنم، اما این پدیده بروز نموده و اکثر اوقات نزد بیشتر دعوتگران وجود دارد.

این پدیده باعث می‌شود که برادر دعوتگر - بعد از مدتی - در برابر خود، فرزندان و جامعه خود شرم‌منده شود؛ و اندک‌اندک عقب‌نشینی نموده یا در کل به عقب بر گردد.

من با یک‌تن از این دعوتگران بودم و در بین ما گفتگوی ذیل صورت گرفت، گفت: من به این چنین کارها وقت ندارم. به او تذکر دادم که خانم و اولاد بر او حق دارند و درست نیست که به فرزندان دیگران توجه کند ولی اولاد خود را در خیابان‌ها بدون اینکه چیزی از آن‌ها بداند به حال خود رها کند.

گفت: فرزندان پس از گذراندن سن طفولیت، پدران خود را پیروی می‌کنند.

گفتم: دیدارهای اجتماعی است که رفتار همسر و دختران را اصلاح می‌کند و خانواده‌ها را با یکدیگر معرفی کرده و محبت را در بین دیدارکنندگان تعمیق می‌بخشد.

گفت: این روابط وقت‌گیر است؛ و دعوتگر وقت برای ضایع کردن در این چنین کارهای بیهوده ندارد! پس نتیجه چه؟
فساد در همه چیز موجود است، فساد رفتار فرزندان در سلوک خانه انعکاس می‌کند. بازتاب بدبختی در همه وجود دارد. بلی.

﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾. (قصص/۵۶).

«ای پیغمبر! تو نمی‌توانی کسی را که بخواهی هدایت ارمغان داری [و او را را به ایمان، یعنی سرمنزل مقصود و مطلوب انسانی برسانی] ولی این تنها خدا است که هر که را بخواهد هدایت عطاء می‌نماید.»

اما آیا معنای این قاعده آن است که ما در خانه‌های خود منتظر فرود آمدن هدایت باشیم؟ یا کار دعوتگران همان دعوت نزدیکان قبل از بیگانگان است؟
از این جهت نظر من این است که به حقیقت برگردیم و وقت کافی برای فرزندان و همسران خود اختصاص دهیم. علاوه بر کار دعوت، به کارهای اجتماعی نیز انجام پردازیم. مریضان را عیادت کنیم، به دیدن خانواده‌ها برویم و دست بر سر بیچاره‌ها بکشیم، نیاز مستمندان را برآورده بسازیم؛ با این رفتار اجتماعی، عواطف کریمانه‌ای در ما منعکس خواهد شد؛ انسان‌ها از این عواطف خالی شده‌اند یا نزدیک به خالی شدن‌اند.

همچنان علم واقعیت را منعکس خواهد کرد، بیشتر دعوتگران ما به دنیای تخیل ملحق شده‌اند، برای شما سخنانی را می‌گویند که در اکثر اوقات در دنیای

واقعیت نیستند. یگانه دلیل آن این است که از مردم و مشکلاتشان دور شده اند.

من از بیست سال به این طرف یک دوستی دارم، سعی کردم که او را بشناسم و به دیدن او به خانه اش رفتم؛ پس از آن بر اساسی دلایلی رابطه ما قطع شد. او به کارش ادامه داد و من کاری را که ما به خاطر آن باهم جمع می شدیم، ترک کردم. هرازگاهی که تصادفی با او روبرو می شدم می دیدم که از من کناره گیری می کند. ملاقاتش کردم و با او صحبت کردم. گفت شما حزبی ها فقط برادران هم حزب خود را دوست دارید و به دیگران اعتماد نمی کنید. من گفتم: اما برادری اسلام بلندتر و سزاوارتر است. گفت: سخنی زیبایی است اما شما به آن عمل نمی کنید. بلی، سخن این دوست من درست است. ارتباط ما با دیگران قطع شده است. ما به غیر از برادران هم حزب خود، به دیگران اعتماد نمی کنیم. بدون پرسیدن حق با ماست و بدون پرسیدن باطل با دیگران است.

من در این مورد تعلیمات زیادی نوشته ام؛ اما نوشته های زیادی خوانده ام که چنین مفاهیم غلطی را تأیید می کنند.

روابط بین تمام عمل کنندگان به دین اسلام خوب نیست، بلکه هر گروه با گروه دیگر دشمنی می کنند، گروه ها و نیت های اعضای آن را متهم می کنند. گاهی به آنان سلام می کنند و گاهی نمی کنند و این عملی خود را در راه خدا می پندارند.

چه کسی این حلقه شوهر را بشکند؟

بیاید همه ما این حلقه را بشکنیم، حلقه که خود ما ساخته ایم و در دایره آن به سختی افتاده ایم. وقتی با دیگران برادری می کنیم و به آنها محبت می ورزیم،

آنان را از حیث اخلاق سخاوتمندترین و گرامی‌ترین مردم می‌یابیم. درک می‌کنیم که تفاهم ما همراهشان تقریباً کامل است، نقاط اختلاف ما با آنان جزئی‌اند. گفتگو می‌تواند رسوبات اختلاف را بزدايد، بعد از آن محبت و برادری در میان تمام مسلمانان به‌صورت عام و در بین اسلام‌گرایان به‌طور خاص حاکم شود.

من نمی‌خواهم در این موضوع بیشتر صحبت کنم، اما می‌خواهم برگردم و تأکید کنم که یک دعوتگر باید وقت کافی به روابط اجتماعی خود اختصاص دهد. روابطی که مسیر او را اصلاح و راه او را تعیین می‌کند؛ و طوری که برخی تصور می‌کنند، این روابط امر ثانوی یا کار غیرضروری نیستند.

آیا سعی کرده‌اید که با فرزندان کوچک خود مهربانی و بازی کنید؟ آیا خبر دارید که پیامبر اکرم -صلی‌الله‌علیه‌و سلم- چگونه سجده می‌کرد، برای اینکه مزاحم حسن و حسین نشود، سجده‌ها را طولانی می‌نمود تا آنان با میل خود از پشت ایشان پایین شوند؟ سجده‌ها را نه اینکه در نمازهای نافله طولانی می‌کرد، بلکه در نمازهای جماعت چنین می‌کرد تا دیگران را درس تربیت بدهد.

آیا نه شنیده‌ای داستان آن صحابی را که رابطه پیامبر اکرم -صلی‌الله‌علیه‌و سلم- را با فرزندان ایشان و مهربانی و بوسیدن آنان را ایراد گرفت و گفت: من ده فرزند دارم و هیچ‌کدامشان را نبوسیده‌ام. پیامبر اکرم -صلی‌الله‌علیه‌و سلم- به او فرمود: در نوازش کردن اطفال، سرگرمی برای بزرگان بوده و خانواده را تربیت می‌کند و پیوندشان را با رشته ناگسستنی محبت می‌بافد.

آیا سعی کرده‌اید با فرزندان خود رفتاری داشته باشید که در هنگام بزرگ شدن، آنان رفتار دوستانه با دیگران داشته باشند؟

با فرزندان خود در امور خود و امور آنان مشورت کنید، به آن‌ها اعتماد کنید تا آنان به شما اعتماد کنند، از بین شما خشونت‌های ایجاد شده برداشته شود. محبت را به‌جای اوامر رشد دهید. آن‌ها همان‌طور که مسئولیت‌های دارند، حقوقی نیز دارند. چون دوست دارید به مسئولیت‌های خود عمل کنند، دوست دارند که به حقوق خود برسند.

آیا سعی کرده‌اید که به قضیهٔ دختران توجه کنید؟

آنان از عقل خود بیرون کرده اند که افراد عقب‌مانده و بخشی از عار و ننگ هستند؛ و اینکه آنان فقط در روز تولد، روز عروسی و درنهایت به‌سوی قبر از خانهٔ خود بیرون می‌شوند. و اینکه در کارها، اظهارنظرها و فعالیت‌ها اشتراک نمی‌کنند. آیا می‌دانید که شما پیش از دیگران باید زحمت اصلاح آن تصور جاهلی را متحمل شوید؟ اینکه به‌صورت عملی نه قولی - در از بین بردن این مانع روانی در محدودهٔ تعالیم بلند اسلامی و با حفظ کامل سلیقه سالم و عرف قایم، اشتراک کنید؟

آیا همسر را بهترین بهرهٔ دنیا می‌بینید، از جسم او با مهارت بهره‌گیری می‌کنید، از همراهی، زیبای و طراوت او استفاده می‌کنید و او را خدمت‌گزار خانه و فرزندان خود می‌دانید؟ یا با او رفتار کریمانه‌ای می‌کنید که سزاوار یک شریک کامل شما و خانهٔ شما هست، با او مشورت می‌کنید همان‌طور پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و سلم - با همسران خود مشورت می‌کرد، نظر وی را اگر صحیح بود می‌گیرید و از ذهن خود سخن نادرست را که در بین مردم مروج است (می‌گویند: با زنان مشورت کنید و خلاف مشورت آن‌ها عمل کنید) دور می‌کنید؟ در ساعت سختی به او پناه می‌برید، همان‌طوریکه پیامبر اکرم -

صلی الله علیه و سلم- بعد نزول اولین آیات ترسیده بود، به جوار خدیجه - رضی الله عنها- پناه برد، با او انس گرفت و خدیجه -رضی الله عنها- به ایشان مشورت داد و رأی صحیح را پیشنهاد کرد؟

آیا به ذهن شما خطور کرده است که برای همسران فعالیت دعوتی و اجتماعی قرار دهید؛ و اینکه فعالیت دعوی از حقوق همسر است چنانچه از حقوق شماست؟ آیا گاهی خود را مکلف ساخته‌اید که به اطفالتان توجه کنید تا برای همسر خود فضای مناسبی آماده کنید؛ چنانچه همسران در همه اوقات دیگر فضای مناسبی را برای شما آماده می‌کند؟

تربیت نادرست که ما در خانه‌ها انجام می‌دهیم، در همسران و دختران ما منعکس می‌شود؛ و می‌توانم بگویم حجابی را که دختری برخلاف میل خود بر سرش می‌بندد لزوماً نشان‌دهنده مسلمانان او نیست، بلکه ممکن است نشان‌دهنده عقب‌ماندگی او باشد.

آیا داستان دختری را نشنیده‌اید که پدرش او را به عقد نکاح پسر عم او درآورد، دختر این عقد را رد نمود و با پدر خود بحث و مناقشه کرد و نزد پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- شکایت نمود؛ سپس پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- عقد ازدواج وی را به دلیل حفظ احترام و عزت دختر فسخ نمود. بعد از آن هنگامی که آن دختر عقد نکاح را پذیرفت، گفت: می‌خواستم خواهران مسلمانم را آگاه بسازم که آنان در مسئله عقد ازدواج صاحب رأی و نظر هستند؛ و این که شریعت نظرشان را احترام می‌کند.

آیا نشنیده و ندیده‌اید زنان مسلمان ماندگار را که چگونه زندگی کردند؟ چه فرمودند؟ چگونه در کارها مشارکت می‌کردند؟ چگونه آموزش و پرورش دادند؟

ما مثل همان نسل می‌خواهیم، ما می‌خواهیم دعوتگران در این مسیر تلاش کنند و به آن وقت کافی اختصاص دهند.

آیا می‌دانید که والدین، پدر و مادر، نزدیکان به نیکی و لطف شما سزاوارتر هستند.

مَنْ سَرَّةً أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ، وَأَنْ يُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ؛ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ^(۱).

«هر کس دوست دارد که رزق و روزی او فراخ شود و عمرش طولانی گردد

پس صله‌رحم انجام دهد.»

آیا می‌دانید که اکرام و احسان به همسایه جزء ایمان است؟

آیا در مناسبت‌های شادی و غم‌شان اشتراک می‌کنید؟

اگر در شادی‌ها کنارشان بوده و در دردهایشان با آنان شریک شوید، قبل

از اینکه با کلمات و زبان خود آنان را از خود کنید با عمل خود دل‌هایشان را به

دست آورده‌اید.

برادر دعوتگر!

این همان دعوت الهی است، نه آن تصویر حزبی ناچیز که برخی از ما

خودش را در دایره آن حبس می‌کند، تصور حزبی یک تصور تحریف‌شده از این

دعوت بزرگ است که پیامبران و مصلحان خواستار آن بودند.

فرصت کافی را برای همسر، فرزندان، والدین، فویشاوندان، همسایگان و همکاران خود در نظر بگیرید.

۱. صحیح بخاری، کتاب الأدب، شماره: ۵۹۸۵.

۵- تنظیم اوقات خواب

برای تنظیم کردن وقت به‌طورکلی - باید روی یکی از فعالیت‌های که وقت بیشتری صرف آن می‌شود، یعنی خواب، تمرکز کنید. اگر خواب خود را به‌طور صحیح تنظیم نمودید، می‌توانید بقیه اوقات را آن‌طور که باید تنظیم کنید. ممکن است بپرسید: آیا باید کمتر بخوابم تا وقت بیشتری داشته باشم؟

نه خیر! این یک روش نادرست است. در حقیقت شما برای بهتر انجام دادن کارها، به خواب بیشتری احتیاج دارید^(۱). اشتباه بزرگ و غفلت کامل در حق خود و دیگران این است که ساعت‌های خواب خود را محدود کنید و بعد از آن در جلسات و ملاقات‌ها بخوابید؛ حتی اگر در جلسات شما را خواب نبرد، دست‌کم با پایین‌ترین سطح استعداد و قدرت در آن‌ها اشتراک خواهید کرد؛ در چنین شرایطی لزوماً شما نیاز خواب جسم و استراحت عقل خود را اداء نکرده‌اید.

چهبسا جلسات مهمی هستند که سرنوشت حرکت، گروه یا امت به آن وابسته است، اما شما درحالی به‌طرف آن می‌روید که از چند روز است پلک به‌هم نزدیک. در جلسه مانند یک جسم بی‌روح نشسته‌اید، از شما نظرخواهی می‌کنند؛ اما شما ساکت هستید؛ زیرا قادر به اظهار نظر نیستید. آیا فرد خوابیده می‌تواند صحبت کند؟! چه بسیارند برادرانی که ماشین خود را به تیر برق زده‌اند، یا آن را در رودخانه و دریا انداخته‌اند؛ چون به قدر کافی استراحت و خواب نداشته است خود یا برادرانش را کشته‌اند.

^۱. پیامبر اکرم -صلی‌الله‌علیه‌و سلم- می‌فرماید: لیس فی النّوم تفریط، إنّما التّفريط فی الیقظة. « غفلت و کوتاهی در خواب نیست، کوتاهی و غفلت در بیداری صورت می‌گیرد. »

نه خیر، این گونه بی‌راه نروید؛ فَإِنَّ الْمُنْبِتَّ^(۱) لَا أَرْضًا قَطَعَ، وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى^(۲). «آن که پیوسته بدون توقف و استراحت رفت، نه تمام مسیر را پیمود و نه برای خود مرکبی گذاشت.

روزنامه آمریکایی از تفاوت سفر انور سادات^(۳) و مناخم بگین^(۴) به ایالات متحده آمریکا نوشته بود. می‌گفت: بگین پس از رسیدن به ایالات متحده یک روز را در استراحت و آرامش سپری می‌کند و در روز بعد با سران اقلیت‌های یهودی دیدار می‌کند و روز بعد با رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا ملاقات می‌کند؛ اما انور سادات که در برابر آمریکایی‌ها عقده حقارت یا حس خودکم‌بینی داشت، به محض اینکه به آمریکا می‌رسد درحالی‌که خسته و بیمار است، دو ساعت پس از ورود با رئیس‌جمهور آمریکا دیدار می‌کند، و در مورد وقایع امت و سرنوشت ملت مصر صحبت می‌نماید.

تفاوت در بین کسی که عقده استعلاء یا خودبرتربینی داشته و کسی که عقده حقارت و خودکم‌بینی دارد.

پس از کودتای سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی کشور ترکیه، به دیدار استاد نجم‌الدین اربکان رفته تا آزادی او را از زندان تبریک بگویم و از خبرهای او مطلع شوم. استاد در آن زمان در یک منطقه به دور از چشم‌ها به سر می‌برد. من خسته

۱. منبت به کسی گفته می‌شود که مسیر یک سفر طولانی را بدون وقفه و استراحت می‌پیماید. پس در نصف راه مرکبش هلاک می‌شود و از ادامه سفر بازمی‌ماند. مترجم.

۲. السنن الکبری للبيهقي. ألبانی آن را ضعیف دانسته است.

۳. انور سادات سومین رئیس‌جمهور مصر در بین سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۱ میلادی بود، مترجم.

۴. مناخم بگین ششمین نخست‌وزیر اسرائیل که از سال ۱۹۷۷-۱۹۸۳ در این سمت ماند.

و ناتوان هنگام اذان مغرب نزد او رسیدم، می‌خواستم فوری در همان شب با او ملاقات کنم و برگردم؛ اما استاد رد کرد و گفت: به هتل بروید دوش آب گرم بگیرید، فردا ساعت ده باهم ملاقات می‌کنیم.

دانشمندان مدیریت از کارکنان موفق می‌خواهند که سهم کامل خواب خود را بگیرند. همچنان به آنان توصیه می‌کنند که دو یا سه ساعت در صبح زود یا آخر شب برای انجام دادن کارهای مهم اختصاص دهند؛ زیرا فرد در چنین ساعت‌های از صفای ذهن بالایی برخوردار است.

آنان چرچیل نخست‌وزیر انگلیس را به عنوان مثال ذکر می‌کنند و می‌گویند: چرچیل کارهای مهم و متمایز خود را در آخر شب انجام می‌داد. به باور ما این نظریه اشتباه است؛ زیرا انسان که دیر می‌خوابد اساساً از ساعت‌های اول صبح محروم می‌شود. حتی وضعیت ذهنی او در ساعت‌های آخر شب - پس از انجام دادن کارهای سخت در یک روز طولانی - در پایین‌ترین سطح خود خواهد بود.

شیوهٔ درست این است که فرد زود بخوابد و زود از خواب بیدار شود، در نتیجه از اوقات صبح بهره‌مند خواهد شد که بابرکت‌ترین و شگفت‌انگیزترین اوقات هست، در آن اوقات انسان در اوج صفای ذهنی و آمادگی روانی قرار دارد. یکی از نویسندگان اسلامی را پرسیدم که کتاب‌های خود را چه وقت می‌نویسد؟ در حالیکه او فرد بسیار مصروفی بود و وظایف متعددی داشت، برایم گفت: بعد از نماز صبح.

تحقیقات تأیید کرده‌اند که بیشتر نویسندگان و روزنامه‌نگاران کارهای مهم خود را در ساعات اولیه صبح می‌نویسند. ما مسلمانان این مورد را در ارشادات پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- می‌یابیم آنگاه که می‌فرماید:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا^(۱).

«پروردگارا در سپیده‌دم‌های صبح امت من برکت بگذار.»

برخی از سلف می‌فرمایند: تعجب می‌کنم کسی که نماز صبح را بعد از طلوع خورشید اداء می‌کند، چگونه رزق و روزی داده می‌شود!

نعمت‌های خداوند

خواهیدن یکی از نعمت‌های خداوند برای انسان و یکی از نشانه‌های قدرت او در جهان هستی هست.

﴿وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ﴾ (انعام/۶۰)

«خداست که در شب شما را می‌میراند و در روز شما را برمی‌انگیزاند و او می‌داند که در روز [که زمان عمده جنب‌وجوش و تلاش و کوشش است] چه می‌کنید و چه فراچنگ می‌آورید.»

﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾. (زمر/۴۲).

«خداوند ارواح را به هنگام مرگ انسان‌ها به‌تمامی بازمی‌ستاند.»

خداوند خواب را برای عقل و بدن انسان وسیله استراحت قرار داده است تا پس از خستگی و کوفتگی و زحمت، بتواند فعالیت خود را تجدید کرده و به زندگی خود ادامه دهد؛ و مانند هر چیز، فرد باید تا حد ممکن خواب خود را

۱. مشکاة المصابیح، شماره: ۳۹۰۸. آلبانی آن را صحیح گفته است.

کنترل نماید؛ برای استفاده بهتر از این نعمت باید رهنمایی‌های ذیل در نظر گرفته شود:

یک: خواب باید در اسرع وقت صورت گیرد، به شرطی که دلیل موجهی برای شب‌نشینی وجود نداشته باشد؛

دو: از ساعت‌های اول صبح برای انجام فعالیت‌ها استفاده شود؛ زیرا اوقات برکت و رحمت هستند و در آن فرد می‌تواند کارهای مهمی را انجام دهد. پیامبر اکرم -صلی‌الله علیه و سلم- برای حضرت عایشه -رضی‌الله عنهما- در حالیکه در اوقات چاشت خواب بود فرمود: ای عایشه بیدار شو که لحظاتی توزیع روزی‌ها است.

سه: خواب قیلوله در وسط روز برای بدن مفید بوده و تجدیدکننده نشاط است؛ پیامبر اکرم -صلی‌الله علیه و سلم- می‌فرماید:

قِيلُوا، فَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَا تَقِيلُ^(۱).

«قیلوله کنید، زیرا شیطان‌ها قیلوله نمی‌کنند.»

برخی از شرکت‌های خارجی، چون دانستند که این بهترین راه‌حل برای جلوگیری خواب در اثنای کار است؛ بنابراین بعد از ظهر به کارمندان خود فرصت کوتاهی می‌دهند تا در دفاتر کار خود بخوابند.

^۱. الجامع الصحيح للسنن و المسانید، آلبانی آن را حسن دانسته است.

همیشه از اوقات اول صبح در امور ذیل استغاره کنید:

- مفظ و تلاوت قرآن کریم؛
- ازکار صبح گاهی؛
- مطالعه و فراگرفتن؛
- انجام دادن کار های مهم.

۶- حالات اضطراری و مشکلات

شرایط اضطراری و مشکلات گذرا از ویژگی‌های زندگی است. تا زمانی که انسان کار می‌کند در معرض مشکلات قرار دارد. انسانی که کار و فعالیت نمی‌کند با مشکلات روبرو نمی‌شود. برنامه‌ریزی می‌تواند مشکلات را بسیار کاهش دهد و به حل آن‌ها کمک کند؛ اما مطمئناً جلوی آن‌ها را نمی‌گیرد. انسان باید در برنامه‌ریزی خود پلان و تصویری برای حل مشکلات داشته باشد. همان‌طوری که قبلاً گفتیم تحقیقات نشان داده است که نوابغ سه ویژگی مشترک دارند، از جمله:

۱. آنان روش منظمی برای تمام مشکلات دارند.
۲. آن‌ها مشکل را دارای راه‌حل منطقی و قابل‌اجراء می‌دانند.
۳. از منفی‌گویی روی‌گردانند و پایبند به مثبت‌اندیشی هستند. آنان مشکل را فرصتی برای مبارزه و اظهار توانایی و کسب تجربه می‌بینند.
۴. مشکلات را درست شناسایی می‌کنند: تحقیقات دریافته‌اند که ۵۰٪ مشکلات از طریق روشن شدن و شناسایی آن‌ها حل می‌شوند.
۵. شناسایی اسبابی که منجر به پیدایش مشکل می‌شود از ۲۰٪ مشکلات جلوگیری می‌کند.
۶. آرایه تمام راه‌حل‌های ممکن: همه راه‌حل‌ها را بنویسید بدون اینکه در ابتداء درست و غلط بودن آن‌ها را قضاوت کنید.
۷. اگر راه‌حل را انتخاب کردید، آن را موضوع صحبت خود قرار دهید؛ زیرا انسان‌های موفق همیشه از راه‌حل‌ها صحبت می‌کنند و افراد ناموفق همیشه از مشکلات می‌نالند.

۸. تصمیم راه‌حل را بر پایه دقت بگذارید: از تصمیمی که درست و ممتاز نبوده و به درجه کمال نرسیده باشد، بدون تصمیم ماندن بهتر است.
۹. برای تصمیم‌گیری زمان مناسبی را در نظر بگیرید: ۸۰٪ از تصمیمات خوب فی‌الفور گرفته می‌شود، اگر نمی‌توانید تصمیم‌گیری کنید پس مهلتی را برای تصمیم‌گیری تعیین کنید.
۱۰. مسئولیت‌های تصمیم‌گیری را بالای مسئولین توزیع کنید.
۱۱. برای پایان دادن به مشکل یک‌زمانی را مشخص کنید و در آن مدت کار را تمام کنید.

در پایان

اینها یادداشت‌های شتاب‌زده هستند که در باب ارزش وقت در زندگی مسلمان ذکر کردیم. پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- از حضرت ابراهیم -علیه السلام- روایت می‌کند، می‌فرماید: عاقل -تا زمانی که عقل او زایل نشده باشد- باید چهار گونه اوقات داشته باشد: اوقاتی که با پروردگار خود مناجات کند؛ و اوقاتی که خود را محاسبه کند. اوقاتی که در خلقت خداوند تفکر نماید؛ و اوقاتی که به نیازهای خوردن و نوشیدن خود پردازد^(۱).

آیا دعوتگران به این امر توجه دارند و برای هر کاری برنامه‌ریزی نموده و حساب می‌کنند؟ امت اسلامی منتظر انجام دادن نقش آن‌هاست و تمام جهان نیازمند این نقش است.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ صَلاَحَ السَّاعَاتِ وَالْبِرْكََةَ فِي الْأَوْقَاتِ^(۲).

«پروردگارا! ما از شما خوبی لحظات و برکت اوقات را می‌خواهیم.»

^۱. ابن حبان در صحیح خود حدیث طولانی ابوذر را روایت نموده است. حاکم می‌گوید: صحیح الإسناد است. همچنان در الترغیب آمده. (از کتاب الوقت فی حیاة المسلم، دکتر یوسف قرضاوی، ص ۱۹)

^۲. دعای سیدنا عمر -رضی الله عنه- می‌باشد. ایشان این دعا را بسیار تکرار می‌کرد.

مراجع و مأخذ

١. القرآن الكريم.
٢. صحيح البخاري.
٣. صحيح الجامع الصغير.
٤. صحيح ابن حبان.
٥. تنظيم الوقت - بقلم م. ر. باي.
٦. قيمة الزمان عند العلماء - عبد الفتاح أبو غدة.
٧. الوقت هو الحياة - د. يوسف القرضاوي.
٨. الوقت في حياة المسلم - د. يوسف القرضاوي.
٩. أساسيات إدارة الوقت - روي الكساندر.
١٠. مذكرات الدعوة والداعية - حسن البنا.
١١. القيادة في الأزمات - كوكسل.

كتابهاى نويسنده

١. الفكر الحركي بين الأصالة والانحراف (اللغة العربية - التركية).
٢. الحركة الإسلامية الحديثة في تركيا.
٣. القومية بين النظرية والتطبيق (اللغة العربية - التركية).
٤. نظرات في واقع المسلمين السياسي.
٥. نظرات في واقع الدعوة والدعاة.
٦. القيادة في العمل الإسلامي (اللغة العربية - الأوردية - أندونيسي - بوشتو).
٧. في التدريب التربوي (اللغة العربية - الانكليزية - التركية - التامل - الأردو - كردي).
٨. حاضر العالم الإسلامي - ١٩٩١ م.
٩. حاضر العالم الإسلامي - ١٩٩٢ م (اللغة العربية - التركية).

١٠. فلسطين والمؤامرة الكبرى (اللغة العربية - التركية - الأوردو).
١١. مستقبل الإسلام في القوقاز وبلاد ما وراء النهر (اللغة العربية - التركية - الأوردو).
١٢. دور الشباب المسلم في إعادة بناء الأمة.
١٣. النظام الإسلامي منهاج متفرد.
١٤. رد على كتاب آيات شيطانية.
١٥. شخصية المسلم المعاصر (اللغة العربية - التركية - الأوردو - الإنكليزية - الألبانية - البولندية - الفلبينية).
١٦. الإسلام دعوة التحرير (بالاشتراك مع كتاب آخرين).
١٧. الصراع الحضاري ودور الشباب المسلم.
١٨. كيف نعالج المجاعة في أفريقيا - الظاهرة والحل.
١٩. المرأة في موكب الدعوة (اللغة العربية - الأوردية - الألبانية).
٢٠. تحديات سياسية تواجه الحركة الإسلامية (اللغة العربية - الأوردو - الإنكليزية - الاندونيسية).
٢١. صفات الداعية المسلم.
٢٢. رسالة المسلمين في بلاد الغرب (بالاشتراك مع كتاب آخرين).
٢٣. أمهات المؤمنين في مدرسة النبوة.
٢٤. العولمة تعيد صياغة العالم.
٢٥. التربية ودورها في تشكيل السلوك.
٢٦. دليل العمل الطلابي (اللغة العربية - الاندونيسية).
٢٧. القدس والتحدي الحضاري.
٢٨. الفكر الإسلامي الوسط (دراسة في فكر الإخوان المسلمين).
٢٩. معالم تربوية (التربية بالقصة) - الجزء الأول.

٣٠. العمل الجماعي (أهميته ومشروعيته).
٣١. الشورى ودورها في إصلاح الفرد والمجتمع.
٣٢. ماذا بعد أحداث سبتمبر؟.
٣٣. كيف تواجه الأمة المسلمة التحدي الصهيوني.
٣٤. بشائر النصر.
٣٥. حوار الحضارات.

مادر مورد زن و مردی صحبت نمی‌کنیم که وقت خود را در بین چینل‌های تلویزیون، بازارها، کنسرت‌ها و رستوران‌ها تقسیم نموده است؛ زیرا این نوع افراد وقت خود را تجزیه و تحلیل نمی‌کنند و به منحنی فعالیت خود اهمیتی نمی‌دهند. لکن مادر مورد یک فرد جدی صحبت می‌کنیم که با زمان رقابت می‌کند، وقت خود را برای انجام وظایف خود غنیمت می‌شمارد.

هر فرد یک منحنی فعالیت خاصی دارد. مراحل که در آن فعالیت به اوج خود رسیده و مراحل که فعالیت کمتر از حد اوسط است. هرگاه انسان منحنی فعالیت خود را شناخت، بر او لازم است که فعالیت‌های مهم و اولویت‌ها را در سطح بالای منحنی قرار دهد تا به بهترین صورت انجام شود.

برشی از متن کتاب